

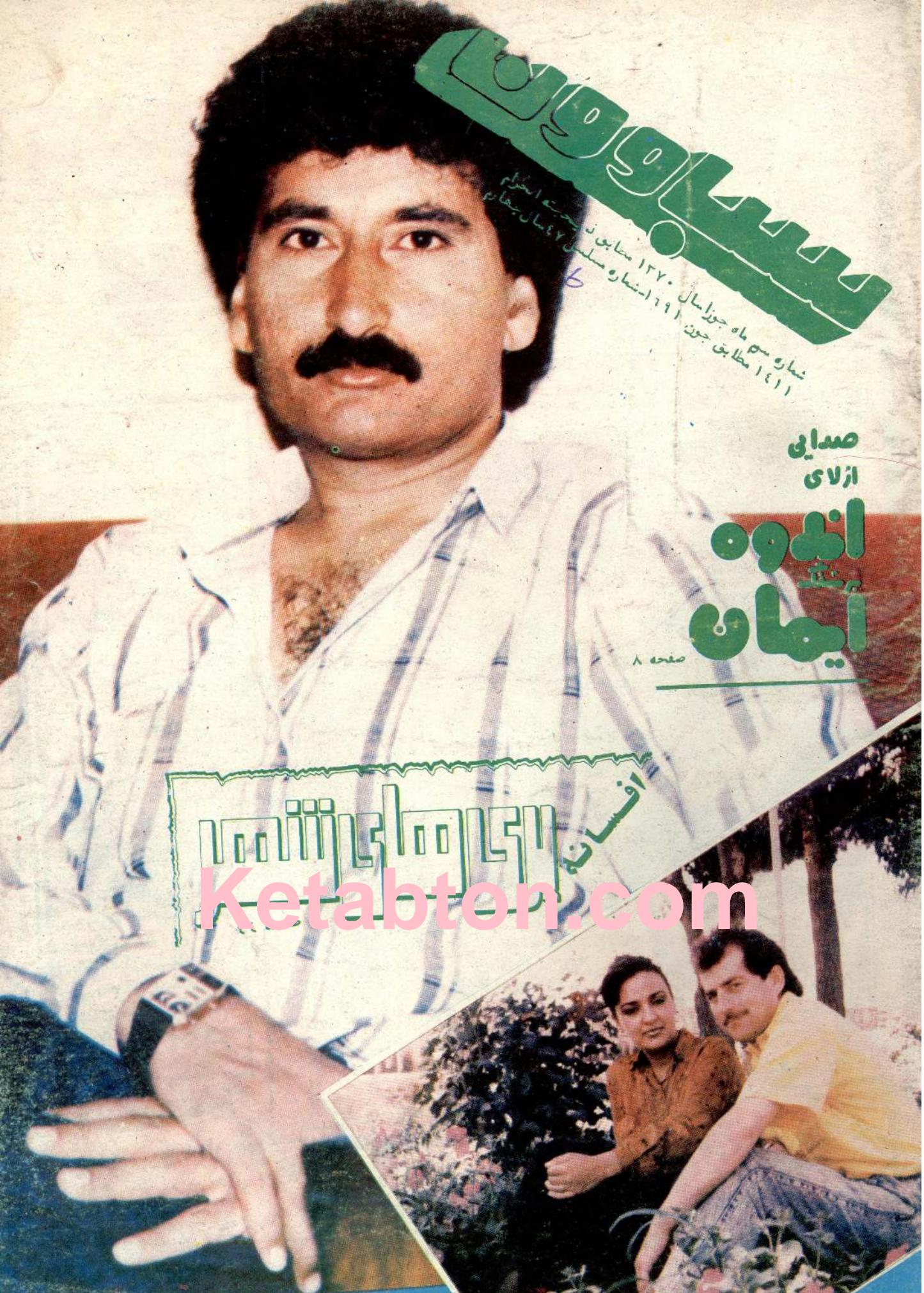
کتابتون

صدایی  
از لای

آن دو  
ایران

افسانه از کتابتون

Ketabton.com

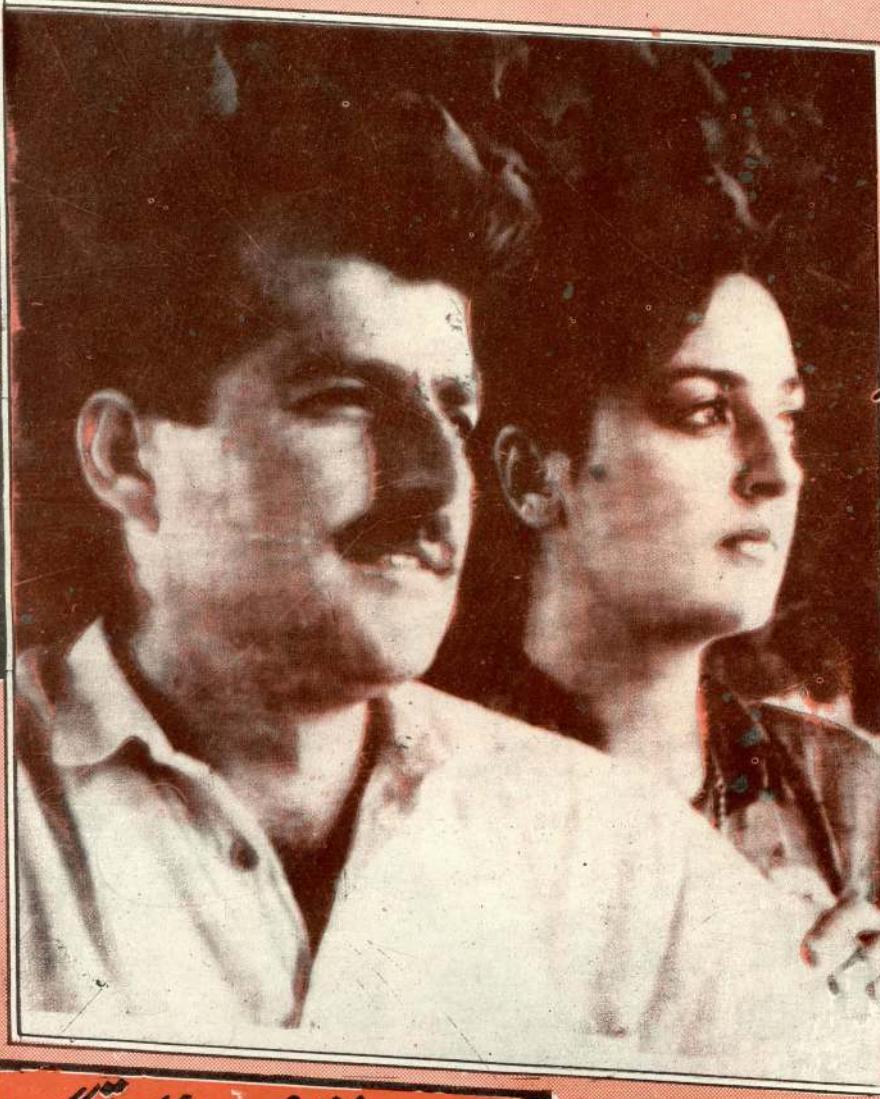


# رسانه

نشریه اتحادیه نویسندگان

آدرس: مکروردون سوم بلاک (۱۰۶)  
Add: Microrian-3 R. 196

شماره سیم ماه جوزا ۱۳۲۰ سال چهارم



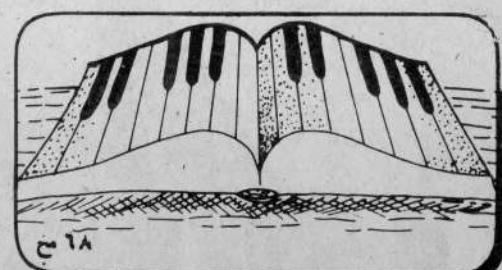
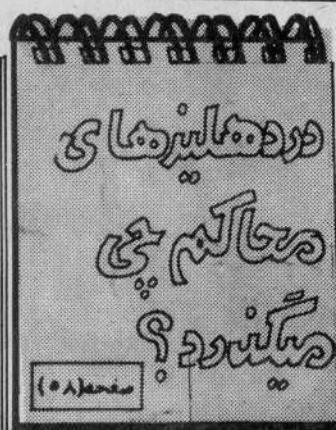
مصاحبه اختصاری با فردیستگار  
و دیگر رئیس

میهمیت نویسنده گان :  
پرسید چنانه میتوان نویسنده  
نماید ؟

حتی امروزه بربخ را این  
گمان است که شاعران و نویسندگان  
از الهام قادر به خلق آثار  
هنری اند . شاید از این رو  
ست که بربخ نویسنده ها  
سالها چیزی نمی نویسند و در  
انتظار الهامند .

میهمیت پیک نویسنده آن زمان  
ست که آن دیشه های پیکر و  
خلافش از دوک قلم فرار می کند  
آن زمان است که قلبش شعله  
وراسته اما آنچه به روی کا  
خذ من آورد از ناتوانی حکایت  
دا رد . چه بسیار زندگانی نویسنده  
هایی که با یک کار خوب ، کار  
را رها کرده اند و به تشا -  
نشته اند . زنده کی درگذر  
است . زنده کی در جلائیل  
رائی بخواهد . زنده کی این  
چنین نویسنده ها را درشت  
سرم که ارد . این میهمیت  
آنان را بس .

اداره مجله درویرایش مطالب  
دست باز دارد .  
عقاید و نظریات در مضمون  
نویسنده گان متعلق است



#### Kabul-Afghanistan

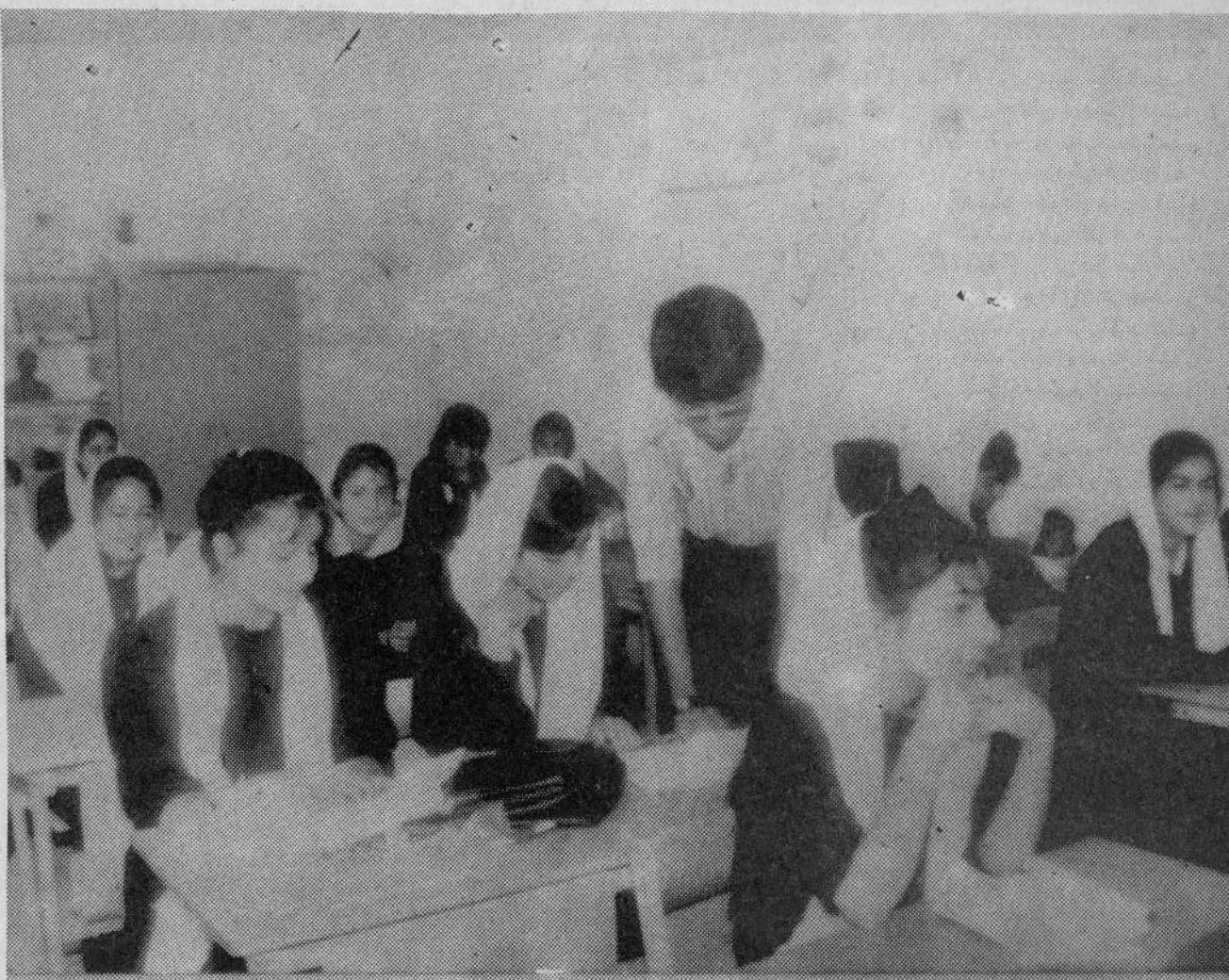
خاطر : کبر امیر محمد نعیم نیکزاد  
گردشیک : نوره بندورضیه  
عکس : شمعن گل  
آمر حاکم : بدالله  
لیتوگرافیک : محمد عارف  
چاپ : مطبوعه دولتی  
کتابخانه : جلد بانکر ۰۴۰۸ بر ۰۳۳ ده کشور افغانستان

مدیر مسوول: دکتور ظاهر طین

Dr. Zaher "Tania"  
Editor-in-Chief of  
"Sabawoon" Magazine

تلیفون دفتر: ۲۴۵۱۰  
۲۴۰۱۰

معاون: مجید اشرف معروف  
M. Asif Maroof  
۶۷۷۰۲  
تلیفون دفتر: ۲۴۷۰۲  
سکرتاریوس: میا عبدالقادر



معلم!

از تو

آموخته  
سپاس از تو!

مالیه غریب  
حبيب لبیه ام

در سال ۱۳۵۲

زبان و ادبیات درسته

قارئ گردیده و تاکنون نسبت

نهاده بعازاران میگذرد

مختلف روزات و مرتر ایسا

و طبیعه موده است اور دیگر

دریافت نه باید در راه

زیودن تیره کیها غبار ها

دوواره هایا چو رفت

معلم ساحب نوشت آب

نیز است به حیث معلم

پرورش شود معلم

هم چنان گردان و

لذتی و حسای

آن روزه همان

که از این روزه

دانسته که برا باید از آب

نمایزد

آب سپار از جویار

ما گذشت و درت نمود که ما

توت های بته های نورسی بیش

بودیم و دیم بیش برای

زمانیه برا نخستین

متکب رفتم پیش از اینکه نو

سته روی تخته را بیاموزم

از نخستین معلم خود این را

اوختم که باید با سپیدی به

روی سایه خند کنید

دریافت نه باید در راه

زیودن تیره کیها غبار ها

دوواره هایا چو رفت

معلم ساحب نوشت آب

نیز است به حیث معلم

پرورش شود معلم

هم چنان گردان و

لذتی و حسای

آن روزه همان

که از این روزه

دانسته که برا باید از آب

نمایزد

آب سپار از جویار

ما گذشت و درت نمود که ما

توت های بته های نورسی بیش

بودیم و دیم بیش برای

معلم عاصب همه روزه بست

قسم ممبوعد فقط یست دریشی

دادست تمام سال همانرا

میبودید نام همه مارا یاد

داشت باما میخندید و

دلداری مان میکرد

اما ماهی وقت غم و خوش

او رادرک تنوانستم بازیه

نایت داشت و هرگز برای ما

تعجب نمیخورد او هرگز برای

ما پرس نمیشد

هنوز از این همان سهای

پیشین اش درینه اخانه

ذهن خویشدارم آواز را

جستخواه را میشنوم

جویار لحن هاهیچنان جاری

بودند و اوراق گاهنامه ها

بیهم ورق میخوردند

بیمه در صفحه (۸۶)

آنوف های منید استم که

حق اکر وشن معلم عاصب

در خانه اترنام نداشت

با سپیدیها به روی سیاهی ها

مینوشت "نان" و هنتمیش

برای خود و فرزندانش سرتا

عن نداشت مینوشت: "خانه"

\*\*

وقت معلم صاحب را مید

یدم فکر میکردم که

میتوانم همه غم ها و تعجب های

شایان را به او بدمیم فکر

میکردم که میتوانم هرچیزی

را برای او اعتراف کنم دل

مایمیخ و است همراه برای

ما قسم بخواند بگویید و

بیوسد

ارزو داشتم مثل معلم

صاحب باشم همیشه ایستا

ده واستوار عموده همراهان

نیوشا است روزی تر، حیاتی

تر و مدهوم تراز آب باشد

آب آب روز نایمنی شنیده گشی

های ما بود مبنی نیاز منسد

یهای ما بود سرانجام روزی

در ریادیدم باعده بیزارم

گی اش با منع فیсан بودنش

با بر تشریفات فیشر، بازلا

لیش روزی اب، روزی بیان

ترانه عی انداخت که او میخوا

ند و ما از این تکرار میکردیم

من اب ریاز است من راحیجان استم

گرمن نروم در کشت

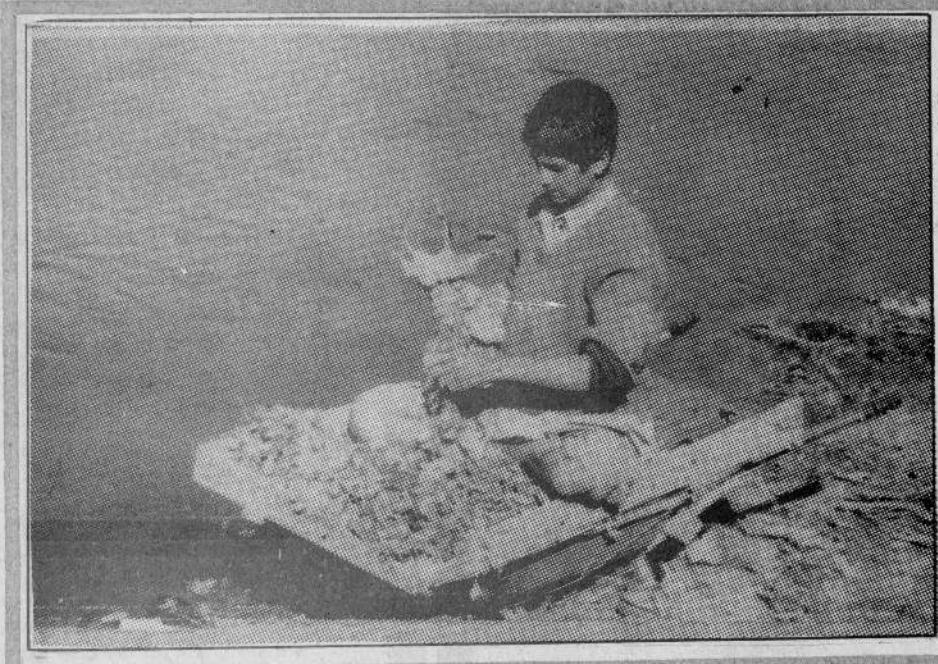
کی سبز سود کشد

و روزی این را فرمودم برای

دانستن آب روز نیز باید

اول آب راد است

\*\*\*



دروز را مورداً جرا فرار  
مید هد غوری که شما اشاره  
نمودید حفظ الصحه بمحیط  
نیست، عدم رعایت نکات  
صحیح رسانادخواراکه  
امر انگوناگون را به  
طور ساری شیوع می‌سازد مثل  
حرقه کولرا و امراض پرا -  
نیز، امراض ویروسی، موافقات  
جلدی از همین عوامل نشانه  
می‌کند که باید خانواده ها  
خودشان نیز با مراکز صحیح  
در زمانه همکاری نمایند.  
مادر رابطه با چکنگی  
آب اشامیدن در شهر بررسی  
را بارهای طب و قایوی طرح  
ساختم برآکه شاید بهتر  
از هفتاد تاهشتاد فهد آب  
آنامیدن در شهر کابل به  
طور غیر صحیح مورد استفاده  
قرار گرفته و دراین رابطه  
گفت:

از آب آنامیدن میوه ها و  
سبزیجات فصلی و مواد  
غذایی و نیافرحت محیط  
زیست شان در موسم کرما  
خود داری بهتر از حد راحد -  
اقل در مورد کود کان رعایت  
نمایند. دراین موسم بنها  
برگمای هوا اکثر گذاهای  
مواد خواراکی در شهر غرس  
من شود اگر از نظر صحرس  
مورد کنترول فوارانکرد خلیس  
های خطرناک است مثلاً از شهر -  
پین و آیسکرم تا روح  
بادنجان روم و روغن  
نالمل و غیره ...  
از آنجاییکه این مقاله  
خیلی ها حیاتی وجود دارد  
است از سرف هم بنابر نهاد -  
دن سهم منظم تنظیفات  
در شهر کابل، موجود است  
انبارهای کنافات و آب های  
ایستاده عوامل دیگر شیوع



## در خط راست

# خانواده‌ها متوجه صحت خود و اطفال تان باشید



دکتور عبد القويم "ایوب"  
رئیس طب و قایوی  
از شهر جدی تلق نشود  
آلودگی محیط نیست خطرات  
زیادی را به دنبال خواهد  
داشت.

بیوگرافی صفحه (۸۸)

وجود دارد که ممکن است از  
این دو طریق انسان را مصابة  
می‌سازد. انتانات معدی -  
معایی که از طریق دهن می‌زند  
کرته من شود. انتاناتی که توسط حشرات  
سرایت می‌کند از قبیل تهتانوس،  
تراخم، امارس، زهروی و میوس  
ایدنس. یکی از عواملی که قبله  
در رابطه به آن صحبت شد  
موجودیت انتانهای کنافات  
در شهر کابل است روزانه حدود  
دو هزار تن کنافات  
انتان من شود اگر شارطه ای  
کابل به اداره های دیگر  
به خاص انتقال آن به خارج

دست دارد. خانواده های متوانند از طریق  
نامن با مراکز صحیح و اخذ  
مشوره از ارکان های طب  
و قایوی اب مورد استفاده  
شان را لکوریزه و صحن بسا -  
زند، معمولاً محفوظ بود ن  
چاه ها با سر پوش رواک بودن  
دست به هنگام کمیدن آب  
از آنجاییکه مقدار کم کننده  
خواهد بود. رئیس طب و قایوی در باره  
امراض انتانی (مکرر) ا  
چنین توضیح داد که:  
اموان انتانی چار گروپ اند  
و بار طریق برای نکسر آن

از نظر صحي ضرورت است  
نآبجایه شکل محفوظ و  
صحی تهیه و به صرف بررسد.  
زیرا اکثر مکروب ها در بر و سخا  
از طریق آب آشامیدن مخصوص  
اطفال را مصاوب به امراء از  
میازد مثلاً در موسم کرما  
خانواده های از اب جوش داده  
شده استفاده نمایند که از نظر  
اقتصادی برای خود شان  
مفید تمامی شود. زیرا  
مجده و رعنی شوندکه مبلغ را  
پیش بین وجود دارد گفت:  
تاتون از کدام مرض  
مد هش خطرناک در شهر کابل  
گزارش نمایند است. ولی اداره  
ما به هناری سازمان صحیح  
جهان و پیوند پرورکار منظم

شهر کابل بنابر عوامل  
متعدد از نظر حفظ الصحه  
به شرایط سالم عرضه و توزیع  
مواد غذایی دنیا ریت مسلسل  
مشکلاتی است که به موجب  
آن اغلب امراض مختلف  
و مقام بروز می‌کند. بسیاری  
از خانواده های از مردم  
اطفال شان رخ می‌برند و بر -  
خی از اطفال نیز در بانیس  
این آمارا من شوند. خا واد هایی که عوامل  
این امراض را در ماحول خود  
جستجو نمایند تعداد شان  
اند است. مجله سیاون  
خواست توجه خانواده های را  
به این مقاله معطوف بدارد -  
که انان در رابطه با استفاده اما



داغهای نبودند که از دل بروند  
مرگ پدر - آخرین تکه گاه زنده گش  
فرزند - گیش طدین واپسین بود که او  
تصادم فریاد با صخره های برگشته بود  
و در گوش او خواند:  
امیر جان! از همینجا باید آغازند  
از همین شنبهای ۰۰۰ از همین پایان ...  
\*\*\*

امیر جان مهدیدکه بود بار دهندگه داد  
رازنای سالمان راهی همان جاری بود گیش  
با خود آب لحظه ها رایه هامون نمای  
شناخته و دور داشت میورد.  
اين بار پویه اميدها و گرد و نه آزو  
هاش او بود که باستی همانند سفر آبيه  
در راهها، آهنه غتابنده تری میگشتند.  
نیز روتایی زاده پاکل هنوز به آهنه  
مهر بانانه و دلا و یز به هم آمیزی بزرگ داد  
معتاد بود.

امیر جان بته جای آهنه آرام آرام سر  
به دامان وزانی فم های حقیق و ایام  
های وحشتگاهی پکاره من ایستاد  
کام برمودا رویه - فرمود - شاید  
به سوی هامون ها و نیزش کاه آبها - شاید  
او برمود تا آغاز و پایان آب راند راه پادها  
شمرها و ترانه هایش به ترنم و نیزه  
هایش.  
او برموده با خودش همایشید افر ۰۰۰  
و میتوان گفت که وی در این سفر  
تنها نبود، او همچو خودش بوده او  
خود را یافته بود.

شانزده سال داشت که فنایه ای را  
بچیده در سینه دفن کرد. پیش همی  
کن آمده باش خدایها و ایوان نگفته کله  
و شکوه بی سر نداده چیز و فیضه واه  
نهند اخشت " مانند بیچاره های بخش  
برگشته و زبون که از رنج و درد خود -  
بعق نایاب میگذرد " فیضه واه و -  
زاری اف بلند تند.

مفتاقانه راز درون بوده ها را چشم تو  
میکردند تلاش مینمودند ریاست یکمکه  
انگشتان هنر آفین او با اهتزاز تارها  
در من آمیخت و توابع دل نکنند را در فدا  
پیش بینید.

او که در همان وقت های میگذشت پیش ای  
غم و پنهانخانه " دل استه نوک زبان " .  
حاطره هایی مانند زدن آفین را برو خسورد  
و رفت به سراغ دنار هزار و حافظ  
هموار.

او بیزه های رونم ریز تارهای ایوب  
تحت و در شام غیان به خط کردن فر  
لایات حافظ میگردید. ایوب آستن  
لطفاً صفحه برگز دانید

و بدنگونه است که کس به تهایی در  
بلندای خاطره ها میاند و کس های  
شتابزده تر و شتابنده تر بیافت. بادهای  
پاد سرگرد آن که تا دیریز در هنگامه  
اheadsال با کوسوان سیز درختان و چهربه  
نرا میشی در زرگنا های قیزای نیستی  
های سهید ورقها بازی میکرد و باری -  
خفشن پیشتر شد و به جای برگها رویه  
سوی آشیانه ها و نیزین گرفت و به زودی  
ظاهر میزند و به اصطلاح معروف زنده  
زنده میمیرد.

س و شنی های پیشتر از موسم کلوپی  
در فضای پاسفای دهکده دورو سه کار  
این آهیان علیه نازمند " او " بود.  
اگر میدم دهکده برای " او " به چیز  
نداشتند و وی نیز طاهر باسط هستی  
آمیزی بزرگ درختان و باد سرگردان را  
شند و شاید هم بسیار زند بمنهند  
همجو ترنم ها عادت کرد.

کند. نیزه دیگر تنها مانده بود.  
رود بار دهکده هیجان جاری بود به  
سیم مورفت و گیش با خود آب لحظه ها را  
به هامون ناشناخته و ناید این میورد -  
سفر آیین دریا اهنه ملام و لطیف داشت

هنریه سالندی هست انسانی است  
و اینداد انسانی هست را با ارتفاع آرزوها  
اندازه میگیرند. آرزوها که بشه در  
اصالتها و شاخه دورسال ها داشته  
باشند. همانگونه که هر " آیین " نیای  
موسیقی نست و هر " آیای " شعرشده  
نمیتواند هر هوس و آرزوی نظر قله ها  
و بلندای بالنده کی را نمایش نمیهد.  
برای اینکه بتوان در تیره کیها و خوب  
شناش و خنکای میهم بادها، ترانه  
روشن باران را سرداده باشد حنجره  
ابری داشت نه چمهه و شایل اشکار  
تشمل. همچنانکه برای در پایبدن پایدا مواجه  
بیقراری داشت نه بستر خندق.

وقت که تن زخم میهن سخت به مردم  
احتاج است و یادگار کدام هم سروده در  
ذهن ماندگار و سنگی تاریخ زمانه ها  
حک خواهد شد؟

ترانه های تظاهری لایای " ها فیم  
و دردهای بحمد " جوانی داده و فیلمها د  
ازدست عشقی احسان خی پکیجه  
ها سرد ردهها و دلتگی های تجملی  
فیضه و زارهای آی غم من هر ترسن،  
شعر من، شب من، خاطرمن و میسرایش  
و ستایش حواسه ها و حساسه آفرینان، راه  
علاجی های به میهن ماندن، بیدادم نان  
و گندم و باروت در گوش کودکان همان  
کوچه هایی گرد آلد دیار خوده ام -  
قصه طلای شهر خورشید و طلوع های  
مهر بانی های رنگتراز گلبرگ شعر شا -  
هران و سراج ایام عشق در پیوند و آمیزش.  
با حواسه و خاطره هایی عاشقانه " لسلاد  
لولا هایی که با همه ظنایی، شهامت  
نیروی پنهانی نهفته در بالهای اوج  
پیای یک پرهاز اند نه مشوه های  
رویانی و نازک نارنجی که همدا باعما -  
لشکری اینه شده و در بیوار بخته رو -  
بروی آینه نشسته شان زیک گریمان اشک  
میمیزند.

وقت همه جا هنار افسرده کن زینایی ر  
و برانگیها هکله هایی آدمیت و فرنگی  
را به خاکستر مینشانند، باکادمین ره -  
آوری در رکا اور مردم بنشیتم و گردد ملال از  
چهره های خون آلد " شان بزداییم؟  
با افعون جمهه های خواب آور، کمال  
بخشن و مات آفین افسانه های نیایانه  
شکست و شون و یا زمزه های آرامیش  
زنده کن ساز شور آفین و ترانه های انشاط  
او ریکه در رکها حلول کند و حرکت -  
چندنده کن بی‌غایبند و خیر از همت و عطا -  
فت بیارند.



## دومیان سازهای و گوشه های

**امیر جان صبوری حجره تمام دهکده بود  
وصایی همه رستاییان بالدل**

جلوگیری ازید آموزی ن وقی علاقه دان در ایام یافتند موسیقی یار

و شکست برآزده ترین خدمت صوری است  
مرگ سه برادره چهار خواهر مسادر  
و سرانجام پدره آنهم در سرآقا زوری  
برگردانهای سالان نشستن زنده کی

در باره عنق احساساتی نمود و از نکست و نامه بران آن بیداد نمود کرد.  
مروده های امیر جان از نژاد و از های بسیار معمول و ساده، با استعاره و ترکب های روش و شفافش را معرف متعمل به خود نمیاند. او شعرهایش را با تنه ها و هدایا به اصلاح خانه های نمیرد و فلم به عاریت نمیگرد.  
کلام صبوری بنیاز از نکلام و اعلان شدن، لقب گرفته و مقایسه شدن با کلاسیکهای پا معاصرین است. صبوری یعنی خودش، همانکونه که ایست نمیگذرد.  
مخاطب شعر صبوری فرد نیست، همچنان که اینسوی خط و چه انسوی خط.  
بعض از قصه هایی هر داشته باشند موسیقی سای صبوری:

- صبوری ذوق حساس و سختگیری در آهنگی از دارد و هرگز دنبال ذوق های سقوطی به راه نمی افتد، بلکه میترکانه کام بر مدارد و من آفریند.  
- امیر جان تلاش ورزیده است تا القایش شدن آهنگها را به اسان علمی شان در "گلشن" رواج دهد. (آنچه که طی سالان دراز از آن جلوگیری به عمل آمده است)  
در کمیزهای ساخته خود شعرهای این تلاش در عرصه نزدیک سازی موسیقی خطا مند شرق با موسیقی نیرو مند غرب کامل شهود است.

- از زنده ترین کار امیر جان، جلوگیری از بد آموزی علاوه این که خاطر رواج با قتن موسیقی پائی و شکست و نقش اغیونی آن در جایمه جنکه زده و ایجاد فراساینده جنکه است. زیرا او توئنسته است روح بیداری و خبرت آریای را آهنگها پیش بازدیگر در خاطره ها زنده سازد.

- امیر جان صبوری انتخاب شایسته در عرصه کنیش و انتباق میلودیها ای آرام و معتمد با تصنیف های تلطیف یافته و پارچه های ضریب "پیشک" در تلفیق ضرب و آواز صوت را جهت به دست دادن خصممه شناط و سرور) - دارد که هر روز باخنده و غوغای سریش علی سینما، الایاس و اجل رنگ زنده کی را بخود میگیرد. وی برای پسران آزو میکند تا آنها به زنج و درد پدر کرن فشار نیایند و زنده کی مسعودی داشته باشند.

سرانجام با کارکرد های امیر جان صبوری به باد این نکه امیر خسرو دهلوی که استاد هر دو فن بود من افتخار که میگفت: شعر عروس زیست و مو سیق آن را من آراید.  
بنده در صفحه ۸۶

نام نه و تخته کلام صبوری پیش دیار اوبه خاطر همه اعضا "گلشن" تهد، تصنیف داد، کمیزه تهیه کرد و برگش بیداری، همت لبخند، فتح و پیروزی آنچه که غالباً رایج است او خود را وقف دیگران کرد آرام خود را عقب نگذاشت. حتی اگر از عنق میگرد. اندوه کنانه باید گفت برش از شا - و دیگران را به جلو سوق داد. امیر جان با تنه های میگند که اواز این جهت در باره اش میگند که اواز این جهت یک استثناء و یکانه است و هنوز روزای نا- سروده هایشان میگیرند و جا لب تر اینکه میگویند در پنهان هست هنری خود دارد هزیرا به گفته یک تن از همکاران نیز با ادا و اطمار مظلومانه دست ها داشتند. دیگران را نیزه کرده دعوت نمیکند! اگاهی نیز اشو به خاطر آرزوهاش زنده است، دایمن اشو به خاطر آرزوهاش زنده است، و پیرای رقب جوش و ماجرا انگزی ابداء و قتل و حوصله ندارد. امیر جان صبوری یک فرد واحد امامتیا- های ترشده با اشک و دلها را خرابی دیده که خود شان هم نمیدانند. فرم های جوانی شان را به کجا فریاد کنند: (زیرا نشنهده اند که درد را باید تحمل کرد نه اینکه آنرا گیریست) امیر جان میگیرد، جگ شیر داد. او شاعریست، آکاه و رسالتند و موسیقی دانسته مسلط و بیشتر.

- اگر امیر جان در شعرهایش سفر عشق در پیش میگیرد، جگ شیر داد. او- نخستهن و چشمکه بر ترین خصممه در سروده های امیر جان تلاشها پیگرانه را با پرداخت حساس کرده میزند و هرگز رفاقت، عاطقه، محبت، غرور و هر بانی دیگران.

و جلوه های هنری برای خود بود همچه در یافتها متعهدانه تر و مسؤولانه تر رسید، گویی باز هم دوتار همراه از ارتفاع دیگر را هدف قرار میدهد و مخواهد به این شیوه جایگاه خود را به دست خود و نهت خود رفعت بخشد.

امیر جان وقت تنهای میشد آرزو های باید در باره یک جمع همیل و همراه و در احناسته و یکانه است و هنوز روزای نا- سروده هایشان میگیرند و جا لب تر اینکه دیگری در خمالاتش جوشش میگافت: "اگر نتوانم خودم آهنگ و تصنیف بیافرینم، باید در انتظار دیگران بنشینم و انتظار چس- تله است!"

این را باید خود شریکت و گهکاهی با دفترچه خاطرات و دو تاره همراهش نمیز شوره هایی میگرد. در حاشیه خاطراتش نوشته بود: "باید اندوه را به گوشه میس نهاده، تای آرزو های شاد رسید: دو تاره نیز همین را میتوانست. امیر جان صبوری در لا بلاتارها وصفحا های باز به پاد شتاب سفر آبی دزیابانکار دهندگ افتاد و در میان تخلیمات ظرفی شاعرانه اش در ریافت که عزیزان شناخته بی از دیاران روزگاری ها در رخانه اورا میگردند. بد زیرا از راه پر نوری آمده است.

میان جمع سدا زد: امیر جان! اگر تو کابل بفرستند، اما امیر جان نمیگیرد، آنها میخواستند دوست کوچک شان را به کابل بفرستند. اما امیر جان نمیگیرد، و میگفت: آخر آن جا هنرمندان بزرگی اشتراک دارند. یک تن از وطنداران از میان روزی و آهنگ "دخترهای را خواهان، هواخواهان، امیر جان را حلقة کردند.

آنها میخواستند دوست کوچک شان را به دهندگ افتاد و در میان تخلیمات ظرفی شاعرانه اش در ریافت که عزیزان شناخته بی از دیاران روزگاری ها در رخانه اورا میگردند. بد زیرا از راه پر نوری آمده است.

به جای اینکه سوی در درب منزلش، سروده دو تاره اش را برمیدارد و پیرای نخستهن بار تصنیف از خود شر را رنگ موسیقی می خشد و واژه هارا در میان پرده ها شعرت میدهد.

سرانجام از چوکات بازدیرچه، اتفاقی سروده عی، گوش کوچه کهی میرسد: "تو از شهر خوشیدیه اینجا رسیدی" فردا این اولین تصنیف و کمیزه امیر جان صبوری از طریق امواج رادیو تا دور دست ها به گوش همه گان میرسد. و فردآهای دیگر و سروده های دیگر ۱۳۵۰

سبوری در ۱۳۵۵ خود را از نخستهن نجات داد و پیرای خود شر طرح خانواده مختمری را ریخت و بادیدیگر به زندگی و کارهایش پرداخت.

صبوری خانواده خوشبخت و کوچکس دارد که هر روز باخنده و غوغای سریش علی سینما، الایاس و اجل رنگ زنده کی را بخود میگیرد. وی برای پسران آزو میگردند تا آنها به زنج و درد پدر کرن فشار نیایند و زنده کی مسعودی داشته باشند.

در ۱۳۶۰ وی با وجود برش از مصر و قیت های اجباری زمانه به کرد هم اوری و ایجاد آرکستری به نام "گلشن" که اینک مظہر و سیمول وحدت و دیرنده پائیز است میگویند. او که تادیروز مشغول آریش پرده ها

او رده ساختن آرزو های بلندش است. این جا و آن جا برای خوش خاطر- وطندا ران و روستا زاده کان پاکدل - دیگر میتوخت و میخواست: دل بیشه جان آمد وقت است که باید آیس در آن روز کار آغاز باریت امیر جان - همان تزم سورانکیز برگهادر و زنیاد ها را داشت.

اورا دوست داشتند، زیرا همچو- مخلفی بدون امیر جان نشاط آور نبود. او حجره تمام دهندگ بود و صدای همه رستاییان. به این جهت او در همان و غریز دلها گفت.

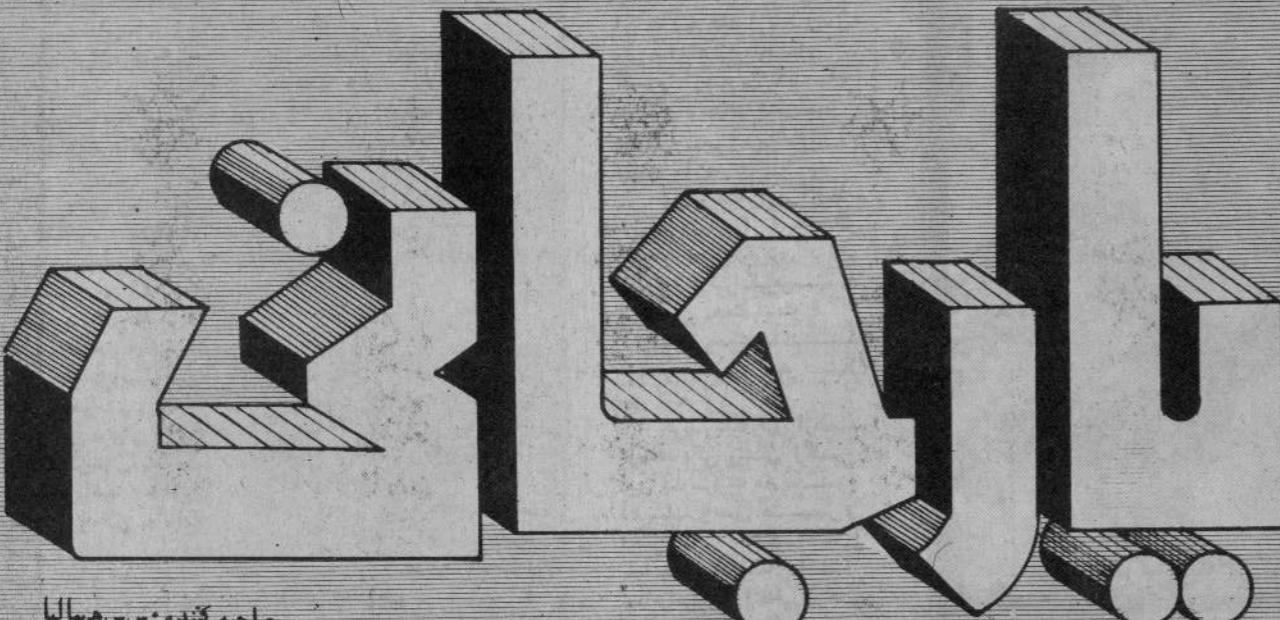
آوازه آوازه فستیوال آهنگهای ملی و محلی در کابل بود. هواخواهان، امیر جان را حلقة کردند. آنها میخواستند دوست کوچک شان را به کابل بفرستند. اما امیر جان نمیگیرد، و میگفت: آخر آن جا هنرمندان بزرگی استراتک دارند. یک تن از وطنداران از میان جمع سدا زد: امیر جان! اگر تو کابل بفرستند، اما امیر جان نمیگیرد. دو تاره اش را برمیدارد و پیرای نخستهن بار تصنیف از خود شر را رنگ موسیقی می خشد و واژه هارا در میان پرده ها شعرت میدهد.

سرانجام از چوکات بازدیرچه، اتفاقی سروده عی، گوش کوچه کهی میرسد: "تو از شهر خوشیدیه اینجا رسیدی" فردا این اولین تصنیف و کمیزه امیر جان صبوری از طریق امواج رادیو تا دور دست ها به گوش همه گان میرسد. و فردآهای دیگر و سروده های دیگر ۱۳۵۱ دختر -

هری رادر رادیو افغانستان ثبت کرد و بعد یک دو آهنگ دیگر را ۱۳۵۱ دختر -

دو رانی فراری سده اواز امیر جان صبوری دیگری میگفت و خود دش در صدد یافتن دو تاره همیز و همسفری بود تا به اهداف پرتر دست یابد. به زودی وها ب مدیدی را یافته و با پشتونه مضمون تری به راه خود داده داد.

آناینکه امیر جان صبوری را از نزدیک میشناست در باره اش میگویند که یکانه روز پروری او مستحکم بودن وی در راه بر-



صاحب کنده پس همای

## هترخویش پرسرخمهای مردم نمک پیا سند

فرید رستگار: سالهای  
۵۶-۵۵  
کرد پیکر به خاطر اینکه  
پرسیده اند از کجا و مگوئی  
آغاز نکردید! ؟  
لطفاً سخنه برگردانید

لطفاً پرسیده  
آوازهای سما بگوئی کنید  
نند: توسط خود نان و با  
آغاز نکردید!

ویدیکو است که  
چرا این مردم ها زنگ و پبار  
کهنه گی پیش بینه و در گرداب  
نمایش غرفه میتوونند.  
فاصله وحداتی هم ساعت  
فاصله و مسکنها بیرون  
خطوط جغرافیایی بزرگها را  
درهم ریخته است؟ چشم  
بینید!

درماهی که گذشت  
تعداد بیادی ارجوانه گان  
(سیاره) بالارسان امته  
ها پیرش ها خواسته بودند  
که با جیوه و فرید رستگار  
گفت رسودی صرت کبرد.  
تا آیدا بتواند در باره نفشه  
نظرهای هنری، زندگی  
و شخصیت این دو هنرمند  
نشانه شده معلومات  
بینشید است آیند.  
پاد ریسند اشت سیلان  
ارسانی! خبرنگار مجله  
سیاره بیان ند تا بدن  
خبرد هی قیل، عصر  
ردد جمده (۲۶ جوزا) پس  
پی نهست پی ساعه از جان  
صحبت های زیباروی با وجودیه  
و فرید رستگار یادداشت مذکول  
تعیین نماید.  
اینها فرامید قم:

## هترمند باید با

اگر از سنه بندی فوق  
بدن هی تبره و حاشیه  
بی بکریم، میتوان از این  
معونه ها و مطالعه که در پیش  
نهاده وحداتی هم ساعت  
فاصله و مسکنها بیرون  
خطوط جغرافیایی بزرگها را  
درهم ریخته است؟ چشم  
بینید!

سروان آرای صد ها  
موعده کی کرده میان  
در رأسی مردم هایست که  
میتواند؟ باز پی برد از  
است لیلا... لیلام جهبا...  
لیلا...

و آیا این هاهمان مانعهای  
به معروف نیستند که ارته؟  
دل فرید میکند:  
«اگر بد آدم یاده ای...  
پارچانی...»

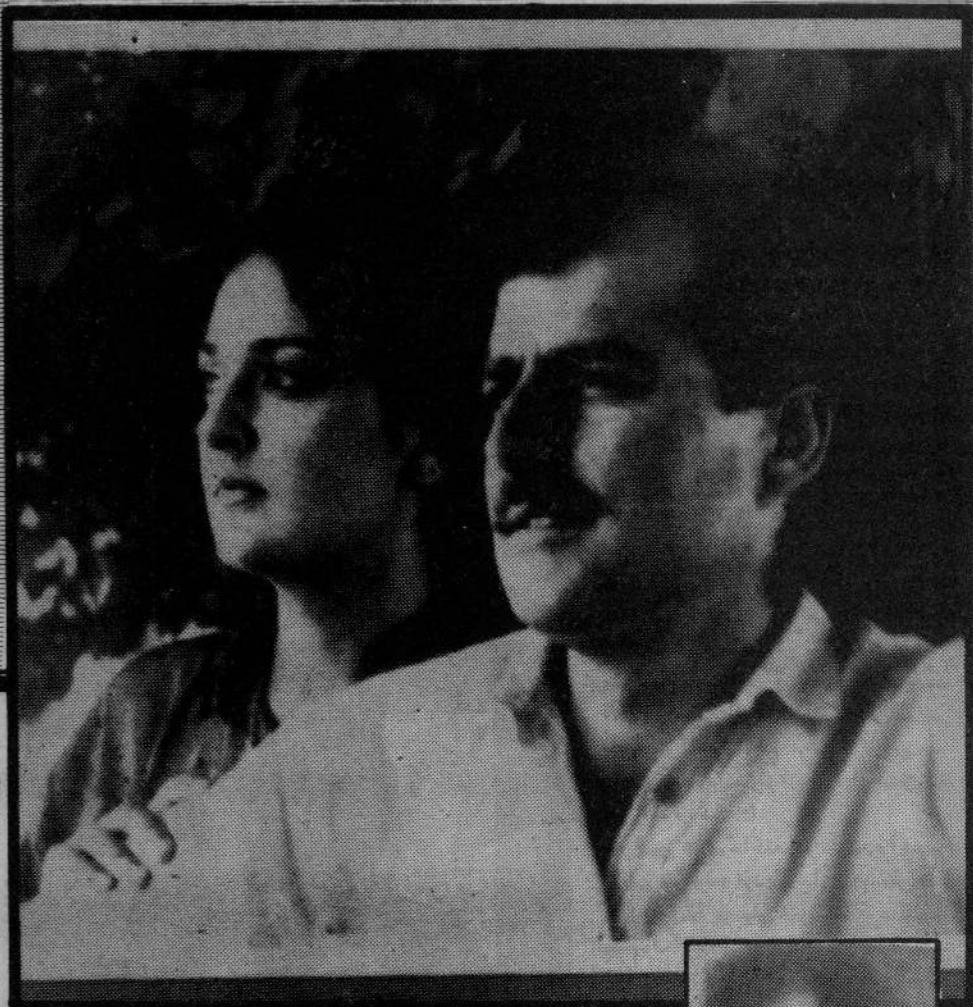
در کدام معلم خوش و سو ر  
هم میهان ماست که حتی  
بایت هارمه و عبله خوانده  
نشود:  
— تن میهن به مر هم  
احتیان است.

— شوارن شهر خورشید...  
— کاشک لیخد و تیسم باشه  
— تمیدان قمه ما یعنی روی  
روشن میهه

به گفته پیش از گام های  
مشهود پاره موسیقی را در جان  
سابقه دار را بیامعاشران  
(که مایل نیست ناسنگره)...

سود) تا در سر زمین خویس  
سه نوی موسیقی دارم:  
★ موسیقی ثابت و استوار  
که ریشه در ایمان مردم دارد  
وی خیاز از هنر تبلیغ و پیکان،  
سفارش فرمایی و هیاهوگری  
و جملکاری است.

★ موسیقی پادره ها  
و معمکن که ریشه در رله های  
قدرت دارد وی زیر دستور  
و تلقین، تحمل و تحیل  
وصاحب مقام میتوشد.  
★ موسیقی معلم و پیر شه  
(و درین حال مظلوم) که  
نه خراسانه میین دارد و نه  
شیوه شخص و طول عمر  
آن هم به کس معلم نیست.



در گلسرخ، مویاههای  
تدربی وجود ندارد.

قدیم: لطفهایم به من

فهمند لکه موسیقی  
زیلران رکجا قادر دارد  
و از مادر رکجا





وچهه : فرید ریحات  
متلف علاوه‌یادی هم تفاوتی را  
نشان می‌دهد، مثلاً زمانی  
موسیقی محلی را باشند و شفوق  
خاص می‌سیند و گاهی هم  
می‌لذت بخواهی آرام و لام آسمای  
را. گروه مور در نظرش قصو.  
هزاری بهله است که میشه،  
همینه از این مشهد.  
کاهن تمام قدرت ذوقی  
ولیقه های پیش رو آرد پرداختها  
پس تبارز می‌دهد. مثلاً او  
پارچه بی دارد به نام  
(جیگ و صلح) که در جدود  
شئ، هفت دقیقه ایست  
وچهه در صفحه (۱۷)

من هم باری، خسته گی  
و نکت تراوی اثرب نیست.  
تعدی بی رتواصه اینها  
پانگر شخصیت متوجه شد  
داد. اولین کار استشای  
اواین بود که پا به در رخشش  
و چشمکی بود، خود را به  
تمام منع غب کنید. هدایا  
ی هری خود را به دوستانش  
بخشیده و ملام پیشنهاد  
و محبوبیت را آورد. کارکه  
کتر کس به ایجاد دادن ان  
تصمیم میگیرد و تا آخر دادار  
میباشد.

و چهه : افزون برآججه  
که فرید ریحاتگفت، امیرجان  
صبوری پیشانسان بزرگوار است  
که در اواز فقره «خود خواهی  
و ساختار تکامل بعدی

میگیرد. از جانب دیگر پیش  
(گلس) نیز کمپیو پیش در  
د ختر آواز خوان محسوس بود.  
آهاریون آنها را برای خود  
و موقع مناسب یافته و خود  
شخته دیافت که من  
در انتخاب و تصمیم خیش  
اشتباه نکرده ام.  
آرام آرام همه چیز  
به سوی منشده نرفت. من  
بزرگواری ها در همود های  
امیرجان صبوری، که  
و منزه های دایی فرد  
ریحات، تعاونت های  
بیدری همکاران،  
عدد آنات سازمان دمو-  
کرایت جوانان (اتحاد په-  
جوانان افغانستان) راهبر  
نمیتوان به فراموشی بسیار.  
ه از امیرجان صبوری نام  
بردید. ارجمندیه یک سام  
پرداز خشن و فرزان در تاریک-  
سالی های هنر معاصر است.  
مردمه های بسیار شفاف-  
و سرایا خلوص او میتواند مهیا-  
ری باشد برای جایگاه و سر-  
تیه بلند نرمیان  
حلقات و مخالف هنری نکه  
شاعر خود هرگز بخواست  
است در آن هاظهار  
شود.

من کتابخان ایرا ازند پیک  
نه بدهه ام میخواه از طبق  
شما تاحد دیدی در فاره.  
ملووانی به خوانده گیان  
ارایه شود.

فرید ریحاتگفت، امیرجان  
صبوری در میان هنرمندان  
کوئی نه تنها در عرصه  
شاعری بلکه در رشته موسیقی  
نیز بی جهره استثنای است.

قلب بی ایاض و جیب و سعن  
استعداد و توانایی های  
داره اور پیکره اگری  
استعداد و توانایی های  
منهجه و میتواند

بیوسته میان هم پیاسیز  
اعنای گروه همد پیکر پیشتر  
و خوب تر دست کردیم. هر یک  
پیکر شخص نیست. ما همه  
فرید خود را در تما  
ابعاد جایی کارکرد های  
شترک مان باشام اخلاص  
ماد قایه و هدلانه همچو  
می‌دانم. در روابط ماقبل  
و داخل وجود دارد؛ تفاهم  
و گویی. پیکر (گلس) داشت  
دربیز و هدف اعصاب آن باز  
تاب پاشه است. همین  
و هر...

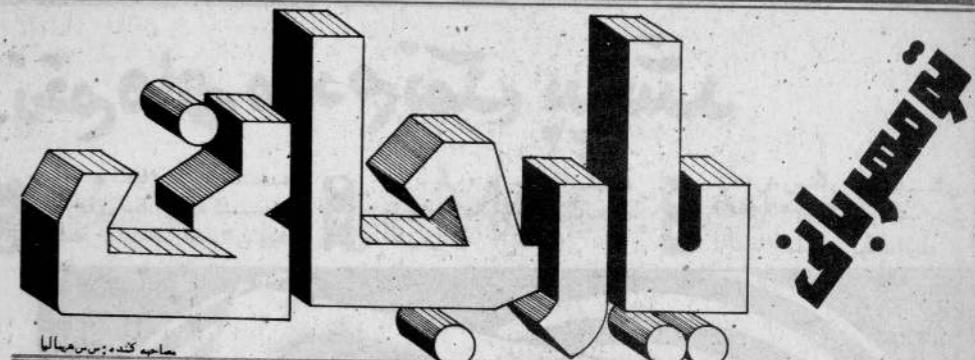
با این که در حالی داشت  
به هدیه ابراهیمی ازند  
در این جا موقوفیت نداشت  
پیکر شخص نیست. ما همه  
فرید خود را در تما  
ابعاد جایی کارکرد های  
شترک مان باشام اخلاص  
ماد قایه و هدلانه همچو  
می‌دانم. در روابط ماقبل  
و داخل وجود دارد؛ تفاهم  
و گویی. پیکر (گلس) داشت  
دربیز و هدف اعصاب آن باز  
تاب پاشه است. همین  
و هر...

با همین ارتباط  
اجازه دهد گیم اگر  
من اشتباه نکرد پیشتر  
نمایزه همین طبق پیاد و  
شخصیت ممتاز پیکر آشنا  
شده که اینک نام و نشان  
پرآزاده و پنهان دارند.  
جای خود خود بود اگر خود  
در میاره این آنای  
هاسخن هایی داشته  
باشید.

فرید ریحاتگفت، گمان  
بیشتر هدف نشان-من  
د و کرت در خشان امیرجان  
صبوری و چیزی خواهد بود  
الرجین باشد. بصر از  
پایه بیان کم خوبیست  
و افتخار شاخت بالاها  
بیز نهه ضریت ایجاد  
و ساختار تکامل بعدی  
(گلس) میگیرد. همان

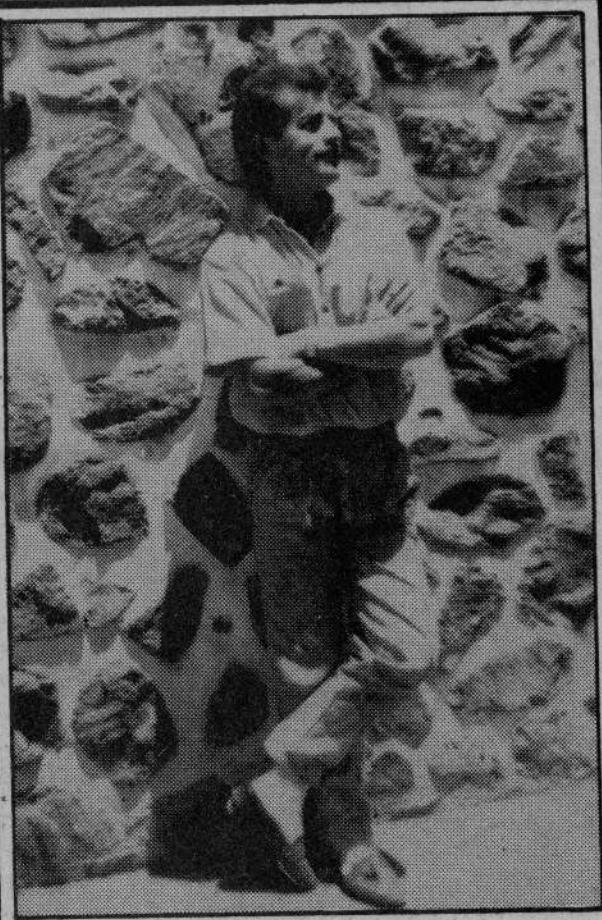
و بازیزیده دین من  
صفت کس آواز خوان است  
بانه؛ من گفت «محبته است  
اما مسلم هموزم در حالت  
انتظار بود. ناگران کسی  
از همان شاگردان باشد ای  
ناتوانی گفت: معلم صاحبها  
وججه ۰۰۰ دیگر جمله.  
آخر الامه امداد، معلم  
من علت اصلی ویرتی دام  
(گلس) در اگزیوم نیست.  
ایجاد این بعثت است.  
نوشتم. # اگر جمع بیان است،  
تو پیش بینتر بد هدیه مشلا  
چیزی؟  
فرید ریحاتگفت از همه  
گرد امده گی رشکل (گلس)  
روی پی سریت هدف مندی  
الایشانه و اصل هنری  
استوار بود. تهدیدات و  
پیغامی مادرهان آغاز  
پیمانه شفوقی، اتفاقی و تفنی  
بود.

ویا ششم رس میخواندم آنوقت  
هادر دلم دوقوش و عجیب  
احسای میکدم. امید اندیش  
برای آواز خوان و پیغامه میگش  
در خواناده «ما نیز همان میباشد»  
نمیباشد. اگر برای رستکار  
راهگشای نمیگرد. ناید  
تا اموزد ریحات چوب آندهای  
دست پیامزد. من با  
داشت نجیب در کار گاهلا  
دوشتم. همین میباخت آهنگه  
آهنگه پیغام زمزمه زیلیمی  
چیزی چیزی میخوانم و بی  
این ترتیب راهی دیگر نارها  
در راه هاشفتان گیرتوان این  
محضر را آغاز نماید. من  
آرناهاین حدود لان به پا د  
آلهه می‌دانم.  
و چیزه شاید شنیده  
پاسید که پک تعداد دخترها  
گاهه هنگام ظرفشویی کار



«گلس» زاده یک ضر-  
ورت هنری بود. در میان ما  
موریانه های فریباش که  
نمایزه همین طبق پیاد و  
شخصیت ممتاز پیکر آشنا  
شده که اینک نام و نشان  
پرآزاده و پنهان دارند.  
بیت های ناسالم تنگ نظرانه  
یک تازه های شورت طلبانه  
سوز برخورد ها، بهانه های  
ماجرایی های تخریکرانه  
خود فروش ها و غیره و غیره  
درین جا همچو کسی به خاطر  
در گلس نیستند ماغود  
مان چی بگویید؟  
و چیزه بیهوده از گلگرانی  
کسی پیش از زیگان بود.  
اما زین را اکثر بیهان  
کشید. مثلاً از زاره دار  
میگرد. یک روز فرار بود در  
لیسه استقلال پیورگام یک  
کسرت رویه است. گرفته شود.  
وجود آنست پاشند، که اعماقی  
گروه آنرا بعتراد پیگران می-  
خطر احتمال از جانب اینده  
نیز دیگر گروه نمودند.  
افراد در غایب هدیه گیم  
هان میگیرند. همان گروه های  
کردیم.

حایه هوقت های بیکاری، تغیر  
مکب و هم اصطلاح در زمان های  
غیره که تیکان صدآ، یعنی  
صد ایام میگذرد. من از جمله  
هیئت تیکانهای خود را در  
ساعت های خالی و غریب  
چیزی همیشی های همچو  
دربین مورد چی میگوید؟  
و چیزه بیهوده از گلگرانی  
کسی پیش از زیگان بود.  
اما زین را اکثر بیهان  
کشید. مثلاً از زاره دار  
میگرد. یک روز فرار بود در  
لیسه استقلال پیورگام یک  
کسرت رویه است. گرفته شود.  
وجود آنست پاشند، که اعماقی  
گروه آنرا بعتراد پیگران می-  
خطر احتمال از جانب اینده  
نیز دیگر گروه نمودند.  
افراد در غایب هدیه گیم  
هان میگیرند. همان گروه های  
کردیم.



# تومهربانی

پیغمه از صفحه (۱۵)

کاشک ) است و اخواند ن (توبهار آمدی) نه تنها خوش نی آید که حتیر آن بشیان هم است .  
چرا ؟  
موسیقی سیار احساساتی داشت .  
و جمعه جان اشنا ...  
(تن معن ) رازداد خوردام و راهنماییمان بامین بیان عن حرم ) نا راضی و شیان است .  
اما این بارجه دریان عده معین ارهاخواهان شما سیار محبت دارد .  
در ریاره دیگران چی بچویم اما به طرحدام آرام در آن آهنت خام و قاب اتفاق است .  
میکنید که درست راه درسم و بست خار آوار بچویم  
یعنی ارهاخواست خد ای  
بلخواه من (کاشک ) ...

# سکوت و سکوت

پرتابه زرف و هولناک بود که صدای فرو افتادن قطره نهد تا خرجن حرفر راه در سکوت دختر، فریاد کند .  
میکرد دختر، درگوش بس وقت، بش دختره افتد و خشت کرد صورت دره رفته مرد را که دید عاطفه تلخ درنون چشم انداز میکرد .  
مرد غلت زد و پیشانز را باز کرد .  
بود، سکوت، همچنان بیال نهاده راجع کرد و باصدای گرفته بی که به بیرانی اسانه شباخت داشت .  
من .  
سوم .  
بعد زانوانش سمت شد .  
برق شگرفه در ته چشم انداز شکست و مثل فرو .  
افتادن صخره بی دنیا هر نفس تکراری شد .  
دختره سقوط کرد .  
اینبار هاز و خشت خشکش سرد شد و رنگ سورشن را به خود لرزید .  
دختره گمی و جاخورده به او هنگامکرد .  
هم دور شد .  
دختره حرف میزد .  
مرد سکت بود .  
پایان

پرتابه زرف و هولناک بود که

های خون در آن هانگام

نشسته بود واز لای موها پیش

که روی صورتش رخته بود .

به او نگاه میکرد .

مرد غلت زد و پیشانز را

باز کرد .  
بود، سکوت، همچنان بیال

سماهن، پنجه هارا، میس

پیمود و "تنها" در قلب

مرد، آیاس میکرد .

هر چند، مرد پاکا بوس

خوکرفته بود .  
هر چند زندگی

او، کابوس بزرگ بود که در

هر نفس تکراری شد .  
اما ه

دختره سقوط کرد .  
بدنی

سرد شد و رنگ سورشن را

به خود لرزید .

تنشی داغ بود و درد نا

شناخته بی، برسنه اش .

پنجه من کشید، مرد شسب

را، تا پایان، حرف زد .

حش، وقتی که آنتاب تانیمه

های اسان رشدید بود، مرد

همچنان، حرف میزد، بیکار

به خالی از دختره از

دیر گاهیست .  
سکوت کرد .

است ! شام نصره های

عالی، در سنه اش کره خورد .

قلیش، داشت من ترکید .

واو، نقطه، توانست از درد

به خود بچجد !!

واز ترکیب سه حالت گویی گویی موسیقی ارکسترایی ریتم های تند راک اند بلند و نوای اعیانی تعیی نشده است .  
من نکریمکم اگر این یارچه تصویری ساخته شود از زبان بیهوده درک خواهد شد .  
واماد رمجم و موسیقی غرب را زن شرفی بخشدیده و مرضه های ای ابطاقی آنرا با برخیزی می ازایده های پیش است که موسیقی غرب را زن شرفی بخشدیده و مرضه های ای ابطاقی آنرا با برخیزی از آزاد هندیمی، پلکهایزرا به هندیزگمی بست .  
هذیان تلخی، ذهنی را پر کرد .  
میکرد و هر لحظه، حس میکرد که دیواره بدنی را دخود، مجده میکند .  
هذا میگردید که باز همان آغاز عالی بود .  
هزاران فرن، به صد ها سال و میکرد که دیواره بدنی را دخود، مجده میکند .  
هذا میگردید که باز همان خودش را میگردید که باز همانی از آیا، اویخته است و قطوه های داغ خون، از موها پیش بزیمن میگردید .  
آن پایین، دنیای مرد، لیریز بود .

از سکوت سنگین که سیاهی و حشتناکی، در آن زبانه من کشید .  
تاریکی، تندی، بی زبانی و سکوت، ادرا، فتح کرده بود .  
بود از گفتن، پر بود از دریج نکتن و مالامال از بغض گریستن .  
شاید این دهنام را هافریش روی پیشانیز کویده بود .  
و ناید هم .  
میداند ؟

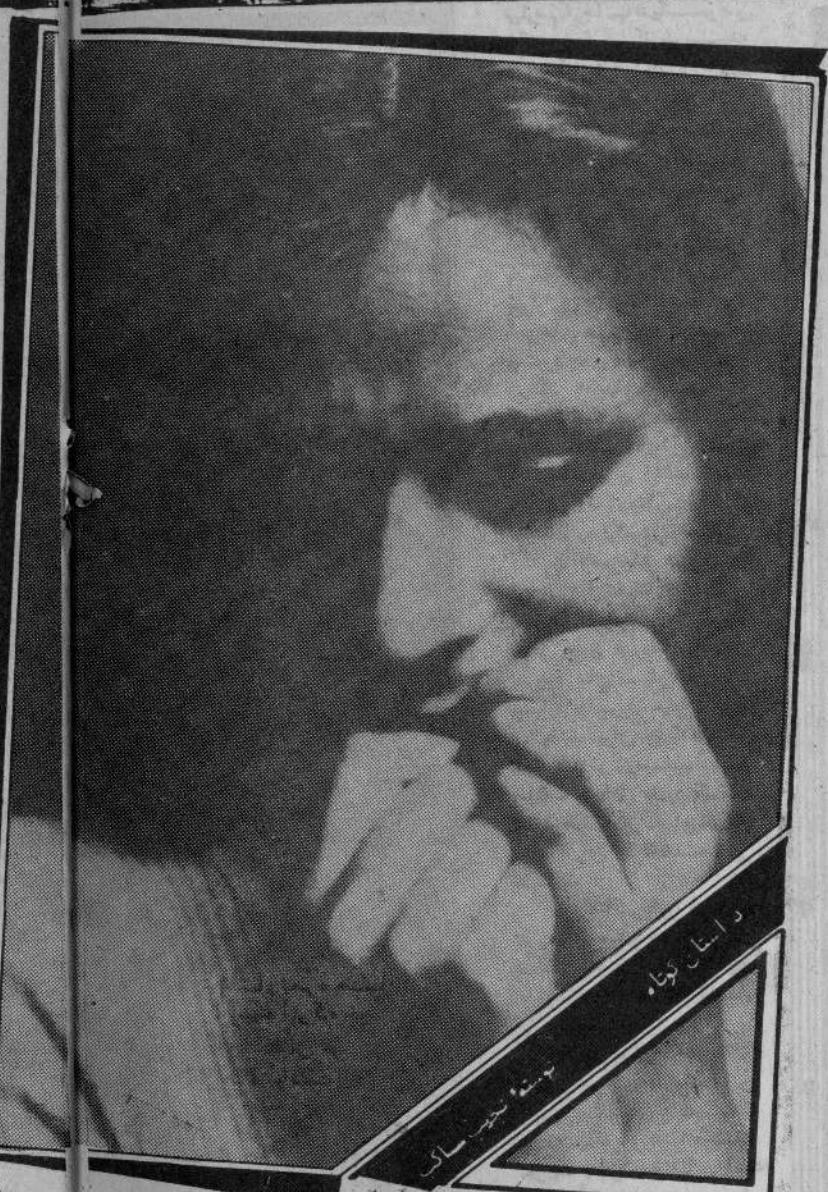
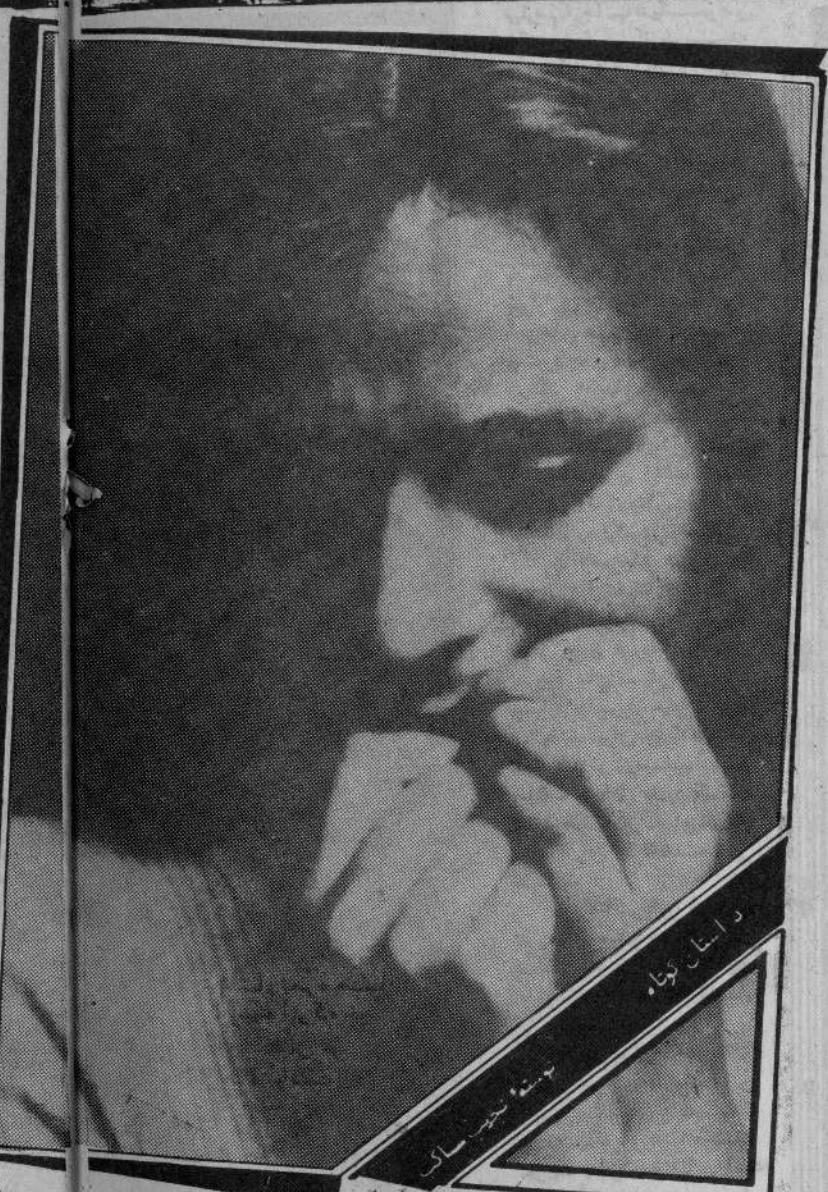
شب که میشد، حس غریب قلب مرد را در نجف میکرد ، بجز تاریکی، مثل یاس، حجوه های بد نیز رام انباشت و بیکار، خودش رام دید که به اندازه دستش تنهاست .  
خواهش نمود کوستن، زمزمه پوستش را دید و او و بادر - مانده گی، سکوت میکرد .  
چه سکوت سنگینی (به سکوت دختر میماند .  
درون شریانهای دختره جاری می شود و او با تسلیم گشته، ویران اسان را در او، من غمده .  
اینطور بود .  
حرف نم زد .  
میگردید .

مرد، حرف میزد .  
ماههای دختره قسمت میکرد .  
ناز سرانگشان دختره از همان موهای پیش میگشت و او خودش را به سکالی پر، در عطر کیسان افتاده دختره رها میگردید .  
یکروز، مرد، فهمید که دختر سکت است، یکش بیکش دیگر، هوا، بخشن کرده بود .  
سکوت سنگین، بیمال سیاهی پنجه های را پیموده بود و "تنها" دارفلب مرد، آمان میکرد .  
رکهای او میگشت و رخوت از ازاد هندیمی، پلکهایزرا به هندیزگمی بست .  
هذیان تلخی، ذهنی را پر کرد .  
میگردید که دیواره بدنی را دخود، مجده میکند .  
هذا میگردید که باز همان آغاز عالی بود .  
هزاران فرن، به صد ها سال و میگردید که دیواره بدنی را دخود، مجده میکند .  
هذا میگردید که باز همان خودش را میگردید که باز همانی از آیا، اویخته است و قطوه های داغ خون، از موها پیش بزیمن میگردید .  
آن پایین، دنیای مرد، لیریز بود .

میگردید .  
نکتن، نیمات است، زبانش طوری میگردید .  
هذا میگردید که باز همان آغاز عالی بود .  
هزاران فرن، به صد ها سال و میگردید که دیواره بدنی را دخود، مجده میکند .  
هذا میگردید که باز همان خودش را میگردید که باز همانی از آیا، اویخته است و قطوه های داغ خون، از موها پیش بزیمن میگردید .  
آن پایین، دنیای مرد، لیریز بود .

میگردید .  
میگردید .  
نکتن، نیمات است، زبانش طوری میگردید .  
هذا میگردید که باز همان آغاز عالی بود .  
هزاران فرن، به صد ها سال و میگردید که دیواره بدنی را دخود، مجده میکند .  
هذا میگردید که باز همان خودش را میگردید که باز همانی از آیا، اویخته است و قطوه های داغ خون، از موها پیش بزیمن میگردید .  
آن پایین، دنیای مرد، لیریز بود .

میگردید .  
نکتن، نیمات است، زبانش طوری میگردید .  
هذا میگردید که باز همان آغاز عالی بود .  
هزاران فرن، به صد ها سال و میگردید که دیواره بدنی را دخود، مجده میکند .  
هذا میگردید که باز همان خودش را میگردید که باز همانی از آیا، اویخته است و قطوه های داغ خون، از موها پیش بزیمن میگردید .  
آن پایین، دنیای مرد، لیریز بود .



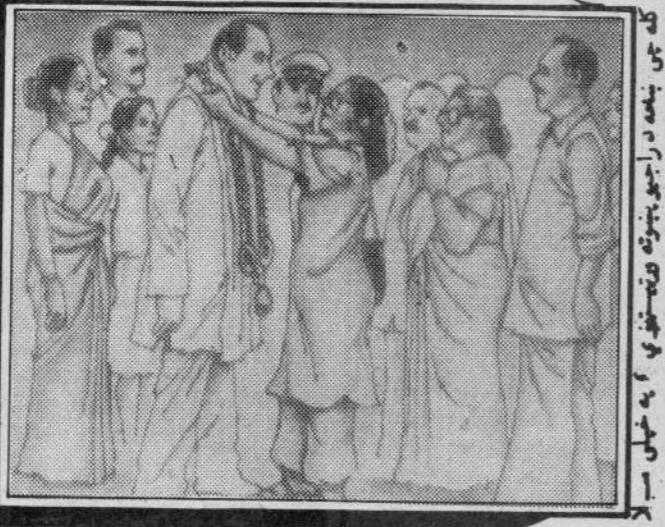
# هئي پنجي پي راجيو گاندي په اثر ووژل شوه

بوسته . راجيو سوپيا  
به هنه یوچل دايس روپ ده:  
((مايه هنن کي باطن بکلا  
وموندله ۱۰))

د کاندي کوره نزد پ  
ملکري واعي جي " مرسن  
آندراکاندي لوري د سونجا  
بي دېيلوت د نده په فاره  
واخسته .  
به ۱۹۶۶ کال کي موسمن

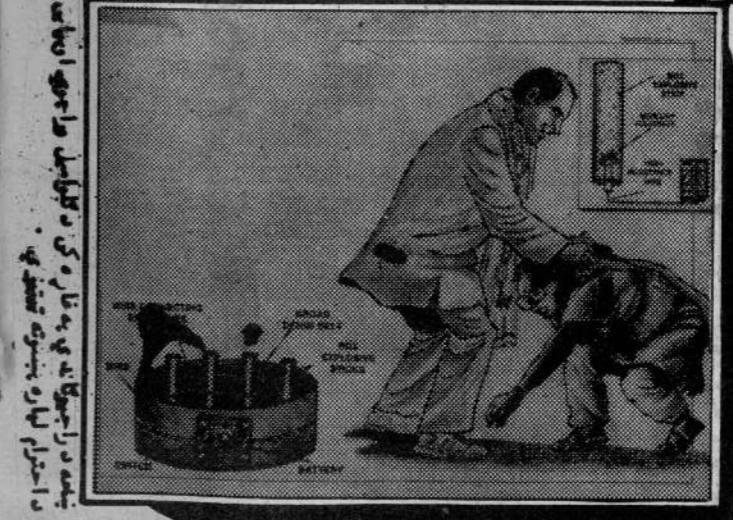
اوپرسن حلقو کي له ده شخه  
ظاهريل اړلکويه دې تسر  
انتقاد لازدي هم تبره .  
دوسته له دې جي پسو -  
نېن بي باي تعریساو " به  
انګلستان کي د کبص  
پوهنتون " ترینیس کالج  
تولوار ترڅو پېښه کانګرېز  
ولول، د رخصیته وړوکنی  
به د کالج په نانواي -

کي کارکارا پاهي په ایسر  
کرم خوشون . په همه د  
دول به ۱۹۷۰ کلونکي  
راجيو غوري مونېت " جانه"  
کلون " پېټلتو اوړات مونېک  
نه لاسونه په وهل په  
هدمي وخت کي له ایتا -  
لوی سونیا سره پېښه کلوب پ  
ترلاسه کره . سونیا په  
نه وخت کي انځري ز -



شوارله هنن انتخاباتي حونۍ  
تحخه چې لندې مهان کاند پد  
کړي ده . ده خپل سان پا  
رمانه ته کاند پد کړ . همه  
روخت ده به یو همراهه کس  
اخبار والادو ته پیا ذهجن :  
(هزاره هنن کي مرسته  
راسه د کړي ۱۰)  
به ۱۹۸۴ کال راجيو  
خپلکوند یانوته پول د نه د  
تري پېټخونه انتخاباتونک پېږي  
ترلاسه کړي . د هډدي کال  
دا ټکرې به پید یو شه نهه هونس  
د افغانی ستاروله خواوېت له  
شوه اړرجيو چې ده غږي پنځار  
کي دېلمن کې . سې " تحفه  
د خپل موره دېنې خبر ترلاسه  
کړو . به دې دوبل د مړلے  
پاڼه به (۸۳) مې کې

اندرکاندي د لال بهادر شنا  
ستري پرسايد . د چاروواکسي  
په لار کي د جولي . پياتر  
۱۹۷۱ کال بڼي کانکرس  
پاڼي انسټاب دکړه کي په  
انیاستان جکړه کي په  
پالنټپ " موسمن د راکاند پ  
د پې شهره کړه . په دغه  
وختونکي راجيو ګونیه ګورنیده  
اوږیمن اندرکاندي له خپل  
کوچش زړي سره چې سنجی  
نوډمه پوښي پهیا سی کا ر  
ونوخته وه . خوراجيو له  
دې جي له سیاست تسر  
مهه ولري د منځي له مسکه  
پورسته له خپل موره پوښي  
پاڼه به (۸۳) مې کې



دواړروسته هند پارلمان  
مشهور فري شو ؟ خوراجيو  
له خپل نهه جواهړلار سره  
به تین مرته کي اوسيده اود -  
ده تریظر لادی لوړ شو  
دراجيو پلار فېروکاندي په  
خواشني کړل .  
هړوک؟ راجیکاند په  
د فېروکاندې اوس پارلشن  
اندراني اسټر جواهړلار  
نھرو لسني ، دې بد چاره دې -  
نې په اتروشېر خلوبېښو  
کلوب عمره جهانه ستريگس  
پې کړي .  
راجيو ګاندي د ۱۹۶۶ -  
کال د اگست په شلمه نېټه  
په پېښي کې ، درې کاله د  
هند وستان ترارادي د مخه  
اوږډکاله د دسته له دې جي  
مې کي له فېروکاندي سره  
واده دکړ ، زېږیده دغه  
نټرات په ده کي د موږه  
زيات ده چې حتی به رسنی





# مادر مادر!

تیک و پی الاپن و مزه از هر  
شیخ و کدروت استعنت  
تو عشق است که هرگز هیچ  
نه عذری در او نیست مشق  
تو عشق ملکوتی و نهایت  
سمیت و دوستی خدا به  
بنده کاش است اشب بیاد  
تو شک من غم اش می سی  
خواهم با تیراز زیارت از مر  
در آذل خوبی زیارتی تو باز کنم  
نه دام قاد رهست که  
بدین وسیله از تو شکر کنم  
ویا من خدمات چند پیش  
ساله ات از تو شکری نیام  
نه ۰۰۰ هرگز ۰۰۰۰۰  
نیلو فرفضل معلم مکتب  
قاری عبد الله

نویسه درو صرف سرود ها  
و شعرها کفته اند . ولی  
خود شان هیجیت توانسته  
ادزره ای ازا و اصافی با  
یان ترا مفت کند .  
اعایکن یعنی توانسته  
اد اوصاف ای شمارت را بر  
شمارند و از خضا پیش نیک  
تیک را بیان دراز نماید  
ایام جوانی خود را برای وجود  
من تیاه کردی ترا از تصام  
تیان وجود گراجای را که  
حد اوند برای بودن من مامور  
کرده توان کی هست که  
بی محرا مسلم بختت ران را  
یابی توانسته است توان  
کس هست که هزاران شاعر  
من بالاترین عشق هاست

کربل بیان قوان خوتو خله شری  
تولی ایه خاصه توکسلمانان  
صراطالصلقتمه را بلی دی  
ترمود لوبی خدای دا اوسرو  
داجرا به خاطر په سمه  
لا ره روان شی .  
به نمی کی لوبی خبری  
نشرت سیاپل کنی کرم  
خطاب من کیم توان فرشته  
ای هست که مراد ردمان بر  
مهد و محبت خود ببرتر دادی  
من ترا هرگز را میں کیم  
بیکی هم توان مرآشنست  
کس نونه سالیان دراز نماید  
بزرگ شدن کرد کت ری  
کنیده و بخت برد ای  
تیان وجود گراجای را که  
حد اوند برای بودن من مامور  
کرده توان کی هست که  
بی محرا مسلم بختت ران را  
یابی توانسته است توان  
کس هست که هزاران شاعر

یدیه دی بروه شی چی کوس  
دندی یه غاره لوبی . کلے  
چی داهیاران کاره زیاره ای  
زخت ته ایه لوبی خدای دا  
خیل ارسیخواره کی هیچ گهه  
نش رار سولای . زیور دهیوه  
بر لیکه دی بیوی دیش تویی  
حی دی . نواوس دندی .  
وارسیدل دی چی دخلنک  
غمونه به خبلاند و کنیده ، نه  
له شرابه ، هیرو نیو، چرسو  
اوتن را کوشخه من ته رالس  
ددخو مخدره مواد و به مقابله  
کی نون دیه ساره بدل شوی  
چی یه خاصه تیکه توان نسل  
در مرگه له دنگه چنگال خخه  
انجیکی .  
ههه کوره نی کی کوس  
غیری بی یه شرابو خبلو یا به  
کم بل مخدره مواد و بله ی  
اخته دی ، خامساپه بیهی  
چی دهه زند لوبی خضرسره  
مخامن دی از لبی خوان کرده  
ای خسته دیده داده چو ،  
لی اقتصاد بریاد وی بیلولی خدای

لوبی ایه بدبختی په  
لداده جی د خدای له امسه  
خخه لوبه سو فونه شیر ل  
کنی . بوله هم دا  
تصویر کنی چی گواکی د شرابر  
خبل دی خبره نی دیت سه  
به دامی حال کی چی دایره  
سته اشتهاده ، تکه  
شراب غنیل نه بیاری د سری  
باندی اخته کید س نساد  
زیان لوبی ایتوله د نساد  
په مون پند کنی ایز مون  
د میخانو د رازی د تسری  
گراء کنی ، د تباہی کنی  
چی اچوی اوله مادی ا و  
ستهی صریونو خخه پله هیب  
گهه نلری .  
د اسلام سیخیلی دین  
چی خیل بخدا نه بس و  
اعمالو خخه ظهوری ، برد دی  
خبره باندی تانید کنی جس  
د شرابو خبل د بیوه سلما ن  
لیاره بنه کارنده اوله هفه  
تعده باید چنان لوبی خسرو  
نه ستری له دی رنی کنی  
ملکه السان دهادت لهاره -

# لهدواعمالو خخه خان لوبی وسائلی

لوبی چی د اسلام له نظره -  
تلی مرحلی یه حرام شمیل  
کنی . بیوی وای چی بیو  
نه نینه د هوبیاری نینه ده  
یه رستیا مره هم چی دا خبره  
حقیقت لوبی . انسان د عقله  
اوهوبیاری به لوبو سره  
له نوبه موجود اترخخه تیپی  
لوبی اوله همی سببی -

انزف الملوقات بولی .  
که چیوی د سری  
سرد سفشد غان هم ایسی دی  
د شرابویه خبلو سره به حکمه

بوه دی ستیپیمبر  
رانیوت اود دنه بات معاپی  
اداب یه مراعات نکرل  
د جومات نظم و حار شو  
اواسانی آیت جبریل امین  
به لاندی شرسی سره  
راهنم : یا بحالان امسو  
لاغر والصلوته وات  
سکر فی

یعنی ای مر من اسو  
که چیست یاست ، المانه  
نه مه و زنده کنی .  
خوبیا هم شراب من  
نه شول او بوازی حرام گلوب

نه بی دعایت به وخت  
اشاره شوی وه .  
عیوب چی له شرابو  
خبلو سره د یعمادت  
در لوبو ، دی بعنی چی  
محمد (ص) دین زمزوز  
بتان رامات کول اواوس -  
غواری چی شراب خبل  
په مون پند کنی ایز مون  
د میخانو د رازی د تسری  
گراء کنی ، د تباہی کنی  
چی اچوی اوله مادی ا و  
سته د محمد فی د دین  
د بیوان ایهان د اسی تیپگ  
کر چی بی بای کی د شرابو  
د حرامید لو زینه برابره شو

او دایت ایهان لوبی شو .  
یا بحالان امسو  
انما الخمر والمسروالانهاب  
والازلام ریش من عسل  
نیطان ، فاجتنیه لعلک  
غلمنی .  
زیاره : ای میانو  
لوبی نی چی شراب ، قفار

صحابه را ساخته اید منکر که با خانم پویسیا بهت

سکانسر

\* \* \*

خداآوند به لشکر گشتن  
پیمانندی محمد از را در  
ظایل آواز زایه خداو  
اهدا نمود.

\* \* \*

وقت لشکر گفت:  
نسم دار که دیگر از خوانی  
را ترک کم صوب در طی سے  
روزه صدر از راه می‌باشی  
لئے بکترین شسلیم داده  
ند.

\* \* \*

لشکر گفته بگانه هم می‌  
درستع جعلی است که یک  
نانار سلوار گلکین حوالیز  
هری، مصالحها و اسادیسی  
منته از طبع عادی می‌  
برسته هری هندی و فیبر  
هندی دارد.

لنا:

لشکر گر مصاحبه نداشتند  
لما روز رفعت دیگر نخواهم خواهد می‌لزما  
طایب از در لشکر را فراز تاده شد

# امانی خط لایت ناھی

ترجمه: سس سس سیگما

لنا : با وجود آنکه برای  
یلتسراپیده استعداده اتس  
از ضرورت های مطلقه است .  
اما بیوسته باید در حال آموزش  
باشد . بهترین مثال به چند  
نکته اشاره میکنم :

- سلطنت و تحریر بر ایلان
- مادری و سایر ایلان های که
- فرار استیغان ها آهنجخوانه  
شود .
- تلفظ درست زن کلمه
- است ، لذا باید ادای الفاظ
- صحیح باشد .
- فهم دریافت ظرافت .
- های تصنیف .
- درست بود اشت معیاری
- از جالت اهنگ .
- داشتن موقعیت و حالت
- یوآنی و عاطفی شخص که -
- اهنگ را در رابر کرده اجرا  
خواهد کرد .
- افزون بیرون از مجموعه شد
- قدرت هنریک او از خوان در -
- ایست که جتوه باید اهنگ را به
- همان شیوه که آهنگساز تو خواهی دارد . دوباره به اصطلاح -
- پس بد هد .

مفهوم سخن من این نیست  
که از اخوان باید صدر رصد  
گوش بفریاد و ستور کهونه تور  
باشد . ما باید به شکل  
آن بنشانیم که یک میلودی را با تمام  
ابعاد آن در باید می تاختست  
سلط در اورد و نرم و آرنده  
که از اوتانتظار بوده مشهود به  
تدبی و همارت به ساده اجرا  
در اورد لفظه . صفحه برگردانید

لنا ۰۰۰۱ این نام بسیار  
کوتاه است ، طبیعی نگردد .  
اما اگر معنی شود ، لتا یک  
خط لایت ناھی و بیش از این  
که کتابی خواهد بود .

- حوالا باید من سکوت را هست
- هسته بشتم
- پرسش و باخت مانگازمی -
- گردد :

**لز مصاحیه های  
لر و زی خوش  
نماید .**

بینیتا - برای از اخوان بود ن  
دیگر بین از همه و بین رعایت  
لازی است . استعداد نظری  
و معارفی ناگفته مانده است  
کصن درست جای ، رفته نایمیں  
حلمنی و داشته بی نتفت  
بایم .

خوان خوب بود ن اختصاره  
ای او چهلین سال هنری  
اسرا یشت سرمیکار .

برای دوین بار د لعره -  
این شایعه در سر زمین هند -  
ستان از زبانی به زبان دیگر  
میور . همه آهسته گی  
و نایابی از یک گیرمیرسند :

- «لنا آواز خوانی راترت میکند؟...»
- «اصلاح باخت این برتر
- هم نیست به خاطر اینکه
- برای بر سین طرح نشده
- است . متر مطبوعه اهد و سنا
- ن درین فاره و طبیعت امیونها
- شوند . دیگر از درست رسانی
- جهان تحمل میتواند که لتا
- تا نهوده از رایزنین بگذارد و
- خود به سوی سر زمین در -
- دست سکوت بینیتر
- متر مطبوع نفعه نامه عنوانی
- لثارا که توسط هند پهلوی خواهی -
- رجی ها نوشتند شده است .
- در ارشیف . کتابل تالار منزل
- شخص وی شاهزاده نبود و
- اول البته صد ها هزار قطمه
- کارت تبریک و یا کارت های
- تعارفی تجدید و مناسبت در
- این کلاس شامل نیست .

بازم جمع تعیین کفت  
و شنود نزد لتا منگنیکر فرم .  
مرای خوشی بین بزفت . غل

از اینکلی به سخن پشتایم  
آهسته و شمرده شرده  
کفت : از مصاحیه های از مردم  
هیچ خوش نماید . ایاهنوز  
لازی است . استعداد نظری  
هم چیزی ناگفته مانده است  
کصن درست جای ، رفته نایمیں  
حلمنی و داشته بی نتفت  
بایم .

ای او چهلین سال هنری  
اسرا یشت سرمیکار .

انجه ط جعل ویت سار  
در مطبوعات هند و جهان در -  
باره زند می ، هنر شخصیت  
وابعاد گونه گونه منسوب به  
لنا به لسان های زند و دنیا  
نوشته شده است به یک  
کتابخانه عظم میرسد که چند  
سال قبل توسط یک از همها  
خواهان هنر لتعاب امداد و دکور  
بعویشه بخود ش اهد اگرید بد .

\* \* \*

ذیوالرجن بتوارا سکر -  
و من ارادی لتا منگنیکر  
میگرد ناهم اکون بینیتر  
ازد و ملیون نفعه نامه عنوانی  
لثارا که توسط هند پهلوی خواهی -  
رجی ها نوشتند شده است .  
در ارشیف . کتابل تالار منزل

شخص وی شاهزاده نبود و

اول البته صد ها هزار قطمه

کارت تبریک و یا کارت های

تعارفی تجدید و مناسبت در

این کلاس شامل نیست .

\* \* \*

تاریخیها د علم پرینت -  
هندی توجه بسیاری از مردم  
را به سوی خود جلب کرد وی  
انتعام گوییت یافت . میں نی -  
بسار کیا و چنان دنی . اما چگونه ؟  
از هر کمیرسید . باخت ناپت  
پشتک است . صرف بخاطر  
او از لذتمنگنیکر .

زده بار بالا ای ما تکرار میکر-  
دند، انها لحظات طولانی  
را برای مشاهده و  
تحصیلات خود به کار  
داشتند. و دیگر اینکه هر  
اهنگ راه و روش خود را  
داشت و به کوته شال  
شنکر چیز کشن برای انتقام  
های زیاد برای تمیز و نمونه  
به دست ارادن عاجل  
اختصاص داده بود.

نوشاد ساحب مراغه‌الله  
در کنار خود می‌نشاند و نه  
تنهای در باره تون تشریفات  
میداد، بلکه در باره کلیت  
حالات و پدیده‌های خانی  
برایم زیاد حرف میزد اور  
اوایل به خاطر لوجه مراته‌ی  
من زیاد احسان نراحتش  
داشت. به همین جهت ول  
دارم می‌ساخت تا مطرع ها  
را تکرار کنم و خود ظرفانه  
و مهر بانه طرز تلفظ مرا  
تعجب میکرد.

درست پیازانک دراما-  
سات تلفظ و لجه‌ی دقت  
ارده و به درجه سلط و مها-  
رت رسیدم، او برایم میلود-

پیها را سپرده.

به نیاددا ره که او خس  
در جریان شیت اندک نزه به  
تحصیلات و رهنود داده‌ها -  
پیش از مهداد.

دران روز کار پرسه شیت  
بسیار میخانکی بود:  
- اول باید شعریک اندک  
به خط خود خواننده پاکویس  
شود.

- دوم باید دقیق و محیا و  
به تون گوش فرا داده شود.  
- سوم اندک جا به جا نیست  
و زنگاره کردد.

- چهارم شاید به خاطر  
سن و سال بلند من بوده -  
مزیت دایرکرهای جوانتر و  
خورد من تراز من چیزی نمی  
پرسیدند.

- امامه خالی  
که پرسیدن سوالات از جاب  
اهنگ زان نیز جذبار نامه  
کاری ما بود.

بغیه در شماره اینده

همان نصر کشیدن سوید اخ-  
(یا تو بدن هوابینه شاه)  
به خن دیگر نصر کشیدن  
نیاید استقیمه از رجت خط  
افن رویه روی مایت صوت گیفر  
که باتا بد زیاد تعدادی -  
زادی از اواز خوانان مرتكب  
آن اشتباه میشوند.

لتنا، والله من خود بالي  
یت تعداد از استادان مو -  
سیقی و کبوتش یاران امریزی بار  
مشکون است، زیراها  
بر علاوه این بسیار چیز  
های دیگران این نمی‌داند.

مردانی چون نوشاد صاحب  
انجل سوارس، کم چند برقا س  
مدن مومن و برمن دادا -  
(سچن دیوید آرزوی بیرون)

پیشتره به سیار میستحکم و قسوی  
هزی در رسانه موسيقی کلاسیك  
داشتند.

انها از پیش‌ها جوهرهای  
محصر بقدر و درین خود  
پیانه ایزد رکارکدهای خوش  
با زمزیده ند که برش از -

اهنگ‌زان امریزی باقدانها  
می‌دانند.

به نظر می‌رسد کایشان همه  
درین حالت و سواسی با هنر  
موسیقی خود به سر میزند.

بالای یک آندک باتام فوا  
ویشدت کاریمکن تا لا اقل  
شرط خود را آب داده باشد.

واین نکته را میخواهند بعنان  
کند که نزهه کار دستواره شان  
پیک تعلیم بپرده زنک و خام از  
دیگران است.

پیشتره: امایها بیوشه  
از زیرین و پیاض زیادم -

لنا: شایاور خواهید کرد اگر  
بگویم که مایلای پیک اندک  
پانزده روزه هم ترین کرده ام  
در دو رانه که من برای فلمها

آواز خوان را شروع نمودم -  
"هدف حوالی سالهایم

1942 آست" قسم زیاد  
وقت مرا همین شرین کردند  
و تکرار کردنها میگرفت.  
برای من دست پیافت  
و سلط طرب رموز یک تون د ر

آسرا ایتلونه بخوانم:  
(دل میراتورها) به این ترتیب  
اگر نهایتی غافل محسوس را  
خورد از استاد رجت خط  
مشکل عاشقی والزی بداند  
که در این مکروفن چی ویت  
و چکوته بعچن میخانیکیش نیز  
(آهنگ) - وهم رسیده بود -

پکش: ای ای ای لحظه قطع  
در جریان اواز و از خوان این را -  
این نیکات راه نیاموزان یاد  
بیوشه بیوشه همیشه  
سیکن اند -

لتنا: ناصید اید کهر -

- تکیک نصر کشیدن در اواز  
خوان از اینست وغیره یه بر -  
خورد از استاد رجت خط  
مشکل عاشقی والزی بداند  
که در این مکروفن چی ویت  
و چکوته بعچن میخانیکیش نیز  
(آهنگ) - وهم رسیده بود -

شیوه بیکم در وقت «تاب»  
یا «تمیز اواز» وجود دارد.  
اول «تاب» ذاتی - بطری  
که در تن اواز حلوی داشته  
و در عین آن هنئه است، در -

حیثیت ناید امیشان «تمیز اوان  
از راهکشی پارداد و از کسری  
میخواهند و مراحت -  
د م: نوع دیگر (تاب) -

اسکا بین استکه همینه بیا

ما در رفون این زیندان کوجن  
نه تنها باید بخوانم بلکه  
نام ترس و لطفات بروزها -  
یک شده چیست روشی بیند -  
لستا: از استه بندی آن -

شیوه بیکم در وقت «تاب»  
یا «تمیز اوان» وجود دارد.  
اول «تاب» ذاتی - بطری  
که در تن اواز حلوی داشته  
و در عین آن هنئه است، در -

برده میشود: (در رک محتوی  
یا پنجه) بارچه در -  
یافت رون اهندگ مقوف و حالت  
آهندگ سرا، مزاج و موضعیت  
لحوظات کوتاه سمعهارد قیمه  
شمعدان نعو سولانه بخست  
نقدم که بزرگ و بسیار پیشکش  
شونده کان عصی و سرتاسری  
خوش نمایم.

چیزهایی را که میتوانند رسیده  
زندگی خود میانند کدر -  
گذشته های دیر بمن آمزانه  
شده مود با وجود انکه  
اسات ز ترین و مرگی برا و لیه  
من در باره موسيقی کلامیک  
هنی از تبدیل پدرم بود، اما  
زمینه روی موسيقی فلمنی  
نعدم از مزاعات ادای اساف  
گزه تا خنفی ساختن پرسا -  
ختن آوار و براغات دیقیق  
جزیه دهای قانونی دهای  
آواری هم را باید من ام خدم  
ریها ن درینگ بمشت صورت -  
بند بود اینست که پیغمدی  
برای فرازگی موسيقی پایه پیک  
تداب پیمانه معمک و سانگی  
از موسيقی کلامیک داشت -

پیشتره: در این زیرها بنظر  
میگردید که فرخخوان تأم شر -  
پیروا چاچابات د رونی و یکی  
راد رست مزاعات میگند مانند  
صفای و روزای آواز، دقت  
و سلسله بینان، تینات و -

را پاست های ضروری و در خوبی  
اری از تک پر مظر نیو پشت  
موسیقی کلامیک، با جاییه  
اعتماد می‌سند مدد و دی از تهای  
 قادر بینه شوند جاگن جایگاه  
فلی گردند، نظر شماراد راین  
مورد میخواهند بد انس -  
لستا: خوب این بالاخره  
پن حقيقة است که چه غزلخو -  
انان وجه کلامیک سرایان برای  
خود سمت گیرهای میخایند  
و ت موسیقیایی را میگردند  
همایشتران آغاز نمی‌رود -  
ستیهای هنری آند و باستی  
برای اجرای اندک های ملام  
روی برد می‌داند باشند -

اگرین از اهتماهای اجرای  
شد مدیرت از آباء و نهاده،  
این های از دنیه و بسیار  
میخواهند تا چنعت بخشن  
واقع گردند و یا میتمه دیگر  
تئو و تکنونی های آن قابلت  
بند عرض معتمانی بپاده -  
اما میدانید برای اینها (خوانند  
کان) بیش پرده باشد اصطلاح کوتا

تراؤز خوانان فلی از زمینه های  
تفنی دوقی و یا با لفاظ صاف  
و ساده و فوئنعت های تجملی  
وجود ندارد.  
برای این دارند حدود سمع اچهار  
دقيقه و قفسه اسخاب شده در -  
نظر گردنیشوند در حقیقت  
مادر میان چارچویه تئیله  
د تیله های معمبور میانیم حالا  
ما در میان چارچویه تئیله

لنا نگاهنک  
درو  
خانه

آیا هنوز هم حیری  
ماله  
من آسرا جایی رفت  
و دشتریه تلقیه باه  
ماشنه



پیشتره: واین چن گز -  
مکن است بجن قسم از راهیه  
کاربینه یه و چکوته مراجعت کم؛  
(هاین آندک معروف دل میرا  
نیزه) لطفاً دقیق متوجه  
سامله آندک دشوار است -  
تازل شدن رضب بالای وازم -  
بعد دند دنیه لازم داشت -  
نیزه بعصر دست یک از اهله خفیها -  
که روی بزرگ اند از محصور  
ستفم دیواریه بایم یکروعن -  
پیشتره شاره تاکید باید

هاین شایسته تی شنی حسن  
انتخابه دارد، کمیتواند  
(واید) امروخت شود -  
پیهای اواز خوان پایشیه متفاوتی  
مشکل گونه تیه امایه ایند رانه  
آواز خوان پایشیه متفاوتی  
شکست و پیش خطوط و قطعات  
آوازی را اجرای کده میتواند -  
مثله اور حق دارد و دنیه  
را هنلما تلفظ در چن خوانند  
پاوازه دیده بیوست کدو بیا -  
گستی راه موجود اوره -  
در حقیقت میتوان گفت و خشن  
های صوتی (در تعانیه  
شنا) ا در دست اواز خوانی  
انعطاف پذیره های تیه هاتجا -  
میت سیالی پسدا میکند، که  
چنچیزی برای اینها نمیست.

بخواهند پیکاره یکرویه این  
نکته تا کید صورت شود که  
راخونت ا ویعنی غصله -  
ش داده که چونه باید بالای  
سیلاب هایی مصعر هنار  
دانند تاکید و دشاره ای کلسته  
قسی تاکید و دشاره (اکنست)  
اجرا شود که مترافق و همسان  
بایک ضرب بالایه بیش از

پیشتره: بخشنده لطفاً ده -  
یاره اینکه مظفر از مقوله  
『عایش مدا』 با «تمیز»

نامزد شوم همونکه ایام آمد  
او نزدیت شد لباس نامزدی  
ام رانیز قبلاً تغییر نمود  
روزی که انتشار آمدند را  
دانست نامه اش برایم رسید  
نامه بی که زنده کی وایند  
مرا اترزد آن شب تا سحر  
مانند بهارانی که در شیخهای  
در از خزانی از ملأ ظلمت  
پشمیه در پجهه صبح مهد وزند  
از کلین انان بشمیه کساره  
آسان دوخته بود آن شب  
تاسحر کریه کردم گریه بر مرکی  
انسانیت و گریه بر خوشباریها  
یک دختر منعم  
نیهد انم نامه او را چند بار  
خواندم که شاید جسمهای  
من اشتباه کرده باشد ولی  
نه همه چیزهایان بود که نوشت  
شده بودند او نوشه بود  
عزم خست نامه را  
تایان بخوان بعد فضای  
کن نماید آن راتانمه خوانده  
پاره نمایس

من بعد از آن که با خسوس  
همه کم و کار زنده کی ام را  
کاییدم به این نتیجه رسیدم که  
زندگی من و تو با هم جو ر  
نم آید اگر عشق را یکسو  
بکاریم وصلت من و تو  
دیوانک است من متناسب  
است که این هارا زود ترمتو  
جه نشده بودم و اسباب نارا  
حقن تو گردیدم آن چه  
که بین من و تو اتفاق افتاده  
زیاد در مورد فکر نکن اگر  
اینجایی از ازدی را بیم  
مفهوم واقعی آن درک میکس  
و قضاوت خواهی کرد که آن  
چه میان ما اتفاق افتاده ماسله  
قابل اندیشه نیست شاید  
من دو باره به کشور برگردم  
من اینجا با دختری آشنا  
شده ام پدرش مرد با نفود  
و شرطمندی است از افغان  
ها خود ماست شاید  
از این جا به امریکا بروم  
ایم وارم که تو هر دو زنده مگی  
را نکرکن مدن راکه با هم  
بودم نتیجه تب و تاب جوانس  
بود من اکنون داشته ام که

پوهنچی حسوس بودم ولی از  
مسئل تلبیات خیل خوش  
من آمداز حمید خواستم که سه  
طب بخواند او هم بیول کرد

فراموش تمیشود که آن روز  
تاجه حد خوش بود مم آن روز  
کسی در خانه نیود حمید  
نخست از زندگی خود شیراهم  
قصه کرد پدر رش رایه خاطر  
نداشت مادر رش و سال قبل  
مرده بود بعد از آینده بی  
که باید برای هم بمانم  
صحبت کردیم نمیدام آن روز  
مارا پجهه شد که خود رایه کلی  
فرا بیوش کرد بودیم آن روز  
دلم میخواست زین و آسان  
و همه مردم در خوش بامن  
شیک شوند و پس به خود  
آمدیم که من همه چه چه خود  
رایه حمید بخشیده بودم و  
خاطر آن چه که از دست  
داده بودم خودم را سرزنش  
نکردم زیرا حمید برام و عده  
داده که بعد از یک سال در  
شخصیت های تا بستانی به  
خانه مام آید و با هم نامزد  
مشیم و عروس میکنم ای همای  
که بجه خواب های خوشی  
دیده بودم حمید برای  
میگفت و توان من است به  
خاطر تو آن فدرند و شتابند  
از پله های شهرت بالاخواهم  
رفت که مایه سبلندی و سما  
دست تکردم ولی افسوس او  
مایه ذلت و خواری من گردید  
و قصی غرض تحمل عازم  
اتحاد شوری کردید احساس  
میکردم زنده کم با او همی و د  
روز رفتن و لحظات وداع خیل  
جانگاه بود مقابله دیگان  
همه گریه کردم آن روز چشم  
اشکهای نسخ شکد کسی  
د رونم فریاد میزد اورا از دست  
مید هم و من باور نمیکردم وقتی  
بعد از خوشی گریه میکردم  
رسیده از خوشی چیخ میزدم و میگدم  
چیخ میزدم و میگدم نامه اورا می  
اش را با کلماتی که از عشق  
احساس سرجشیه گرفته بود  
جواب داد نامه های من  
مار و بدل میشد و من بی  
لحظاتی من اندیشیدم که  
هر چه زود تر ماید و با هم

به زی را که نی شناختم  
و مسخره اش میکردم عشق بود  
تا آن روز که اوه خانه می‌آمد  
او در بور بدر بود مگرچه سه  
هیچ چیز قابل ملاحظه نیست  
درا و وجود نداشت ولی در  
هان نکاه اول چشمها پیش  
جاد ویم کرد نامش حمید  
بود همین که نامش را مشنیدم  
فیلم فشرده مشد هیجان  
ناشناخته فیلم را فرا میگرفت  
ناصف ۱۲ تحصیل کرده بود  
پدرم من کفت حمید کس  
ندارد پسر خوبی است حمید  
خیلی محظوظ بود هیچ گاهی  
سون نمیدید و اگر میگردید که  
پیر شتابند و کد را بسود  
و همین نکاه های کد را میرا  
آن شیوه زیاده هیجان همراه  
با لذت گشک و ناشناخت تعری  
در قلیم احساس میکردم گرم  
میشد و در ریای خوشی  
فرو میرفتم بالآخره یک روز  
از او نامه بی کرفتم که صرف  
نوشه بود "د وست دارم"  
و همین یک کلمه کافی بود که  
مرا بسوزاند خواب و خوارم  
را بکرد شبعا با خال او به  
بستر میرفتم و صبح های آرزوی  
دیدن از خواب بروم خاص  
او خیلی هریان بودم مثل  
دو دلداده دیوانه هم بودم  
از آن روز که من اثناهار  
محبت کرد دکر هر زنوع قیودی  
بین ما ازین رفت و هر دیواری  
فرو ریخت کاهنگی در مورد  
تحمیل اور اندیشیده با خود  
میگتم اواید تحصیل شر -  
را ادامه دهد یک روز این  
میموع را باید در رومان  
کذاشتم

چون پاگانه فرزند والدین  
بودم پدرم نیز بی رفاقت  
شاید ازد وستی ماجهی زی  
فهمیده بود یک روز که در  
رومی خوش فرور شده بودم  
حمد برایم میزده ادامه  
تحصیل خود شر را داد پدرم  
اور ایه خارج از کشور جهت  
تحصیل میفرستاد بعد  
هر دو ششتم در مسورد  
انتخاب رشته ایزی حسبت  
کردیم من حصل صفحه ۲

روان او دستخوش هیجان  
و نی را حس سید  
ایمانده بزرگ خسید  
تنهای تنهای بود غم جانگاه  
روح اورا زجر مداده دار را  
مخورد و ماموقع برایم از  
مرگر گفتند یاور نشد لبیز  
از انتظا بود ره خانه اش رفتم  
منتظر بودم دلم من گفت  
همین حالا من آبدمل همیشه  
خندان و انشاطه اما انتظار  
بهوده بود او هرگز نهاده  
او مرده بود باز مرگر برایم  
گفتند از بزرگ تا بھنگ ام او  
و حالا اونه رخاک بود با غم  
های بزرگش با رازهای نی  
گفت اش که فقط نیمه پیاز  
آن را برای من گفته بود زیرا  
که ما دوستان هم بودم به  
هر سوی خانه که مهتر استم  
او رام دیدم و آواز خند  
شایش را من شنیدم باورم نی  
آمد که مرده باشد

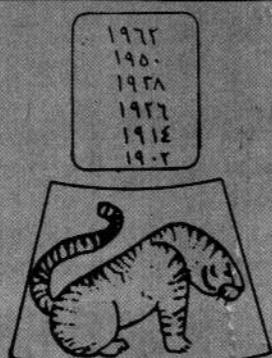
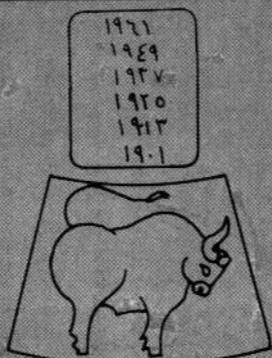
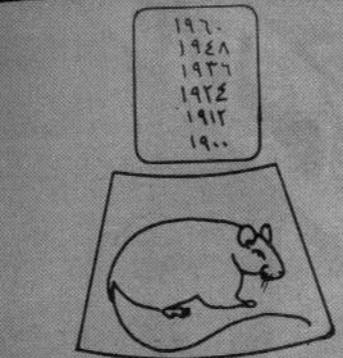
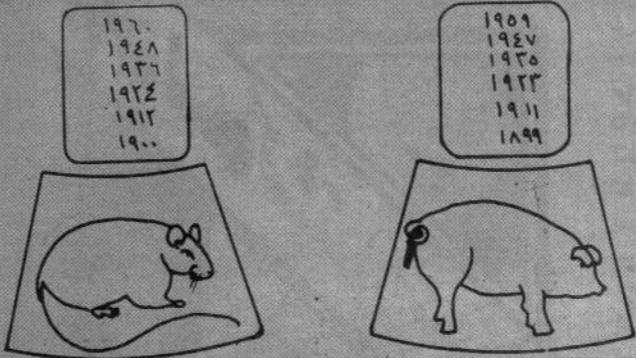
او غم بزرگ داشت و بالندو  
هن که برقلیم سنگنی میکرد  
تنهای تنهای بود یک روز به  
دیدن آمد مسروف خواند ن  
نامه های د وست داران مجله  
بود که به دفترم آمد در  
سکوت پر از اندوه  
چشمها یم خیره گشت ظاهره  
خامونز و سکوت غم انگیز و  
لبریز از طهراه بود در  
از نگاهش میریخت حالت  
عجیب داشت نشست و برایم  
حکایت کرد هنگام شنید  
کردن گاه چشمانترا اش  
پرده میکنید و کاهن هم  
لبخند مرده بی برگوش  
د هانتر شکان میخورد لبخند  
من شعله شمعی که در  
سیده دم آخرین ارشاد  
خود را به نیم سحری میسارد  
زود گذ رونا پایدار بود دست  
را زیر الاش که ام خست لحظات  
بنده با انکشان دست چهش  
بیزی به روی میز نوشته  
شنهایم رایه پوهنچد و ختن  
بودم بالحن که ام خست به  
شرم و ندامت بود برایم گفت  
ناد و سال قبل زنده کی آرام  
وی در دسری داشتم تو مرا  
خوب مشناختن من یکانه

لهم اکبر

# حال آینه‌های شما چیست؟

لستاره شناسان چیزی  
اینده شهار اپشنگوی می‌کشد

این مطلب حال را استثنی  
بر پایه نجوم بسیان دارد  
خوبی دیگر نیست



احترام یافته‌گرد . عدم توجه وی افتخار سعی  
لذت می‌برد و همینه سعی دارد که راحت  
و آسوده خواهد باشد . همچوشه راه نقوش  
می‌بینیم را در زندگان شما بازی کرده ولی همیز  
کار در آنست که معشوق از چنگال شما خودش  
زود می‌گیرد . هر کس که دست کنک بسوی  
شما را زنگدید بدون بھر نشاند و باطنیان  
کامل باز وجود نان استفاده نماید .

**لستاره**  
در صورت ظاهر شخص آراسته و آرام و  
بدون سوژه‌داسته ولی در باطن هوا  
ره تخت تا شر احساسات درونی خود مدام  
در حال جنگجو شنیز می‌باشد قدرت انجام -  
مشکل ترین کار هاد روی داد نان نهفته دلی  
نمی‌داند که چونکه از آن بھر ببرداری -  
نمایند . همچوشه رامو هیچ جادویانی میدانند  
و تا آنجا که لازمت آنرا عزیز و محترم مهشـا  
رید . آزادی فرد عیار بھاش از هر چیز و دوست  
دا رید و مکنس اجازه نس دهد که آزادی  
شما را محدود نماید . نهروی در وجود تسان  
پنهان است که به کم آن من توانید شما به  
موانع را از جلوی راه نان ببردارید . اگر  
می‌گردید که از این راه نان ببردارید  
بدنه کار می‌برد فقط بخاطر کسب مقام و عمر  
و فرم و هجگنی بول هنگفت من باشد . خلی  
زود اعتماد اصرار یافیان نان را جلب من کنمـد  
المتن این بخاطر ظاهر آراسته است که دارید  
اظب بدین نفشه قبول وی اصطلاحیں گیار  
بعده در سخنه (۱۰)

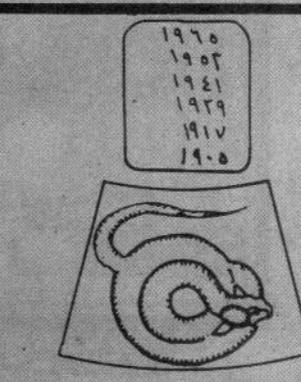
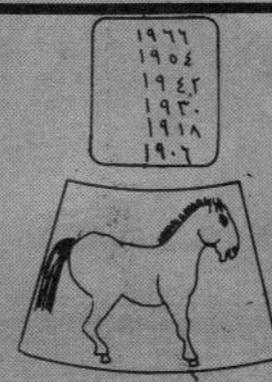
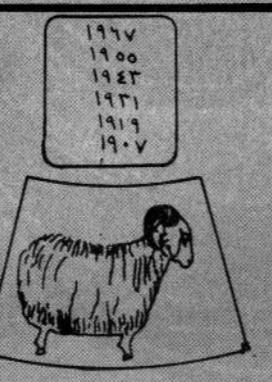
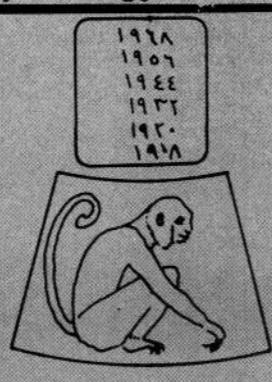
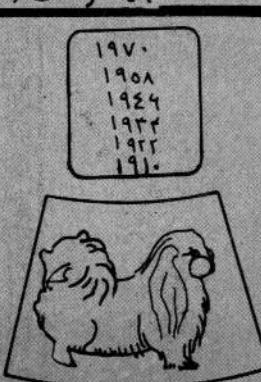
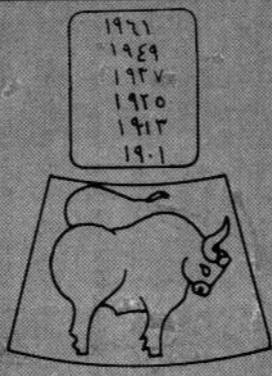
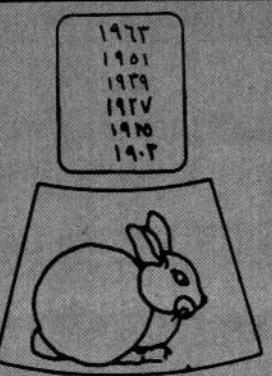
شارا مشناست بدک دل و یکصد ایه صد اقتان  
اذغان دارند و اماده برای جانهازی در راه  
میخس قادر هستند که بر افتخار درونی و شیطان  
خدوتان پیروز شود و به همین دلیل دیروایط  
نمیخواهد برای کس ایجاد مزاحمت نمائند  
شهاست و شجاعت در وجود نان نهفته وی  
همین دلیل هرگز از انتقاد و عقش ندارد  
و همچوشه سعی دارد که به کمک عقل و منطق  
بینهاین راه را انتخاب نمایند .

**لستاره**  
قبل از انجام هر کاری سعی می‌کند که  
موانع و مشکلات را که بر سرمه نان قرار دارد  
از جان ببرداشد و به همین دلیل چندان  
سچویل نمی‌گردید اینه نائید می‌گردید که در  
اغلب اوقات اتفاق وقوع موجب آن من گردید  
که به خواسته اصلی خودتان نس رسید .  
قدرت تغییر ناید بیری در وجود نان نهفته  
که دستهایی به آن کار اسانی نمی‌تواند  
از این طبق متعال نمی‌تواند فوراً تخفیف بدند  
این قدرت را برای همیشه حفظ نمایند غافل  
از اینکه چنین رفتاری باعث غاصله کمی و -  
رخنه بین شما و زنده کی اجتماعی می‌گردند  
و منصف در فضای اجتماعی با اشخاصی که  
نمی‌شناسن با اشخاصی که شخوص اجتماعی  
دوست دارند کاری را که شروع نموده امیدتا  
آخرین لحظه دنبال کرده و با معرفت بیان بر  
نمایند در مقابل مشکلات هراس از خود نشان  
گریجه راستون وی پرداز هستند ممدا -  
دوست ندارید که همان از راهها در روی  
ایمان دارید نزدیکان باشد . شخصیت طاـ  
هری شاخه‌لو جذاب است و همین موضوع  
یکران را وادا رمکند که به عقاید شما بادیده  
بنفع دیگران استفاده نمایند همه آنها نیکه

لدين سال ۱۹۳۲ روی سال خرس چرخیده  
اند باید ستون جواب خرس را بخوانند .  
مثال دیگر . شا متولد سال ۱۹۳۰ اینها  
نمی‌گردیدند با اینه هرگز دلیل  
نمیخواهد برای کس ایجاد مزاحمت نمایند  
شهاست و شجاعت در وجود نان نهفته وی  
همین دلیل هرگز از انتقاد و عقش ندارد .  
و همچوشه سعی دارد که به کمک عقل و منطق  
ستون مار بخوانند .

متولدین سالهای اخیر میتوانند بادریافت  
سال تولد و اساساً بستان که با خود وان مربوط  
فال یافشون در باره خود را بخوانند

**لستاره**  
تولد شماره همین سالی که زمین روی سکه  
چرخیده از نظر مجتمعین همچوشه قریب باشـا  
نمی‌گذراند ، اگرهم به آن معتقد  
نمایند یک سرگرمی جالب است .  
طریق استفاده از این فال و کشف سال زندگان  
شایسیار ساده است . در متونی که تصویر  
بالا و پائین که هر کدام با همچوشه خود می‌باشـا  
شده سالهای " مولادی " نوشته شده  
برای تبدیل سال تولد شمی خود به سال  
تصورش هم از قوه فکری شاخابی است فائیـ  
آنده ملا دی و یافتن خوبیان سال تولد خود  
کافیست که سال تولد شمس را با (۱۲۱) -  
چه می‌گردید و سال مولادی را بدست او برد . در  
آن سال زندگی روی یک خوبی چرخیده که  
سرنوشت شادر آن ستون آمد .  
مثال : شا متولد سال ۱۹۳۲ شمس هستند  
این رقم را با عدد (۱۲۱) جمع کنید حاصل  
جمع آن (۱۹۳۳) می‌شود سال تولد شا در  
تقویم میلانکویا به تصریح مراجعت کنیدمـو .



# لند استان

## پشیده دیال

رایخولی دی چی و نه لوبه پهه  
د کمتر گران دی هم خلاص  
پکاریده اوهم داس دی بینجه  
چی یعنی کم شی دنگل شنیده  
اوند هرچه نه دی له هوسه  
تضاوه .

- خدا پی دی سر دی  
له دی یعنی شرموماتی . پیا  
داس زنده دی روانی دی لکه  
خیل انتز کی چی ترسی اوپرلا  
یعنی نه دی دی . دی سرک  
یه منع کی یعنی تشن خلاصه  
بر پیش . . .

- سیدل دیلیمه لاره کی  
هدامی زنده زنده روان و به  
نهفه اندزه - یعنی چی پنه  
به شاکری ولنی خه کوئن پکانه  
لر توته ور اندی دس خنو  
موتری یو کاتارولادی چی  
لر شیوه دیوسته به تسل  
له خیره دکل به خواردا ن  
ش .

- سیدل چی دیوتسره  
و خوت اوچنله کی کهناست هم  
دی خوبینه . تعبه و ایس  
نیمه دنیا یعنی دواسته  
چیب کی ده دیوتسره پس  
یعنی پند سایپر سایپر  
سایکر لو جنله یعنی گلکه  
و نیوله . دیلیله لخوه و خو  
سیدل . دیش تود لر و پر  
به لکه ده دیوتسره دیام سخ  
یعنی ملا یعنی سنکاری . پی  
کویه لند دیبتان لری د کمتر  
لوبه غاره یعنی د شاخوه لنه  
چورمه لری . د کمتر لغایه  
یعنی شاتره بیه لوحه ده . ان  
زندی ملا یعنی سنکاری . پی  
سین بدن اور چوده . پی  
بزم دیکوچنی دینه داسی  
سنکاری لکه ماشم چی پیام  
سین کاغذ خطاط کویه کوچن  
کوش ایستل دیا سیه گل  
تراوهه هی بده بجل داسی  
نه لیدل . آن د بچویه و نه  
د دنه میونخن موچه تونکه تونکه  
خشده بدل کوچن کفرنه یه  
با لالسی هم له د دوره زندی یه  
تر میخک شود ده کوچن  
موقر له پیش شخه و هلکی  
چی می داره خلیه دی به  
سرمه د سیدل خوانه کوته  
پیورله اوخوله یعنی پسحکانه  
پاتی به (۸۱) مع کی

جی بطبعه کی کم شن

هدامی میونخنی اوچوره دس  
یه ۰۰۰ پانده کی لسنه  
چی سیجیده لکه کم بالست  
دی چی نی خاوره کی نماره  
دی ایزی ملادی ، دی یعنی کویه  
اوند دیبتان اوده بیل اوزده

دیبتان چی تزی ملا پیس  
رسنی . دی خنهره هلان خا  
خیل انتز کی چی ترسی اوپرلا  
یعنی نه دی دی . دی سرک  
یه منع کی یعنی تشن خلاصه  
بر پیش . . .

- یونه خمه سین سترنی پی  
شروعه هلان دی (۲) دی خلکو  
ناموس ته پهنه و سترنکو گردیده  
به شکری ولنی خه کوئن پکانه  
لر توته ور اندی دس خنو  
موتری یو کاتارولادی چی  
لر شیوه دیوسته به تسل  
له خیره دکل به خواردا ن  
ش .

سیدل چی دیوتسره

و خوت اوچنله کی کهناست هم  
دی خوبینه . تعبه و ایس  
نیمه دنیا یعنی دواسته  
چیب کی ده دیوتسره پس  
یعنی پند سایپر سایپر  
سایکر لو جنله یعنی گلکه  
و نیوله . دیلیله لخوه و خو  
سیدل . دیش تود لر و پر  
به لکه ده دیوتسره دیام سخ  
یعنی ملا یعنی سنکاری . پی  
کویه لند دیبتان لری د کمتر  
لوبه غاره یعنی د شاخوه لنه  
چورمه لری . د کمتر لغایه  
یعنی شاتره بیه لوحه ده . ان  
زندی ملا یعنی سنکاری . پی  
سین بدن اور چوده . پی  
بزم دیکوچنی دینه داسی  
سنکاری لکه ماشم چی پیام  
سین کاغذ خطاط کویه کوچن  
کوش ایستل دیا سیه گل  
تراوهه هی بده بجل داسی  
نه لیدل . آن د بچویه و نه  
د دنه میونخن موچه تونکه تونکه  
خشده بدل کوچن کفرنه یه  
با لالسی هم له د دوره زندی یه  
تر میخک شود ده کوچن  
موقر له پیش شخه و هلکی  
چی می داره خلیه دی به  
سرمه د سیدل خوانه کوته  
پیورله اوخوله یعنی پسحکانه  
پاتی به (۸۱) مع کی

جی بطبعه کی کم شن

کی . یعنی غونه کری وه اوند -  
واسکت د جب کوچن کی هی  
اچول و . هر لکه نیمه  
دینا . یعنی چی دواسته  
چیب کی دی .

- سیمیزه راخنی دیوسته  
دشیم له دیوی همچویه کویه  
کارکنی . ۰۰۰ دیلیله لاری  
پی خوانه د کایه هتلی  
ختمه د ورنه خنیه ایساری  
سری ای دل کویی کهنه  
خواته د موتزدی بی دی بور  
لہ بیسی لکه د بیه هار مسیه  
هدامی سلیمانی ایروان -  
دی

بره خبله وطنه ! هدامی  
پایاسته اون اوسی . بورکت  
دی کم مه شه ( خونک ) پی  
چی بدوانی خدای دی خوار  
کی . ۰۰۰ نام خدا ایله کونه  
اشا یعنی نه خرسنی . ۰۰۰  
چنه دیسترانه دیوالی اویندزی  
( ۰۰۰ ) دیس دل چی بیام  
کویی نولری بی زند دی . زند  
زند کامونه اخلى چی کلیس  
ته مان یکر بیوی درستنی .  
سکت د چیب بیه یاد بید و سر د  
عن زند دی خرسنی . دل

مشکن یعنی د دم دند و کامو ،  
( ترک ، ترک ، ترک ) غیره  
ایه چیس ده و نجونی خبله  
خواره روان دی . د شالله  
خواره هنری دواره د بونکنی  
بونکنی اوجته سنکاری . میسی  
بونکنی چی د هرگام سره

ایه دی خرسنی . دل  
پایاستنی . زنده زنده کام  
اخلى د خیل و دندن . یعنی  
کلک تر لی د لونک شمله عی  
به بیه آزه بورت ده بنده کس  
یعنی کلک نیولی اودا .  
چیتک چیتک کامونه اخلى چون  
ان د هنری پیشتوکی سنکاری  
جی بیه زند دی سرخ

- جل جلاله ، د ماسبینین  
از اونه بشول .  
سید کل چی دنزوی جیه  
لعلسیپکرور د ازان فنی وارید  
نود اود اسه اولمیع به نیت  
لش و رتاوشواری دست . لعله  
یون و کن . بیهی راوت . د  
جومات رو کی - سی خبلس  
پیشکری . چیلیویه لا ره  
کی زندوزی خفریان شواراوله  
دی بیعی سره دا اجرت هم  
در لولید .  
دکمال به دی وخت  
اومنی به دی شبو . ور مسو  
کی به کلی کی د کار خلاصی  
و نشته . د جواریلو . د هنر  
تولول . سینهوله ایسای پسر  
سای کول . د کجلواستل  
او ترکرور دل . ۰۰۰ اودادر .  
کی . بیه داس تکه  
وخت اواسی بجهه . خیر .  
خدای به هرشه اسانه کری .  
۰۰۰ سید کل د دی چرت  
سره بیهای دیشی دیاد شوی .  
خدای دی هیخونک له خبلو  
کی سی پنلا نورهم به اون .  
و خوار . سچنی پیس .  
سره کن کری چی غیر پیس  
لزی ده اندی دیوسته واریدل  
شو . او هدامی زنده زنده د  
ریان و نه . یعنی لامه  
خوبی دیکی وهلی .  
له همدی سایه لسنه .  
ر اندی یعنی بمه .  
دارمه کوته خبلی کزونتی ته  
اخیستن و د دسالی بینه .



нал турнира. Но  
рнишь в руках всех  
4308.

ترجمه برومند

# گزارش‌های

# کارگردان

تونل زیر  
دریای فرانسه - برخاستا

اول دسمبر ۱۹۰۸ از بزرگترین  
طریق‌های معدن سی فتن  
مرحله تکمیلی بود پیش از  
عملیات خارجی سراسری رسید  
در راهی ماشین با ایجاد پل  
تولی ارتباطی به قطب شرق  
ترین دوستی خارجی شده  
علاء خاک فرانسه را با خاک  
پیرهنانها مرتبت  
ساخت و برای او لمین  
پارکارگران فرانسوی دست‌خواست  
چنان باعبور این قسم است  
از راه تونل به خاک کشور فرانسا  
به روشنیده طاهره بدین  
ترتیب نیاید بعد از آن  
برنامه اجری خوانده

**لباس‌های کارکرده‌ای پدنز روش**  
راتقیر میدهد  
تا پندرزد پندرلنون هرای  
نخستین بار لباس‌های بی  
نایش در راهیاد که  
تفصیلات در گرمای بند  
فردو که آن را پوشید  
رنگ این لباسها تغییر میکند  
این لباس‌ها از وادی به  
اسم سورموکلیلا ساخته  
جهود و ساکن شدن  
هواها کم شدن پیدا  
فردو که آن را پوشید تغییر  
رنگ میدهد. این لباسها  
در رابتا رنگ سیاه دارند  
پس از آن شدن اینجا به  
رنگ قرمز، بعد نارنجی  
سبز، سفید تبلیغ میشوند  
و بعد هر قدر که از گرمای بند  
فردو که آنرا پوشید کاست  
شود و هر قدر که هوایه تر  
شود، دوباره رنگ لباسهای  
های تغییر میکند.

پاران یکی از  
درختان کوه  
سکردنی را

# فرانسلان

(اداود) پاسخ چوب که  
از نظر ارتفاع سوین درخت  
در جهان بود، بدین  
تازه‌گی هاد را زبان گرفت  
غلتید. این باران های باعث  
تضمید رشنهای درخت  
گردیده بود. درختان  
سر چوب که در رایالت  
کلپورنیا یافت میشود بین  
عمر ارد ۱۰۰ تا ۱۲۰ سال  
که از اخیر رسال ۱۹۲۲ رخست  
ازدیشی کردند و نشانه بند  
ازدیشی که آن را پوشید  
و چیزی برای روزه داشته  
آن به بیست تنراخ میکرد به  
قطراوی دارختان کوبیک  
میشود ولی به خاطر حفظ  
تعادل فضای خانواده کس  
راتقیرها را پوشیدند.  
چون دشنه عی در قله غرب  
میشود ولی به خاطر حفظ  
تعادل فضای خانواده کس  
راتقیرها را پوشیدند.  
که از این ته بعض آنها  
توانی شکافته شده که  
دیگر موتوری با قطاعی سیل  
از آن میتواند پنکر پکی  
ازن دارختان که بشام  
(شیون) پاد میشود و دارا  
ی دند ۱۱۷ تن است  
در رایالت کلپورنیا دارختان  
به نام ایفرید فایت (ازین  
دارخت ها فرانسان و جو  
میشود. از پترو با وجود داشتن  
هزش و قوم و دوستان زیاد  
دل برای مادرم ساخت  
پقیه در صفحه (۸۶)

خود را تناهی احساس میکنم.  
بدم هیشه مترصد  
است تا مادرم اشتباہ را  
مرتک شود و دیدم آن را به  
رخش بشکد و نوشتر بزند و -  
ازدیشی کردند و مشکل  
چواب مدد امادر بیرون  
از منزل بادستان و رفاقت  
یک میکرد و دست تا میخندد.  
وحسلم سرفت نهان میکند  
با ورخواهید کرد اگر بگیر - -  
اعضا خانواده مانند بد  
راتقیرها فراموش کردند.  
چون دشنه عی در قله غرب  
میشود ولی به خاطر حفظ  
تعادل فضای خانواده کس  
راتقیرها را پوشیدند.  
چون دشنه عی در قله غرب  
میشود ولی به خاطر حفظ  
تعادل فضای خانواده کس  
راتقیرها را پوشیدند.  
که از این ته بعض آنها  
توانی شکافته شده که  
دیگر موتوری با قطاعی سیل  
از آن میتوانند پنکر پکی  
ازن دارختان که بشام  
(شیون) پاد میشود و دارا  
ی دند ۱۱۷ تن است  
در رایالت کلپورنیا دارختان  
به نام ایفرید فایت (ازین  
دارخت ها فرانسان و جو  
میشود. از پترو با وجود داشتن  
هزش و قوم و دوستان زیاد  
دل برای مادرم ساخت  
پقیه در صفحه (۸۶)

رسختر هر است و در این  
کونه مناجرات مادر را کنم هم  
بی فرض وسیع حرف نهانند  
خواهی نخواهی باید. —  
طرقداری از دیدم چیزی بگیره  
در اولین وقت هاک هنوز  
مادر را بدید جوان بودند  
هر گفتگوی که بین انان صورت  
میگرفت کلمه شدم طلاق و -  
جد این آنکه نامانوس را در  
کوشاعم زمزمه میکرد. هیشه  
مهترسیدم مهادیک روز ماد و هر  
بزند و یکی: "بن اس دکم"  
بس اس طاقم طاق شد.  
میکند ولی غلکویه منواره  
نهنی راتا نهند و رز - -  
مس بیرون راند.

طور مثال: وطن  
و خس میمیشیم نهاید  
زند داکتر را جمعه کتم و ماد و  
خانواده ما بزند آشیان ما را  
ازهم فرو خواهد پاشند ما  
اطفال قد و نیم قد سرگردان  
و اواره خواهیم شد. ولی  
مادرم خوبین فرید میزند: "هر  
آنها مثل خودین شویه  
نهن سفید تراوید هارجیه -  
نهده باعصابیت فرید میزند: "هم  
دنیاست گاهی باهم توافق  
دوستی آنرا در نیما میباشد  
باشند است.

برادر دوس و خس محیط  
خانواده که با مردم نهاد  
کورستان یافت به دوستان  
ریاهه بود. تازگرها دزد کس  
میکردند که ایمانه شاجره  
لطفی بکند و هزار آنکه

سکت کنند را آغاز میکند.  
است.

نفراند براز اشتی هم  
مادرم پیشقدم میشود او ای  
آنکه بارها از جان بدم لست  
و گوب شده باز هم جمع نظم  
اوردن در خانواده و ایامش  
دیواره از تصریح پدر میکرد  
و اما با آنم کانون خانواده میک  
مادرم پس روح است پدرم  
هر گاهی میخط خانه را در رفاقت  
امضای خانواده سهول نس

داند و این تنها مادرم است  
که باید بار بسیاری میگردند  
زندگی مادرم ایام را  
من یادم میگردند آینده ایام  
زندگی مادرم ایام را زندگی  
های زور زدنی های شما  
زندگی مادرم ایام را زندگی  
میگردند. آینده ایام را  
دیگر ایام را زندگی میگردند  
که در بزم زندگی مادرم  
دیگر ایام را دیگر ایام  
کلام میگاهد معرف کنم.  
برادر دوس که صفت دارد  
مکانیک های پوشیدن  
کلمات یک سود شکته و  
عن سره ولى طفین اندیار  
طور مثال: همچنان که  
وقایع خانه مابوده است زیرا  
آنها همچنان که باهم توافق  
میکند و همین که آنها  
خانواده ما بزند دلکویه  
میکند مادرم ما را زند  
نهنی راتا نهند و رز - -  
مس بیرون راند.

پکمکوی پدر و مادرم چون  
مکانیک های پوشیدن  
کلمات یک سود شکته و  
عن سره ولى طفین اندیار  
هر دو زندگی مادرم که  
کلمات یک سود شکته و  
عن سره ولى طفین اندیار  
هر دو زندگی مادرم که  
آنها همچنان که باهم توافق  
و دلکویه میکند و همین  
روزی نداشته اند من فرمیزند  
نمیتوانم آنرا در نیما میباشد  
باشند است.

برادر دوس و خس محیط  
خانواده که با مردم نهاد  
کورستان یافت به دوستان  
ریاهه بود. تازگرها دزد کس  
میکردند که ایمانه شاجره  
لطفی بکند و هزار آنکه

شماسته و مید فصکه  
یاد را در دل کنید

# مادرم

میخواهد بالای  
ترین برج دنها برآمد و پنهان  
پنهان که ای پدرها و مادرها  
آخر هم آمدم هم برای میان  
همگاهی میخط خانه را در رفاقت  
نسازید ماین همه کج خلق

زا در هر کدام از میمه نه - وی  
مشغور گردیده ام.  
پکمکوی پدر و مادرم  
که در بزم زندگی مادرم  
دیگر ایام را دیگر ایام  
کلام میگاهد معرف کنم.  
برادر دوس که صفت دارد  
مکانیک های پوشیدن  
کلمات یک سود شکته و  
عن سره ولى طفین اندیار  
هر دو زندگی مادرم که  
کلمات یک سود شکته و  
عن سره ولى طفین اندیار  
هر دو زندگی مادرم که  
آنها همچنان که باهم توافق  
و دلکویه میکند و همین  
روزی نداشته اند من فرمیزند  
نمیتوانم آنرا در نیما میباشد  
باشند است.

پکمکوی پدر و مادرم چون  
مکانیک های پوشیدن  
کلمات یک سود شکته و  
عن سره ولى طفین اندیار  
هر دو زندگی مادرم که  
کلمات یک سود شکته و  
عن سره ولى طفین اندیار  
هر دو زندگی مادرم که  
آنها همچنان که باهم توافق  
و دلکویه میکند و همین  
روزی نداشته اند من فرمیزند  
نمیتوانم آنرا در نیما میباشد  
باشند است.

برادر دوس و خس محیط  
خانواده که با مردم نهاد  
کورستان یافت به دوستان  
ریاهه بود. تازگرها دزد کس  
میکردند که ایمانه شاجره  
لطفی بکند و هزار آنکه

# صحابه



دکتر کابیل

شندم که در استهتوت طب  
کابل دیپارتمان وجود دارد  
به نام پتالوزی و درد پهارتنت  
پتالوزی موزیس موجود است  
که از سالها دراز بدبخت  
و اعمات جالب طبی را بانمنه  
های انساج واعصای مرضی  
نگهداری میکند.

به آن دیپارتمان رفتیم  
تاطلبی تهیه نمایم.

در آنجا، پرفسور و دکتور  
محمد عبدالله هاشمی امیر آن  
دیپارتمان و استاد استهتوت  
طب کابل با بزرگواری تفاصیل  
راد رزمنه پایان به سوالات  
و دیدار از موزم پتالوزی پذیره  
فت و مامن به سوی سالون  
دوم تالار طب کابل همچو  
که موزم دو آن فرار دارد راهی  
شد.

در جریان راه این پرفسور  
هاشم پرسیدم:  
- موزم پتالوزی فاکولته  
طب کابل چه وقت و به کدام  
هدف ایجاد گردیده است؟

اوین آنکه مکن کند  
جواب داد:  
- موزم پتالوزی (مرض  
شناسی) فاکولته طب کابل  
در حدود ۴۰ سال قبلاً به  
ابتکاره اشندگاری افسانه  
ستان پوهنگ و مک سور  
عزیز الله سف بیانگذاری  
گردیده که هدف آن کمک به  
دانشمندان و محققان در  
زمینه های تحقیق و تدريس  
من باشد.

پرفسور هاشم در بحث  
یک پرسش دیگر چنین گفت:  
د روزیم پتالوزی طب کابل  
نمونه های مختلف اعضا  
و انساج مریض درجهن محلول  
های که از خراب شدن انساج  
جلوگیری من کنندگند امیر  
می شود که امراض هر  
سمسم به صورت جداگانه  
ترتیب و مخربند گردیده  
است.

و من داخل سالون موزم

## هجنان انساج مریض

(۱)

(۲)

(۳)

شدم توجه ام را بعد از زیادی  
از الماری های خود جلب کرد  
که به طور منظم پهلوی هم  
قرارداده شده بود.

درین الماری ها قطره های  
خورد و بزرگ شده ای به  
جسم من خورد که ملواز  
 محلولات پیدا و اعصاری  
مریض در آن جا چاشد.

در الماری اول به د هما  
قلب مریض وجود داشت  
که از آنجمله مقلوس قلبی و  
روماتزم قلبی رام توان نام  
برد.

همه جالب باشد که من تواند برای  
از چند نمونه آن تذکر به عمل  
نماید.

۱- کودک نوزاد بدون سر  
و مغز.

۲- کودک دارای جگر  
که سرد و می باشد ای قفسه های  
اولی چشمیده بود و هر دو سر

دارای یک اندامه بود.

۳- طفل دوکانه کس

با پلاستنای مشترک.

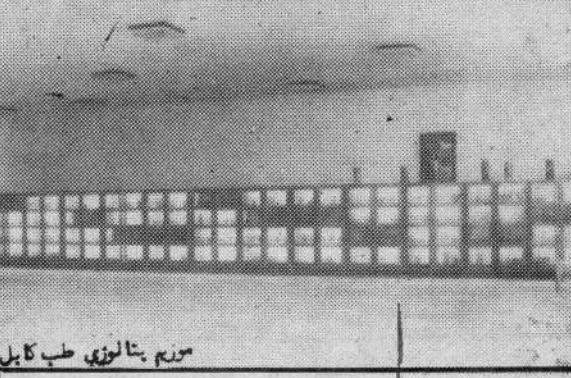
۴- تخدان های -

فوق العاده بزرگ که در حدود

- ۰- کیلوگرام وزن داشت  
و تکله ای از بیهوده اندامه آبدان  
بخاری های چوبی مورده.
  - ۵- طفلی با پلاستنای  
بزرگراز خودش.
  - ۶- کودکی که سرش را  
چند تنه ایش بود و چار دست  
و چار پای داشت.
  - ۷- چنین که در قسمت  
زشن و گردن خود دارای  
یک کله طولانی هموار بود  
و چه هر آن به یک مرد  
ساله شباهت من رساند.
  - ۸- مریض سهیت جگر  
که به اندازه سر یک کودک  
در داخل جگر خالمه که تولید  
نموده جگر را سوراخ کرده  
بود.
  - ۹- جگری که مبتلا به مریض  
سهروز شده بسیار خود
- بنیه در صفحه (۸۲)



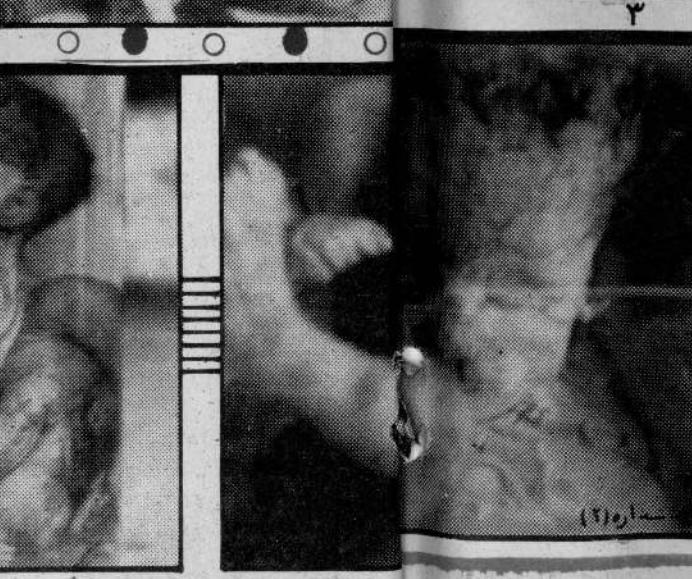
میووط شماره (۶)



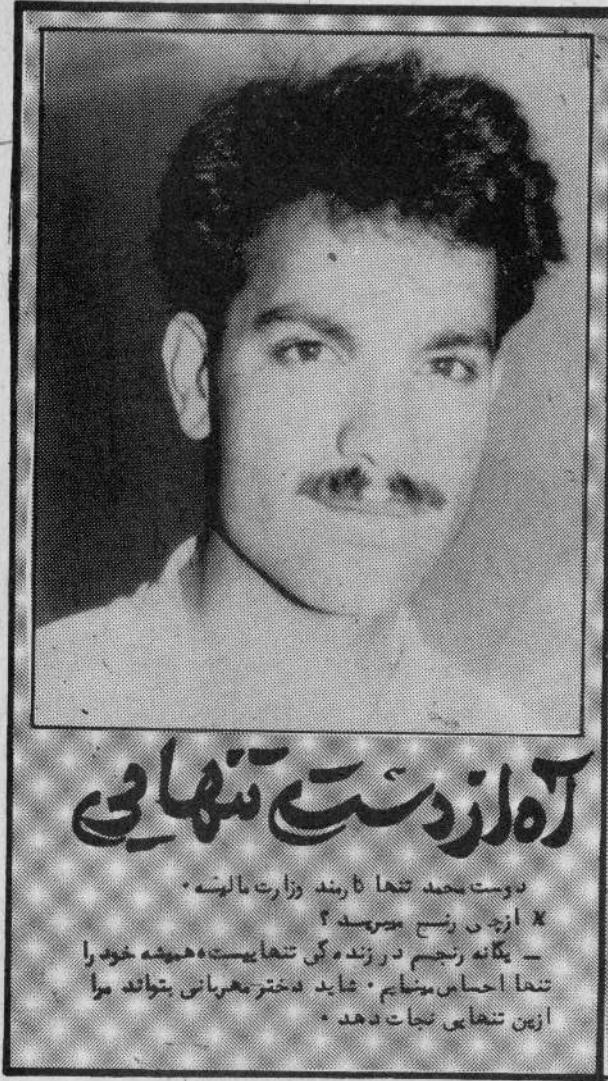
میوطم شماره طب کابل



۲



۳



تعجب کنده فرمای سرمهی

# از کنم سرمهی آنچه کنم همی آن

شکوه رسم پنهان لیمه فرد و من

ازن تهایی رم بواری پس از جوانان شنیده حتی میترسد  
 بصورت درست ام خود را بپرسید رین میم آن دامنه اند  
که ایند این کشیده دست آن هاست چی شود که بازیست  
مردم سرمهی باری کنند. شاید دستتر بعزم این بتواند مرا  
باشد در مقابل مردم و تشریف میلاده من کسرد.



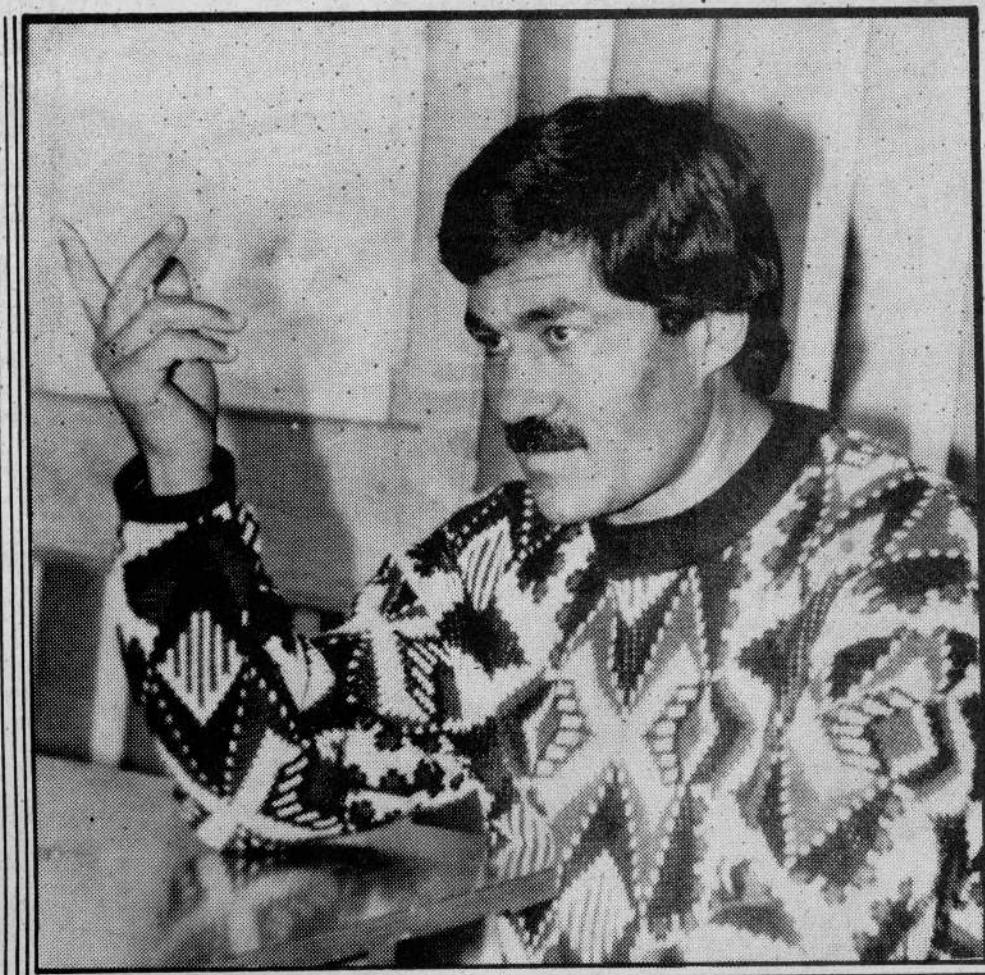
تبیلور اندیشه دریک اثر  
هنری و آنهم هنرمندانه مسلسل،  
زمنه های معون ساخته است،  
در ریافت کلی اثراست که به  
وسیله آن، حد ود کفیس  
این اندیشه، سامان می‌  
باید واشرندی لازم را در  
گتنه ذهن تماشگر، بجا  
نمی‌گذارد.

دیدگاه موسمگیری فکری  
کارگردان، در رابطه با  
رخدادهای پیغامبر همه  
نحوی ازانها، ماهیت  
اندیشه فلم را جهت  
میدهد و دریک استنتاج  
نشایر، پارچوب پیام  
بنخصوصی را صورت‌گیری  
میکند.

حقیقت دیگر اینکه پیام فلم  
بر پایه "هزار کوش اندیشه  
و نحوم" روزنگاری کارگردان  
می‌تواند در مطلع یاد رعایت  
سهر کند و این ارزش همه  
هر پیمانه بی که در عمق ره  
بپرسد، به همان معنای است  
که فلم، خصلت روشنگر اینست  
که بخشد.

از شمار چنین غلبهاییست،  
یک هم فلم کوتاه سه‌ناییس،  
"سایه" از تجربه‌های تازه  
شنریته معرف و کارگردان  
باندیشه‌مان، مدترم  
نصرالحقان است که اخیراً  
روی اکران آمد و خواندن مهای  
عزیزمان، شاهد تماشا است  
آن، دار پرده تلویزیون های  
شان بودند.

فلم سایه، اصولاً غنیمت  
زمان ماست که با چهره‌گی  
شایان تحمیض، پرداخت  
یافته است. در این ترازوی  
"زنده‌گی" و "جامعه"  
به متابه د واقعیت اساسی  
به نوع غریبیس، مورد کاوش  
و تأثیر مل قرار گرفت و سرونشست  
محظوظ انسانها همانا ما -  
حصل سهر علی زندگی وفا -  
نوئمندی جیهوادت زندگی  
دریک مقطع خاص زیانی است  
تعیین می‌شود. خاستگاماین  
جبهه همان جامعه است که  
مادر و کودک، از همان



فیلم‌ساله

نوشته: نجمب ساک

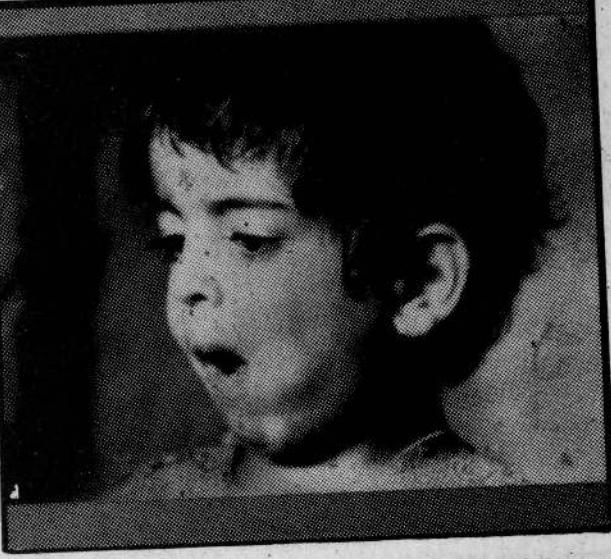
آنبوه مردم، مجزا شد و رسه  
کونه الگوی خاص از آدمها  
در پیوه حوات زنده کس  
و سخن واصرخ، در معزز  
جه رزان، گذاشتند و میشوند.  
برخورد کارگردان با حقوقیق  
و پدیده ها، مایل از ازدواجها  
خاص جامعه شناسانه دارد که  
به نحو چشکهای عالمانه  
و انانه مل، پیریزی شد عماست.  
او در جاها مدارک ارکشته عی  
حوادث و حقوقیق را زیخت  
اندازیک دانشند جامعه  
شناش، ارزشکاری میکند و  
باشان دادن تماضر و کانتر-  
است زنده کی در چهره ها  
به نحو ملعوس، بی تفاوت ها  
راتوجه میکند که همه، پیامد  
و خداده های تلح و ناگوارده هم  
آخر کشوار است که جنگه هشای-  
خصه اصلی آنرا میسازد.  
فلم سایه، هر چند کس  
برآسان دستان "بجه مردم"  
انیزگرد حظه ادب "جلال  
آل احمد" پرداخت یافته

منه، اجها راه به سرنوشت  
نامعده و من بس پارد و سرای  
شمیشه، با اوتکاره کیفرد.  
اصلوا فلم، هیبت قدر  
است. یعنی مادر، غریزه شر  
را، در همه جامعه رها  
میکند، اما، زیبا یعنی فلم، در  
پرداخت آن با تکنیک فلشن  
بلکه یا رجعت به گذشته  
است که این زیبا یعنی، باکتر،  
حق سهیولها، دوچندان  
مشود:  
بانیج معنی که سرتایای فلم  
با کودک همراه است، اساساً  
معرف خود کودک، یعنی،  
در برگیر آینه بودن شر از  
رشته سرنوشت است. او و  
همواره، در حال نوسان است  
که این اصل به خوبی  
ممسمویت، عدم اراده و  
بیخبری اوراء، از زشتهای  
زنده، با زانسای میکند.  
وضنه، خود کودک، نساد  
و مثال نسل نوبایعنی است که  
لطفاً صفحه بزرگ دانید.

است، اما، کارگردان، بر  
بنواد آن، به متابه ادم مستقله  
"انتخاب" میکند و جزئیات  
نامه میگزیند را میر پاییه  
سلیقه خود، دران، بساز  
افزون و ابداع مینماید، تا  
حدیکه، روال و مایه درونی  
دانستان به نحو لخواه  
د گرگون می شود و فلم،  
خصممه، افغانی می باشد.  
سویطه، کارگردان بالای فلم  
تاخته است که حق نشانیو را  
تحت الشمام خود گرفت  
و بر تراز آن، مایه میگارد.  
این ویژه کی را در بیان  
نمایدین و زبان سهیولهای  
فلم، به خوبی درون یا هم که  
سرتایای فلم و حق کاهش  
هر پدیده، فلم انبیا شه از  
استفاده و نساد منحصری است  
که به وسیله آن، در زیبایی را  
در گزینی جاده است.  
فلم، ازلحظه ای آغازی شود  
که مادر، تضمیم دارد کودکش  
را، بنایبخش و است شوهرد و

## نخست کارهای سینمایی اش را باموفقیت ارایه نمود

نخست ال تعالی



و خاک زیادی ازی آن غصه را  
انهاشته من سازد و کودک را  
از نم انداز مادره محبو  
میکند که همانا کودک در  
لوث والوده کی جامعه  
درین سرنوشتش ولا تکلیفی ه  
یافی میماند . باز پیچه اثر  
آرام آرام باز نوسان شدیده  
بازمی ایست و بعد ، صدای  
رگبار کلوله ها همراه باشد  
های معهن دیگری من آموزد .  
در کاران ، من تعاویش در  
انبوه جمعوت چهره من شود .  
و کودک در میان جند های  
زنده راه من افتاد . آدمها  
هچیکی به او توجه  
ندازد ، زیرا ، هر کدام ه  
یا عینکهای دودی دارند یا

این زن و کودک همواره مثل  
جسم درون و تن و سایه آن باهم  
گره خوده اند و همواره یکی  
سایه دیگری است و چنانکه  
مدادنم هم جسم و سایه ملزم  
هدیکراند و همچنانکه «جند»  
از هم معهنست تداشته اند . از  
همین و بیانوانت غریب کودک  
به مادر و زن بیاره تاکید ه  
صورت من پذیرد وزن هر چند  
که کودکش را بپرای ره اکردن  
با خود من برد ، اما در برش  
خاصی ها زکم کردن او هنسا  
اگاهانه سراسریه من شود  
و زمانیک اورا ره اهم کرد ه  
استه کودک به خاطر مادر  
مادر ، بپرای فرزند باز در داد  
مویه میکند . د رنای دیگری

«نانوایی» استدلال من شود .  
این زن هر دارد و را هی زندگی  
فراردارد . می باید به خاطر  
بن پناهن اثر در پاشتن ها  
و مفاسد جامعه غوطه ور شود ه  
یا اینکه در پنهان شوهری «زن»  
شرافتمندی باقی بماند . و در  
این میان کودک ، از دیدگاه  
شهرنش سدخلیل زنده گی  
اوست وزن ، با انتخاب راه  
دوم ، بایست از کودکتر  
بکرده !  
اما انتباء فلم ، با پیامد  
های منطق حوادث آن که  
انصافی هیچ چیز حساب شده  
است ، مادر را برائت  
میدهد و اینهمه ناراستی ها  
و ترازدی ها را مخلوق شرایط

جنگ هم نوش تکانده هنده  
را پیش پایش گذاشت  
است . باری ماین هفتم  
به طور استادانهی داد راست  
روه دیگر فلم ، یعنی با  
نایش مرغ و پر و پر هایش  
نایانده من شود که مرغ  
یک ازجو هارا از خود  
میراند !  
فلم سایه ، گذشتاز اینکه  
روال جمهور زنگی را ، در رسیر  
زیست مادر و کودک به نایش  
من آورد . به همین بحانه  
جامعه رانیز با ایجاد وسیع  
در میازات آن تصویر میکند ه  
تأمیجه بودن تصمیم مادر را  
در نتیجه ساخت نا سالم  
جامعه میلته به زشتی ها .

# شیوه

کلکی جایی

رمان

۶

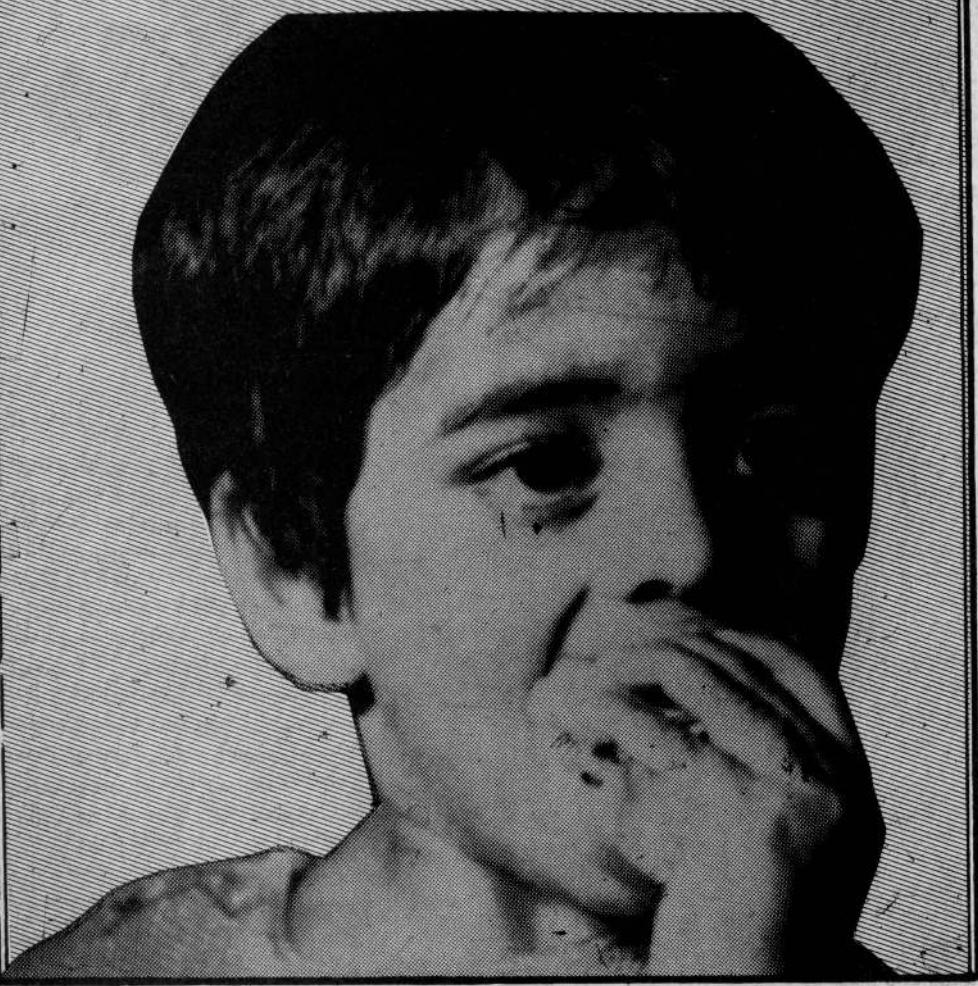


رو پوشنه در برابر چشمها  
شان ، پرده افکنده است .  
و هاهم ، آندر کرخت و در  
خود فرو رفته اند که اصولاً  
توجه حقش به خود ندارند .  
چه رسد به اینکه صدای -  
شمون کودک راشنده بتوانند  
در راقع این کودک ، بامرک  
پدره همراه بامادر و زن یکجا ه  
قبلاً نایود شده اند . زیسترا  
این کایه با افتادن عکس

زن در تکس است و گوش هم  
جاده رش عازد روازه آن هیرون  
مانده است . این نما مخفی استه  
است . برجاماندن تکه بی  
ازدن او و کتابتاه ، پاره بی  
ازدله او و تاه کید کید ۰۰۰  
و در این میانه نکلیف کودک  
چیست ؟ باری ، ماین مساله  
با زهم بازیان ناگویش ناده ها ،  
رویت من باید :  
نکس د ورس شود و گرد

ناگواری میداند که با منطق  
خا من ساختاری خود متابون  
در جامعه ما ، سهر کرد ماست  
هر بنده که زن ، جسم ای .  
کودکشمن برد ، ماما بیوند  
اعاطق و انسانی او بفرزندش  
آنقدر استوار است که همچه کا -  
هی ، گسته نمیشود . این  
ادعا به ومهله سهیله ای  
ظریف ، از جمله عنان فلم ،  
بر جستگی من باید . یعنی

جنگ هم بخوبی نشان  
داده باشد . یکی از زیما  
ترین نمونه های آن صحنه  
است که ، دیوانه بی نموده -  
هند بر روی زمین بجاید  
تبلوچه ، در همیشه جامعه  
هیبت را کم کند !  
توجه اینکه مادره چگونه  
مادریست و چنان می تواند  
فرزندش را آزخودش براند  
بال اختصار و زیما هم در صفحه \*



با چند تجربهٔ مختصر، اما ژرف و چشمگیرش، تاکنون توانسته است هیبت و سلیمانه خاصی را که همانا، پرداخت سخت هنرمندانه به مایه های روشنگرانه است، درگارش به ثبت برساند. او هتاکنون هیچ گاهی از این خط مشخص نلغزیده و در آرتشت سایه نگردیده است.

واما، فلم سایه، در کتاب اینکه نابترین و بیترین تجربه او در زمینهٔ سهناست، جایگاهش را در مقام ایج کوش سهندی افغانی از جست پرداخت بس نفس هنرمندانه و گزینش مایه های انسانی مشخص میکند.

بهم، گره زده بود و حضور آگاهانهٔ فلیبردار را در تماش لحظه های فلم، من توان باشکوه شاهد بود.

پکانه خلای فلم، در صدا کذاری آن، احسان من شود.

زیرا، در بربخی از برشهاي فلم، کیفت صدا، ناقص است.

از آنجمله، خوف ایفکت همه ده در صدنه ده وانسه، ضعف ایفکت توقیع موثر در صحنه‌یی که امکان تصادف باکودک را دارد، و بیزه، ضعف ایفکت ریکارها در آخرین تصویر فلم، خوبیترین ایج فلم را، از کیفتی مس اند ازد.

سخن آخر اینکه تصویرالعالی حساب شده بی، «ضخنها را

فلم نیزه که خود از چهره های جدید سهناست، نظر خودش را با موقعيت خاصه بازی کرده بود که من توان به اینندۀ هنرمند، امیدهای فراوان بست. همینکنونه، روی بازی «یاسمن یارمل» هنرمند محبوب سهناست خوش نمود جای حرف نداریم و قدرت بازیگری اثر را، تحمیم من کنم.

از تهمپ سازی نهایات غالی و موزیک من عالمی از آن که بگذریم، مونتاژ فلم، بادقت هست شده بی، «ضخنها را

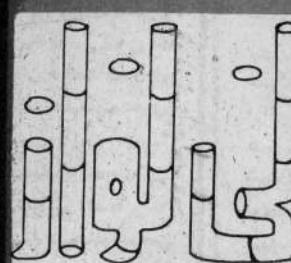
دسته جمعی شان و شدستن و رهاشدن آن از طب «تمام شدن دسته جمعی شان راه هندراند مهد هد.

یک از مزه های استثنایی فلم سایه، همانا، قدرتمندی عاطفه سی است که در فلم جان گرفته است و تاکنون، این، بالاترین معیزان عاطفه در فلیمهای افغانی است. به سخن دیگر، من شود کفت: فلم سایه، عاطفس ترین فلم افغانی است.

اگر به فلم سایه، فلم کوتاه است، و نخستین تجربه هاست کارگردان در زمینهٔ پرداخت یک فلم به سهله د و بیش سهنه، اما، با آنهم، گسترده و تمامیت یک فلم بلند را در خود نهفته دارد که این نیز وجه امتیازد یک فلم، من توانند بود، زیرا، در چنین ساخته های، باید، همه چیز اخصار و فشرده شود که در آنصورت، پرورش کرکر های ایجاد غضای عالم فلم را به مشکل ون بست، «موججه من سازد». واما، فلم سایه، توانسته است با گرسن و قابلیت بلند اثرگذاری عاطفس هنرمندانه و استادانه، مشکل بگیرد.

از همراهی های تحمیم برانگیز دیگر فلم سایه، همانا، نظر آفرینشی های آن است گه در این میانه، نظر عینده و اول به دوسر " عمر شهرزاد " گوبد خورد سال بود والحر که با قدرت اعیا اوری، در قالب خود، نیسته بود. زیرا، کار بالای گوبد در فلم، و آنهم در میان مردم و در فضای بیرون کاریست سخت دشوار و رباطت فرما که در این فلم، بسیرون کوچکترین خلاصی، در عسل، شکل یافته بود و عجب تر از آن، دینه که با ثبت دوباره صدا بود که باز هم، به سهله همین کوبد صورت پذیرفته بود و بادقت، همانکه باحالات قهر مان فلم، روی نوار آیده بود. « لطیف هم در دیار هنرمند دیگر.

د سیز به آذری آشکری کی د نز و نمود تود  
رلو هنگامی تماشای کولاچ شوای هله  
ستاند حنجری من نومردی شوی . ته اوستا  
د مخزنجور کر چی چیز خانه همان جمه باله  
اود هنگامی د پکی به و لونوکی تا و راتا کهد  
لای شوای . ای د سزا و سازده الهی ملکی  
تاجی دتل من توازی در بزنه اشای  
کی د مولانا کتی به ازدیه لوبن دستی  
محفل تود ساتلای شوای اودنی د نوا  
سرود سازد من نزد چمی بلکی ویا و هله  
تاد مستی کوچیچین ته د بلوست اوسلا  
کوله (هله د بله) شویها رو سلوچنرو  
((اروا)) حاضر په لای شوای اود سپین  
تمان د استکیدی للهی لوباد بی به تازه  
ساتلای شوای خونه د سازموجنو سره د  
میش عرض ته وختلی اود اسای غره هده  
چی د امید و نیمور ((آمو)) وته د اول للهی  
لوا اشتفتاهی اجازه نه در کله د همه د لمن  
به یت کی په شوی اویوره هنگامی اواحد  
ولی ستری تاخاری ، خبرکه ته درت  
ویس (ستاند ستری) بلاو خلم - پی  
دی ستری ولی سری دی ، ته ایش جانه  
وای : (ماصلی غرفه) دی دی ۱۱ ته ولاری  
د سوزد رب النع سره د شقق د سوخته و  
سره د مابای د توبی خیس لاندی بیمه  
شی ، هلتکم د خرابات زند لاره لری چس  
ستانک ته کبین اور تایغ کوچی  
د ((احمد ظاهر)) خونی نفعی پیام  
ثانه انتظار لری . ته ستری بقی کرمه  
اود دغه نعمود سر بد لوخمه را وکیه اید  
تی د نواهه هنگامی د تود ولوی نوازه )  
ته چی دلی دنواه سزا و سازه هنگامی  
د تود ولو نیازین دی . اور نه چیز نی  
چی د هنگامه سر بد لو تعلذی شی  
ده او د لته د هنگامه د تود ولو مرغی صرف  
خیوه د طویلچون د پرده ی پرخ بشکاره کری  
خود آچی د دردی اصلی خیوه کویی د بیش  
د لاله د تور داغ بی رنگ د سهای قرقی سره  
ملکی ده دغه حال د سزا و سازه از طاجنون  
تکنی زند بیو لای شی - دغه رازنی د افلو  
زی و مسوسه لیخواله لری . متوجه دخشم  
بات د زند اند بارده سازه نیه تاریخ د لزینه  
لورد زون و نویسه استاند زی پلک کند لسی ،  
اور د تاختنی ارتباچنون ععنی خخه نه  
بیلچی بی برهنی دلی دنواه لئو لیوس نی ، نی  
نوازه بد لته د سر دنر و تود بد لو هنگامه ته  
لیده کنی اید لته د تود و نز تود سر بد لو  
بیو دغه بیچرخ د بیچرخ یه اوس نوستا  
دنی د نوازنده دیره شوی ده اوس نوستاد  
نواد عرض بار ته د پرسی نافع بدل فوتی  
د خند لوبیه ته شوی دی خونه ) ته ته  
بی خود پاد زند را غلو پسرانی تونکی سره  
وزد همه پاد و تو د موجلو خخه همان و هش  
به دی تصور چی ستاد تی نواهه د عدد  
فناواردی سر دنر و نزه را لینی یهی د سود  
والی یه سنتی نزد مررتوب د خه تسل  
غوندی وش دنی دنواخا ونده دغه ده  
در دندا توهیله چی دا یادونه د قافل د  
سلا رخخه کفیزی همه اوتوند مهوله !



عکس محل تراوی



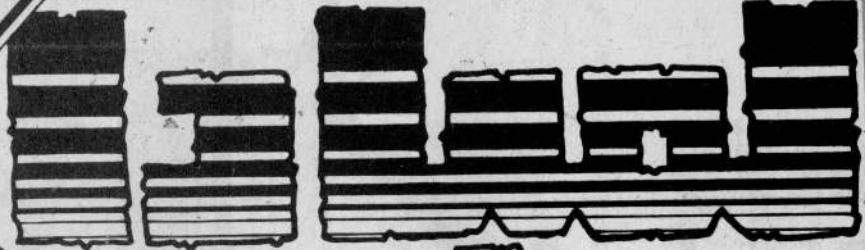
## ته نه هیونه ی

ای دلی نوازید هنگامی جمه و نکی ، ته نه  
هیونه ی ، تاجی د سزا و سازه روانکو  
پلاخسته اوسازیه سوزکی دی دغفری  
د دارزه برازی اخستلی شوای ، ته نه  
هیونه ی ، تاجی د (احمد ظاهر) د حنجری  
به و لوله کنی د ده د تاختنی ارمان خرب  
لید لای شوای این خله ((دادی)) نخی  
کی دی ، د زمان براسان د (ینوسا) د  
سترنی اشاری د مین د ناخبر میهنی کولاچی  
شواییه رستنی نیوازیه ، اودنی و هلو  
به سوزکی دی د یتگه سوطی و نزد  
د غرقه بی غرقه کی د یاقوتی و نزد خاکشو  
سرخ لید لای شوای بته هیونه ی  
تاجی د (احمد ولی) بی ارسانجن  
زی کی د مین د سر ولو باران فوسته او  
ددغه هنگامی بی اشادری د خوز من  
نیه د سلامله فوسته ، ته نه هیونه ی  
تاجی د (سیلاب) دی خودی د  
شعر بی زیمه کی ، د رمزند لاهو شوی  
من نزه غویته ، دانفسی جمه ولو د لیسا  
و تونکن د نزد سیبولاتن تود عیز  
قوقیه هیونه ی ، ته هیونه ی عکس  
د ((هنگامی)) د حنجری بی نغمکن  
د جان بی ان زند غلاته اشاری لری  
ته نه هیونه ی ، ایدی د نوازید رمزند  
سره د زمان تامزاده نعموره بی اشتا  
تی نوازه ، تعلواری خود ارمانه د قهر  
پرسود فاتحول د داع تازه کولو سره خواله  
کولاچی شی .  
تعولاری د سزا و سازه حم دی سر  
پرچند ، ته ولاری اودنی د تاییار مان  
تاختنی بات شو . ته ولاری اودنر و دو  
د و پنلولو ای ایارلورخت دی بی اهنت  
پرچند .

دد ی د روان د خرابات زندان دی  
به زند ی کی د حیوت سینه ته لاهویه  
کره ، بی هنچم چی هله اودنی نوازی  
(نوا) گله هنچمود کاروان د سالار اود منزل  
ته رسید لوتنه لری هله ای هله چی سازالله



جهنم  
سلطانی



# چگونه آفریده شد؟

امروز  
لهمادار همه  
سالونهای رقص جهان مودشده  
است

پارقص تانکو و برجمند بسا ط  
آن به وجود آورد ولی در آن زمان  
هیچ فردی حاضر بیه بود  
و ترویج این رقص نبود و از طرف رفیق  
هم تهیه و پخش روز افزون فلم  
های رقص تانکو توسط رودلف  
والنتینو از جمله معاملی  
بود که لهداد ارامحکوم بسته  
فراموش ساخت و در نتیجه  
پایلو رباند بیزار پس از ناکامی  
دست اورد شر و ما پرسی از عذر  
پذیرفتند شدن آن را مسماه جوت  
از کشورش را در پیش گرفت روانه  
بولوی گردید در شهر پاسار  
مسکن گزید تا اینکه در سال  
۱۹۵۵ در هر همین شهر مرگ  
سراغ این اکتوبر و قاص کوبایان  
را که با فقر و الکول دست  
و کربیان بود گرفت و بدین  
ترتیب پایلو بینهایند از لهداد  
در غیرت از وطن در دل خاک  
آرام گرفت.

درست د رهیون سالها  
رتم ایکه فراموش شد  
پنداشته بیشتر د روسان  
مردمان فقر و تهدید شد  
ریشه های قری دواند تا  
اینکه در سال ۱۹۸۳ گونزالو  
هرمزوا و لیزس هریزو ازیسو  
بعده در صفحه (۸۸)



مئه و خیلواک از کودکستان دوستی

اوچهور لارسک تولید  
کننده آهنگ سینهای فرآست  
چهره بی که معرف اصلی رقص  
لهداد در جاتیعات مسرم  
و مخالف تجارت این  
محسوب میگردید معتقد است  
که رقص شعری کنندما از نظر  
معوانی "عطاهقانه" لهداد  
در سالهای آقرن ۲۰ د ر  
سوزن کهی آفریده شده  
است اظهارات ایکه اولین  
بار در روزنامه اسهامیه اس  
لکتوریس به شرکه  
به همه نظریه های پیشمن  
در رابطه به پدایش لهداد  
نقشه پایان گذاشت  
ولی بالآخره ایجاد  
کننده این ریتم کیست  
به اساس ادعای لارسک  
این رقص ابداع و اغراقی  
بک مرد ها و انسان های نیام پایلو  
ارماند بیزار اینها شد که در سال  
۱۹۶۰ آنرا در مالین های  
رقص پایتخت کدو رکن  
به نمایش گذاشت لهداد  
طوری ترتیب و تنظیم شده  
است که حرکات رقصان بسا  
موزیک هاواز و اهنگ میک  
ارتفاع و شیاهت همگون و ا  
دارد بدون شک پایلو رساند  
بیزار این رقص را برای مقابله

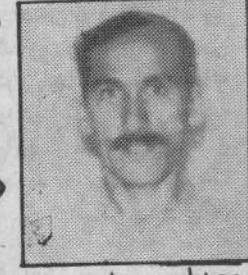
# فِسَنْجَنْ

فهیمه و سک

فعیم در عکس پادشاهی (۱) با نظریه



بهروز مادر محمد امین



محمد امین، مینیان، بهروز، ها

که جن های آدمها چن کونه  
بیروند میباشد؟ به همین  
تفکر فرو رفته بود که احسان  
کردم هکس دسته "چارهای پس  
قوارد ارد و مرا بلند میکند".  
این عمل یک بار و دو بار و  
چند ن بار تکرار شد. دیگر  
ضرور نبود مهربودم کنم کشته  
زیرا میدانستم که در اتاق موجود  
دیگری وجود ندارد. پس  
حقماً دوستان دیروزه میباشند.

استند. فقط همینقدر رفت  
که "چرا مرا آزار میکند"  
از چن میخواهد؟ "در"  
همین اثنا دیدم که زن آنسو  
تردنی را چنانی نشست.  
لطفاً لطفاً لطفاً بروزداید

وقاب مهمانان بسیار کسر  
برداشته شده بود. اهرم لیلی؟ در همین حرف  
های بودم که نواسه ام فهمه  
وارد اتاق گردید. فهمه  
بادیدن آن حالت تعجب  
میکردم. کوشش نمود نتوان  
کرد. من به خاطر آن که  
ها از موضوع چیزی نفهمد  
شب را با همه تشویش به صح  
رساندم. و پیاز و روغن را برداشت  
آن را پخته بگردید. فهمه کت  
نهایاً بودم نواسه ها، همچو  
من مفترسم بیو جان، من بـ  
آشیخانه رفته نمیتوانم. من  
کمک مسلمان استم بن همچو  
نمیروم". در همین اثنا نواسه  
تزویدی به موجود بیت جن  
ایمان باور دارم. زیرا خدای اند  
از چن میخواهد؟ "در"  
همین اثنا دیدم که زن آنسو  
تردنی را بارها به آن اشاره  
فرموده است. اما نمیفهمیدم

باز هم فکر کردم "شاید تو نام  
های هم آزار میکند هند. لحظه  
عن ندشت که همان صدای  
دیواره تکرار شد. من از این  
که کس را خوبیدم، نمیتوان  
تا و بالا شدن را به چشم  
و چاکنند. اشتم "شماکی  
استند آیا تنداند که من  
توان چیزی بخشن راندارم؟"  
صدا همان سخن اول را تکرار  
میکرد. من به حسرت و وحشت  
فروخته بودم. که ناگاهان چند  
ناکجا لو و پیاز به روی انسان  
پرتاب گردید و سینه همک  
خریطه گل خورد پلاستیکی  
که در آن مقداری روغن بود.  
بعشکل خود را از چانهای میباشند  
به روی اتاق خزانه هرچند.  
ترور اشتم، افتاد. هنوز در  
موردن اندیشه به بودم که  
سوسی و چاری و هم منظر  
تاد هم و هشتراز آن رقم  
بلند بروز نمیباشد. همچنان  
میخزیدم با صدای شنیدن  
ویک دوقاب برای خود گذاشت  
شتم. ویک قاب هم با همک  
پریجه نان، آنسو شست.  
نامهمانان نوش جان گند.

من کوشش کرد نواسه هام  
وف نان خود را شوند تا بهم  
و هراس شان کنترکرد. غذا  
خورد مشد همانان خشک

بهروز بودند. من نمای پیشمن  
را داده بودم. روی چانه ای ارام  
گرفته بودم. که توته گالی  
به روی اتاق افتاد. فکر کردم  
شاید بسبب بارانهای زیاد  
از سق خطاخورده باشد.  
هنوز فکر برای جمع تکرده بودم که  
پارچه دیگر نزد پنجه کشیده  
تاتا چند گام ایکه من روی آن  
و گویی چشایش پیشنهاد  
می‌رایم. مهدیدند به قسمی  
اش آغاز کرد: "دریک خانه کاهگلی  
د رکارته نوزندگی میکردیم.  
درخانه فقط خود مازنده گش  
داشتم. من پیغم امین جان  
خانم. نواسه ها، روز  
فکر کرد. نشود کنیا سه هام  
بامن شو خ کرد. ماشند در  
همین فکر بودم که آوازی بـ  
شیم رسید. "برخیز چیزی  
من کنکرسته استم."

## ریا و افعاً در یکی از خانه های شهر کامل پیرامد شد

## ۰۰۰ آنها کویی که پیرامد ها دارند و نامه هایی و مظیقه اند.



پاره‌یی از مرد دوم

" ب رخیز - ای که عزیز من و در جشم من نهاییم [ - برخیز و بیا  
نکاه کن که زستان گریخته است . فصل پارانی به آخر رسیده است و گذشته ،  
و روز گار سرود و دستان بازآمد است .

xx

نکاه کن که گل هابر سرا سرخاک رسته اند  
بخار نیاز من آید  
واواز قمری درولایت مائشنهده من شود  
جوش سرخ مووه " نورانجور بن نشته است  
و خوش‌های به گل نشته " تاک هبوی خوش من پراکند .

ترجمه احمد شاعر

" لدارمن ازان من است و من ازان اویم به تمامی .  
همجون شبان جوانی که اشر را در سوسن زاران به چرا من برد  
وریماهان جوانسال و که تاکستان های پرکل را تاراج من گشند -  
دلدار شاهوارم رمه " بوسه هایش را در سوسن زاران من به گردش من برد  
رمه " بوسه هایش را در تاکستان من به گردش من برد .

و یکان را از برای من به دام افکید [  
شبان جوان را گرفته به سوی من آرید ]

برخیز و بیا - ای که عزیز من [ - برخیز و بیا .  
برخیزهای کیوتمن که در شکاف صخره هالانه داری های کیوتمن  
که در جای های بلندی نشینی [  
بهایکه مرا از دیدار روی خود شادمانی بخشی واژنهدهن آواز خوش  
نشکته کسی .  
که صدای تولد ریاست  
وروی تو دلربا است  
در برترین مقام از دلربای " ]

په هنگام که نسم عطر آکین شامگاهی بر من آید  
واسایه های درازه برخاک هی رنگ من شود  
شتایان به سوی من آه ای دلداری هنای من [  
از دل کوهساران درهم و آبکدهای بتره شتایان به سوی من آی ]

○ ● ○

# وخت

وخت من لاسوکي اتكى اچوي

نه من پېیزىدەي چى پە دى تىرىوا و سەھر و مەرەكى  
زە در تىگىن تىگىن گلانتوخىم و شەندەمە

وخت من پە لامكى اغزى كىلى •

زماد پسو پلۇنە •

دا غۇرۇخوک چەچەس •

- چى دگلۇنۇخىت تە ونە رىم -

وخت پە ستر كۈدۈرۈي

سەپەرى سەھرە خىلى •

خود لەلا پەتىسىرە

د نازىد كلۇندا رە ونە كۆم

وخت من دكىن دنارنجۇ باغى اور لىگوى •

چى دنارنج گلۇنە •

د شەنکوپانولە شا

زەور دكىلى خواتىھە

د لمۇ د سەپەنۋۇز بىنۇ شەقلى •

د هەر كىل لا زى ونە غۇرەرى

وخت سو خۇي زما خانگىنە دحالاتۇ پە اورە

چى دلەلا دىخوب پالنگە پورى •

وانە لۇزم •

خۇزە بە وشەندەمە •

سەپەر و مەرەكى د كلەنۋاداشى

خۇزە بە خان و مېنھىم •

پە كلەخۇنۇك د كلۇ پە عطر و تۇرسە

زماد كلى دنارنج گلۇنە •

د لمۇشغۇلۇتە بە دەپىش ستر كىنە دەرىي •

اۋزە بە و نازۇم •

د خەپلى مەنى د لەپەلا پەتىسىرە

د نازىد كلۇ غۇرتىس •

اچىز زماپە لاسو •

د نازىد لۇ د شەپبۈرە ھەيلە •

خۇزە انتظاپا ياسى

# دورانگۇغۇنچە

## اوئورلا سونە

زە ور ئىلمە

زماپە لاس كى وغۇنچە •

- د سەپەنۋىسىپتەر و رانڭو -

د پەر لەپەپشىن فصل من لەنگى و

د لمۇر لە د ورسە •

باخ من پەر اپتىس وو •

زماپە و واندى •

د سەپپەپشىن دورى دلۇ سازاتە •

د بىوي مەنى بە پېتىس تىشىدى •

زە ور ئىلمە

خود زە ورە كى - بىز قىروت

بىو گىرد و هللى •

زىنگى وەلى زەنخۇر •

اولە تارىخ نە باش شوى •

بىوي زىرى ئاتلى •

ورتە بەھرى كولى •

# دابىت پەمنىركى

دەھىن پەسىن اپتىر كەخىم  
ھەر خاي  
او ھەر مەكان سەرگىردا نە لەتىم  
خو !

نە بىس شە مەندىلى •  
زما جۇنگىرە كەپىنى دە  
اۋكىم خۇزى ... دى تىرى نە لا ۋەن  
بىما پەر لاس نە راخى  
زەمەختىتە !

ستا مەكان بىي بايە دى  
ستا زەمان تىل پاش دى  
زە اوس  
دەھىن دەمەنلى لە پارە  
ستاد راكا تە راغلس بىم  
ستاد ماپاسامنى آسامان  
تىرنەلى كۇنیزىلەندى و لادىم  
اۋر خەپلۇ لەپەپلۇ ستر كۆنە كۆرم  
راغلس بىم

اودا بىدېت پەر پاتىن ولا بىم  
دەلەشە هېيە شى نە فنا كېزى  
خو !

زما لە اوپىكىرەپ كى سەرگى  
نور نەشى كولى  
دەھىن د سەكلەس بىن  
اودەھىن د خومس  
نەندارە و كىرى  
اھ !

زما دەغىھە بىي شەرە زۇند  
دوب كىرى

دابىت پە سەمنىركى بىي دوب كىرى  
خىر

بىر بىزدە •

چى دەھىن دەپىش لە خوارىو خەختە  
پەوازى  
دیو حىل لە پارە  
بىشمە خوند واخلى !



# شهرکارهای سینما و رانگی ساختند

دانشمند است در حالیکه  
چندی قبل لباس را که  
پوکارت داشت و تن داشت  
به للام گذاشت شد و نیک  
آن نصاری بود به همین  
ترتیب تغیر نیک چشمان میخواست.  
ترابوی ملک دنالد جو میباشد  
این حققت است.

شارل باول معاون غریک  
تکالوزی رنگ میگیرد: "ما  
به نتیجه اصل فلم کاری نداشتم  
نم آنرا دست ناخورد میخط  
مشانیم، بلکه از زنگها میمانیم  
استخراج به عمل میبریم  
که فلم روی تواریخ میگیریم ثبت  
شده باشد. با این اکسر  
تن چند علاوه شناسای فلم  
های سینما و سفید باشند  
میتوانند تلویزیون های همان  
را هنگام تماشای سینما  
و سفید بازند."

دستاوردهای فعالیت دستکاری  
های رنگ پردازی اینست که آنها میگردند. بدینهای فلم  
که آنها میگردند از اینکه  
تصویری پیش داشته باشند  
نمیگردند. آوردن که این  
پرسنل را معمولاً به لایه  
فلم های تنهی شده طی  
سالهای قبل ازدهد" - ۰۰

طبقیق نمایند. آنها عقیده  
دارند که با وجود مخالفت  
های مختلف تصویری پیش  
احتفاظ رنگ آمیز میگردندند.  
این پرسنل خالی از اشتباہ نیست  
باشد. شلاده در کاری رنگی  
فلم (کاسایلا) هوفمیری  
پوکارت پالهای آبی رنگ نمایش

ملو از اکردهای اکتسن  
معروف سینمای هالیوود است.  
لعن مازوی یام (پیش شهر  
میخوابد) است که سینما  
در عکس اورا از کارلیوس  
کولههن در صحنه من انسن  
فلم من بینید.

رنگی بوده و دوست ندارند  
از کشت های پدیدهای سینما  
و سفید استفاده نمایند.  
تحصیل تجربه با غسل  
"شاهین ایخار" و "کاسایلا"  
انجام شده از دیدار ده برابر  
فروش کشت های پدیدهای را  
در قبال داشت.

در حال حاضر فرست "تیر"  
تیر دو هزار فلم معروف را که  
به طبقه سینما و سفید تهیه  
شده اند برای رنگ پردازی  
جمع اوری نموده است که  
از این مرکز سالانه میلیون  
ده میلیون دلار عاید دارد.  
رنگ آمیزان فلم های میگردند:  
(برای دارا و دن میکنند)  
سینما سفید به شکل رنگی دستی  
سه هزار دلار مصرف را ایجاد  
میکند) روزه میبریم شرکت  
کت تورنیر میگردند: "این عمل  
تکمیل ساده می رایجای با  
میگردند. بدینهای فلم  
روی تواریخ میگیرند نخستین  
تصویرهای پیش داشته باشند و  
بیوست و پنجهزار نتیه خمیس  
کوچک شخص میگردند و سه  
توسط رنگهای بخصوص قدرت  
های مختلف تصویری پیش  
احتفاظ رنگ آمیز میگردندند.  
این پرسنل خالی از اشتباہ نیست  
باشد. شلاده در کاری رنگی  
فلم (کاسایلا) هوفمیری  
پوکارت پالهای آبی رنگ نمایش

**عقیده می وجد دارد که:**  
**شھکارهای بزرگ**  
**سینمای را باشد دست**  
**ناخورده حفظ کرد.**

**و باز میگویند که:**  
**استعمال زنگ از**  
**جزایت فلمهای**  
**معروف سینما و**  
**سفیل میگاصل.**

"... شھکارهای بزرگ میباشد  
این را باشد دست ناخورده حفظ  
کرد..."  
استعمال زنگ از  
جدایی فلم های معروف  
سینما و سفید من کاهد  
با اظهار همچو جملات تنس  
چندان میخواهند که هنرده و  
اکثر بازمانده کان سینما  
کران نامور نیمه قرن بیست  
دیگر روزه علم آنانیکه فلم های  
سینما و سفید را زنگ ساخته  
وی شکل کشت های پدیدهای  
بازار جهانی عرضه میارند  
قد علم کردند.  
جان هوتون دایرکتور  
فیلم سینمای هالیوود و نیوز  
قبل از مرگ رنگ سینما ساختن  
فلم های سینما و سفید را عسل  
ابلخانه خوانده بود.  
این موضع امروز سرحدای  
نیادی را راهی الات متحد  
amerika بینانموده است. وودی  
الن آنرا اهانت بعلت زنگ  
همداد نموده عقیده دارد که خلاصه  
همچکی حقچنین عمل را  
ندارد. و سنه شهابرگ حق  
در سطح کانکرس ان موضع  
را مطرح کرد در جواب این عده  
سرحد اهاد است اند رکار ان  
پرسنل رنگ پردازی فلم های  
را عقیده بین است که امروز  
مردم ایالات متحده سایر  
کشورها خواهان فلم های



میکلن پلاچید و با کارگردان سینمای افغانی  
ولی لطیفی .

پلاچید و در لباس افسر شوروی نماید و میشود  
وی در فلم شکست افغانی نهضت افسر شوروی  
را به عهده دارد .





# حکومه اتفاقی می افتد

## در زندگی افرا

کلمن بازیک گذام با تحویلخانه کشید  
هدف قرار داد و بعداً به یک تهاشت فر  
کرد  
Andrew  
14 - نام های ( Booth ) قاتل لینکلن و  
Harvey Oswald ( اولد ) قاتل  
کیدی هردو ۱۵ حرف دارند !  
۱۶ - همه من دانم که " اسوالد " در قتل کیدی تهاشید و شنیک جن ها را  
داشت است . در مروره " بوت " قاتل  
لینکلن نیز همینطور بود .

در مجله " که در این تیکی جنوب چاپ می شود منتشر شده است .  
لینکلن در سال ۱۸۶۰ بهی است  
جمهوری رسید و کیدی در سال ۱۹۶۰ .  
۱ - هردو رئیس جمهور در روز جمهور  
کشته شدند .  
۲ - هردو با پنیر گلوله کشته شدند که  
از پشت سر به گله شان اصابت نمود .  
۳ - هردو رئیس جمهور در حضور  
خانم شان کشته شدند .  
۴ - جانشین هردو " جانسون " نام  
داشتند .  
۵ - هردو جانشین ، عضو حزب دمو-  
کرات واژه ای جنوب امریکا بودند .  
۶ - هردو جانشین عضو مجلس سنای  
امریکا بودند .

## ۱۰ آنفاس

علم قواردارد تامل و تکریت ایم به بجای  
که به بروخی از سایل که در (ماوراء)  
علم ) قواردارند اهاره کنم .  
ساحران ، علم سازان و افسار  
کنده گان ارواح پیشتر اوقات به تنازع  
ارواح و حلول آن از کالبد یک انسان  
در کالبد انسان دیگر نیز عقیده دارند .  
آنها عقیده دارند که مثلاً تاریخ تولد  
ماه تولد ، سال تولد ، لحظه متولد  
حتی نام ادم ها جز از سرنشیت آنهاست .  
این مسائل را انتهی با علم نمی  
توان اثبات کرد . ولی مثال هایی می باشد  
که آدم را به تکریم آندازد .

# آیا شما به حلول رواح باور دارید؟ نسخه ۱۰۰میلیونی وجود دارد که ...

۷ - اندروه - جانسون " جانشین  
لینکلن در سال ۱۸۰۸ و لینکلن  
جانسون " جانشین کیدی در سال ۱۹۰۸  
تولد یافته اند .  
۸ - جان - هلکس - بوت " قاتل  
لینکلن در سال ۱۸۳۹ به دنیا آمده بود  
و " لی - هاروی - اسوالد " در سال  
۱۹۳۹  
۹ - بوت " اسوالد " قاتل از اینکه  
محاکمه شود به قتل رسیدند .  
۱۰ - جان کیدی " حلول کرد " مخصوص  
و عجیب تراویته روح ، بوت ، قاتل  
لینکلن نیز رکالبد " اسوالد " قاتل  
کیدی حلول کرده بود !! آیا می توان  
جنون سخن را باور کرد ؟ خاید نه .  
اما انسان های مشکوک که در زندگی کسر  
و مرگ لینکلن و کیدی می بینند آنقدر  
حرمت انگزاست که آدمیرا و امداد را که  
از خود برسد . (( آیا براست در میان  
حادثه قتل کیدی و لینکلن ، رابطه  
نیست ؟ و اما این آیه ها ، خان از -  
زمان و مکان و خارج از روابط محولی  
و محدود روابط بین ایوب گنج و نافعه  
دیگری وجود ندارد که بر سرنشیت شان  
حکومت کند ؟ ))  
به بجای آن نشان های مشترک را که  
گفت میان زندگی و مرگ لینکلن و کیدی  
وجود دارد بشنید " این مطلب عجیب  
گدام غواص کرد و " اسوالد " کیدی را از -

دستی اسرا را منیر ما



در کار دستاوردهای علمی حیث  
انگلیز چون فتح ماه ارسال سفارت  
به دیگر سارات مانند میخ ، زمروه  
و پیغمبر سعی جادو ، شفادادن بهاران  
از ناصله دور هینوشن ، سایر شیوه های  
ماورای علم هنوز ملموشه از ورد را در  
 تمام جهان بخود خرافات تو پیش  
در باره ( وهم و خرافات ) توضیح  
پیشتری لان نیست ، چونکه همه  
می دانند که اوهام مجموعه ای از اختلالات  
و تصورات ماست که در عالم واقعیت قابل  
ایدای نیست و فقط ذهن خیال برداز -  
آدمی برای توجیه ، تضمیم شخصیت  
دست که در طبیعت مادر زنده گی شخصیت  
معنی دهد و او دلایل برای این داشت .  
این اوهام را می آنفرماد .  
ماورای علم چیست ؟  
همه می دانم که حتی در صریحه ای  
دانش پیشیزی به هر حال محدود است  
و جواب همه سوال های پیشنهادی می رانمی  
دهد . خلیل با جزو ادعا شاتا نا واقعیت  
دارد و نمی توان از اینها انتکار کرد . در حالیکه  
فعلاً پادشاه علی و پیش ایشان نمی توان  
می تعداد آنها را اینها را رسانند .  
دنیای درویش انسان و نیرو های پنهانی  
وجود او ، استعداد های کنکنندگانه ای و  
آنقدر . اصرار امیز است که من توان  
کفت هنوز انسان ناشاخته باقی  
مانده است .  
ما باید وهم و خرافات را مکسره و می  
تردیده و کنم . اما در باره آنچه در ماورای  
جهان نیز بگویم .

# مکالمه کردند

## سالانه رسانی

### رای پوپ قیل



شیرمحمد بعد از فوت خانم اولی خود به  
فکر گرفت زن دوست افتادتا اطفال صغير  
اور زيرمال خود بگورد . با پيوه زن به  
نام فیروزه که از شوهرها اولی اش صاحب  
دغورند بود ازدواج کرد .  
همين که فیروزه همراه پاد و طفل خود  
بمانه شهر محمد آمد ته تنها اطفال قد وهم  
قد شهر محمد زيرمال فیروزه آرام نگرفتند بلکه  
فضای خانه بمشتريته و خير قابل تحمل  
گردید .

از همان روز در خانه جا رونجاي  
اطفال بعراوه افتاد . کسی چه مي‌داند  
شاید فیروزه که از يك سویه نام ياد راند ر  
به آن خانه آمده بود لطفاً بالپوش سا  
ختند و از سوي دیگر شايد و طفل آشاني را  
که ناگهاني چون سارق می‌زندند  
تحمل کرد و نه تنها نستند طبعاً فیروزه هم  
د و منافقه ها طوف فرزندان خودش را  
می‌گرفتند اهريز و هر ساعت در خانه چهار  
و چنان ولت کوب اطفال صورت می‌گرفت  
اطفال شهر محمد بزرگ می‌شدند و قد من  
کشید ندا عاقده هانیز همراه با انعامه د  
می‌گرد . تا آن که پانسال قبل پدر، پسر  
بزرگش اسحق را برای همیشه از خانه کشید  
اسحق بعد از ترت خانه به خدمت سیمازی  
پيوست . پانسال بعد داشت هواي  
دیدن خواهان و برادران به سوی خانه  
پرورد . شب بود که به خانه آمد . تصویر  
کرد با استقبال گرم اعضای خانواده روی سرو  
پقیه د رصفه ( ۱ )

# قتل به عاطرست

به تاريخ لا جوزا آمریت جنایی قوماندانی  
خوارند و همراه کابل تله‌فونی اطلاع  
من یابد که درسا هم پاچرخی بخورد .  
سلطانه صورت گرفته است .  
گروپ او بر اتفاق که همیشه آماده  
بروس چنین واقعات است به این رفع  
وقت پنهان حادثه شناخته درنتجه که  
ملعوماتش که از اهالی بدست من آید  
معلوم می‌گردد که قضیه بررسی خود و فروشن  
پنهان بوده است که فروشنده مشتری  
بمن خود به تفاهم نرسیده داشت  
که گریبان موشوند در جریان زد و خورد فهر  
سلاخ کارابین صورت می‌گردد که درنتجه  
پنهان شنوج هار زخمی به جامیکارد .  
نمایه ۲ تن از هر دو جانب در توقيف  
فراردارند ولی این که فیروزه سلطان  
کسی صورت گرفته تا هنوز همچکدام از  
نهضون اقرار نکرده اند شاید تا آن گاهی  
کسی از هجا پراید سرنوشت متهمین  
نعلیوشن گردیده باشد .

- هرگز پول دارد ارای  
یک شهطان است هرگز  
پول ندارد ارای دوشهطان  
است .  
- تونیتوانی دهان مردم را  
بدوزی .  
- کوههاتکان خوردند موش  
بدنه آمد .  
- هرستنگی کمپتر سقف خانه  
همایه ای میاندازی روی  
سرخودت میافشد .  
- دندانهای پیران درون  
فکهان است .  
- هر دخت بمهه ای کمپو .  
- اش خود بخود میافتد مندان  
کسی کمپرچر چنگ میزند  
همچرا مکمتواند گرفت .  
- همچ خوشبخت نهست که  
بدخشن سایه ای برآن نهند  
اخته پاشد .  
- آنچه از دل همرون نماید  
بردل نمی نشند .  
- تونیتوانی به عسل دست  
بزن و دست رانلوس .  
- راه شرف و افتخار آن سرف  
ساخته شده لذا خیلی زد آب  
میشود .  
- برای آدم زختکش قرض  
نانی دن بست هر دخت و سکه  
بولی نزه هرستنگ نهفت  
است .  
- آنچه چاره ناپذیر است  
باشد استقبال کن .  
- آنچه که تنهی نناید هر است  
از دل هر و کشنا راحت بسا فی  
خوش و آند همایه  
دیوار بد پیار یکدیگراند .  
- عدالت خیلی زیاد قالبه  
بن عدالت است .  
- آنکه لئک است دوست رازکس  
که نشسته پیش همروند .  
- آنچه را کشتوانی ازد است  
بد هم بد و موت وام بد .  
- عشق مملو باعسل وزهراست .  
- زن عاقل ترجیح مهد هد  
بامردی ازد راج کنده د وستش  
دارد نه بامردی که مسورد  
علاقه اش میباشد .  
- اگر از شه فرار کنی نهشش  
تغیر خواهد بود .  
- روی دنیای آرام هم کس  
درینورد است .

ضریب المثلهای سلاکی  
- بول موقع رفت دارای صد  
مجبوی .  
- درین کاوان هگا ورقاضی  
است .  
- مواسم و قانون خواهه ران  
یکدیگراند .  
- هر روز را بترین روز خود  
بد آن .  
- اگر روزگوته استعمال کوتاه  
نهست .  
- دیگران را بخش خود را  
هرگز بخشن .  
- انتظار نمک نداشته باش

باله بیرون خواهی آمد .  
- بول موقع رفت دارای صد  
یاست و موقع آمدن دارای دنیا  
درد و افعی رانمیتار پنهان  
کرد .  
- مانند لایون برد بار مانند شیر  
دلیر ، مانند زنجیر زعفران  
و مانند پرندۀ خوشحال و مانند ط  
باش .  
- از نمیخواهی بیاری ، بسانی  
مکن .  
- کشک هرگز چیزی نداشته  
فقرینیست فقیر کسی است که  
دانش است و از دست داده  
است .  
- دعوا و شیمانی خواهه  
برادر زند .

ضریب المثلهای طبرستان  
- در موقعیه از نعمت  
و افرید خود را بیول هم  
وهنگ افلام و خوارمکن .  
- هرگز اخواهد کرد .  
- در کشنا پایهایان آنکه  
یک چشم دارد خیلی چیزها  
می بیند .  
- شمع هیچکس تا پادان نمی  
سوزد .  
- پیران پیرمان مهیان به  
استانیول رسید .  
- هرگز به گز خواران نه هد  
به موشها غاده هد .  
- به منزیق پده که ام من  
گریه که رفیق که باش پنهان د  
باشانی خودم یهادیش میکنم  
- و اسعار فقایی بدی هستند  
- برای تولد فقط یک طرق  
هست برای مردن هزار طرق  
- سک که پیکاره بزد خانه  
دانوب شاکرده بازهم ران  
شاخواهد کرد .  
- ولود شدت مانند موج  
باشد از اوهجان بزد رها ش  
که از شیرد و بیمه کنی .  
- آنکه از همه کم تابع است  
صیکد و چارا شنایه بزگتری  
است .  
- زنیاه احق با یک پاره های  
زیگه ما هرچارما گرفتا بینهود  
- هم دشمن بیرونند تسر  
از طلایهت .  
- می اشته و درهم احتیاج  
به شانه پعن دارد .  
- اگر دند سرنیخواهی روابط  
را باد پیوان مختصر ترکن .  
- اسید زندی است .  
- سازاب مانند پاند و سست  
نکاهداری کن و مانند بیک  
د شعن سوارش شو .  
- گزینی چشم دارد .  
- بیماری لیتلریت میا بد و گلم  
گل میورد .  
- برای اینکه مفرز را بخری اول  
بومت را بشکن .  
- اگر عدالت نمودی بن عدالت  
هرگز خواهد مرد .  
- هر وقت در غ میگیری طردی  
در غ بتوکه خودت بار دکس  
سخت راست است .  
- ازد راج در جوانی خیلی  
زد استواره راج در جوانی خیلی  
د غر .  
- بد بختی دم د راری دارد .  
- اگر داخل آسیا شوی الوب

# مردم میگویند

لزکایه ضرب المثلهای



ولی مگدا شن بر توپه خون بزند .  
- در مقابله نمک انتظار نمکی  
نداشته باش .  
- دروازه های جهنم همیشه  
حت هنگام نیمه شب باز است  
- اسب تند روز و خسته بیشود  
- شوهر سراست زن تاجیس  
است که رویش نهاده اند .  
- زن زیبا احتاج به سه  
شهردارد : یک شوهر  
برای تصفیه بدی ها یک شوهر  
برای مساقیه یک شوهر سر  
برای لوت و کهیب کرد .  
- بیماریهای دردناک بهتر  
از بیماریهای بیش دند .  
- عدالت قدر است .  
- عشق اسارت همیش است

موقعيه باران میخواهد بیاید  
با چند قطره شروع میشود .  
- برای مرد فقری حتی خوش اوند  
او دشمن است ، ولی بسراي  
شروعه حتی دشمن قم و خوش  
است .  
- زنگ زنگی در طلاق زنده ارد  
مرد بیمار کم میخورد ولی  
خرم میکند .  
- شماست وانید عمق همه چیز  
را لاند ازه بگیرید غیر از عمق سلوک  
را .  
- زمان بزد باری بزرگ توت  
راتید بل بیاریش میکند .  
- هرگز ترین گاماینای است که  
گاهه را نشناش .  
- وقتی که سر بر تک گام نمیشود  
د مکان غاشی را متتحمل میشود .  
- شماست وانید شکم ثابت اقوی  
بزینید .

# سیزدۀ شورا و شورا

## کامپانی و فواید از کابل

### آن نیاز دارد.



**عبداللطیف نورزاد شاروال**  
نتخبو درباره حل مشکل  
شهریان کابل صحبت  
نمود



# کابل چونکه باشد؟



راتصادی را برم زد و سر  
خود سری کام و کام در تهیه  
مرفه مواد غذایی به وجود  
آمده است سیمین تجارت  
شهری ایجاد نموده نظر  
گن را مینهای سیمین کتوه ل  
برخها خود به طالع پنهان  
یعنی قوه مدل شده بود تیکی  
نداره صرفاً آین کنسرول  
کند های براي خود سواد را به  
قیمت ارزان به دست سیمین  
شاروال کابل در نظره ای دید  
موره نیز تجدید نظرنماست  
به جای اداره کنترل قیمت  
تعمیر مواد غذایی را  
وجود آورد و در جمیع سکون  
اسه رهبری جدید در مردم  
خدمات کلیه پهلوه رفع  
سینه ها، هنرها، سرمه ها  
رکھه ها وغیره تغییراتی به  
وجود آید. پخته خواهد بود  
گرفتاری کابل به جایی  
بود اختن به آنها سایر  
این سایل پیشنهاد است  
در دست کارش به چند سوال  
اطلس و اصلی مردم جواب  
داده و چند مشکل زیستی  
و تعدادی راحل و مسلسل  
نماید.  
بین ای از مسائل دیگر که  
با به باشوارال کابل مطرب  
میگرد سله تامین شهرکابل  
از نظر مواد غذاییست زیرا  
مشترک است.  
نظم و شوزاره نهاده شده

مورت پکنید به سیزدۀ کابل  
ساید مده بد هم که طرح بلان  
تقطیف شهرکابل به کمال  
و همکاری سایران ممل متعه  
تکمیل گردیده که اما من  
آن در رسال جاری تیکی  
های جم آفری کنافات که  
دوازده ناحیه اکمال خواهد  
شد.

سیزدۀ شهرکابل شری  
آست که مانند اب و هوا  
شهریان این به آن نیاز دارد  
وی این سله بد دون مواظه  
بر علاوه دستاه های دولتی  
دستاه های مردمی سازمان  
سرمایه داران ملی رانجت شری  
یق به کارنامی تاد رامسار  
ساخته های رهایشی بلند  
بر دون همکاری تجارتی  
منزل ساخته های تجارتی  
و همین المثل سیزدۀ شهر  
بود طن که شما قبلاً گفتید  
و همین تنفعه هم بگیرید  
و همین طبق از تغییر ساحت  
زیعاتی و ساحت سیزدۀ شهر  
باید همینه شه هر یک پکت  
بین جلگه هی به عمل خواهد  
باشد.

در گام نخست شاروالی  
کابل متوجه به هدایت حکومت  
و شوره با شهرستان دنیز  
هاره تاد راستیلان شهر  
تجددید نظر ناید و نکسی  
مکنست با آغاز کارهای پرس  
که قبله از طرف شاروالی کابل  
که جی میشود من در رابطه  
با این سایل پیشنهاد است  
طرح گردیده تکمیل گردد  
صاحب نظران و مخصوصاً  
طبیعت را بینیمی بوده و در  
حدود امکانات آن راعطی  
منهاست.  
بین ای از مسائل دیگر که  
با به باشوارال کابل مطرب  
میگرد سله تامین شهرکابل  
از نظر خدمات شهری  
باتخیز حداقل بارماست  
بلان به بین ناقطرها یعنی  
پیشنهاد شونه.

ولی تاکنون امکانات مالی  
اویولی برای تطبیق آن میسر  
نشده است، بل توجه عمل  
طبیعی آن دشواری هایی  
زیادی را زیر نظر ساخته  
راهیش، تجارتی، صنعتی  
و عام المنفعه به وجود آورده  
ساخته های از شعرانشاف -  
متوازن نداشتند و ساخته  
حدود سر در همه جا قد بلند کرد  
و دویده اند.  
در گام نخست شاروالی  
کابل متوجه به هدایت حکومت  
و شوره با شهرستان دنیز  
هاره تاد راستیلان شهر  
تجددید نظر ناید و نکسی  
مکنست با آغاز کارهای پرس  
که قبله از طرف شاروالی کابل  
که جی میشود من در رابطه  
با این سایل پیشنهاد است  
طرح گردیده تکمیل گردد  
صاحب نظران و مخصوصاً  
طبیعت را بینیمی بوده و در  
حدود امکانات آن راعطی  
منهاست.  
بین ای از مسائل دیگر که  
با به باشوارال کابل مطرب  
میگرد سله تامین شهرکابل  
از نظر خدمات شهری  
باتخیز حداقل بارماست  
بلان به بین ناقطرها یعنی  
پیشنهاد شونه.

شامل امور  
ساخته هایی زیادی روید است  
بلان هایی زیادی در تجهیز و عرضه  
ارد میگشت برای حمل  
معه این سایل فرست نماید  
بن که خودش کدام مشکلات  
ولیت میخشد مانند اینه  
اظهار داشت.  
عملاء شاروالی کابل  
وی گفت:  
یک انجمن راد رکار خود دارد  
ماستریلان و بلندیای تفصیلی  
شهرکابل در رسال ۱۳۰۸  
رد تائید دولت فرارزندگان  
لان کارشوارال کابل که محلو

لکه خود خواه که در بین  
انها عدم بظم ترافیکی سطح  
مشکل نهاده باشد.  
پایه کلیه در تجهیز و عرضه  
گذاشده شهی، تراپیه.  
معه این سایل فرست نماید  
رت، غیره هم و ده  
دست به دست هر داده از  
کابل یک چیزی ساخته اند  
است چه اعماق منزل خود  
زیمه تعمیرات بلند مزد  
یک طاهر امدادی مطالعه  
آن خود سری هادر شهر  
است چه اعماق منزل خود  
زیمه تعمیرات بلند مزد  
یک طاهر امدادی مطالعه  
پاشه شادون موده چیزی  
میگوید?  
شاروال کابل که محلو

انهان کابله بروشن  
این جدید شاروالی  
اروال شانرا انتخاب نموده  
عن که همراه با این  
های در رایله با انتخابی بود  
آن شاروال کابل این جهاد  
نحو مطرح میگردند چون  
پس.  
هم این است که شاروال  
کنون کابل مشکلات متعدد دارد  
شمر اچگونه از این نموده  
ریجی کوئی راه حل درج  
نمود زمانی برای آن بهم  
بین میگند و هم این میگرد  
نم است که شاروال کابل  
تاجی حدود صلاحیت  
برای اجرای کارها داشته  
اما بین ازد و طیون باشند  
تحقیق بلان هایی نمیگرد  
برای یا این بین برسند  
با محترم عبد الطیف نورزاد  
شاروال انتخابی کابل  
صحبت نمودم.  
ماطخر ساختم که:  
کابل بین ازد و طیون باشند  
دارد، د طیون باشند  
اگر هریزی ملک مقداری کوچک  
از کنایات راد شهر برینزد  
و هر کسی به اندازه یک مترا  
زین را تجرب کند حجم  
کنایات و اندازه تجرب  
خیل زیاد میگرد ورکر  
که شاروال کابل



## وَعْلَمَ حَقْلَ

خوشحال فرهنگی توپنه  
دیستوریون داد بیانواره هند  
دلهی آریستیا دهد فر  
ترسیه کولویه خاطر د جبلو  
نو و همچو دندی خانکه  
کی د موسیقی ایه خاصه توک  
د بیستویوسیقی دیسی ملاسی  
والی ایودی له باره هسلی  
ملکی کیه جن لیبر نیز  
بینه د استاد راولینه د  
کاریخانیل ده داده دی  
د حیرزاده ایشان به ایشان  
د شنیده بوده دهی فرهنگی  
توپنه له خواه افغانستان  
د لاسخ صایحه شه اریون  
کی د مکان اهل تلیه برس  
پاش پا ۱۸۷۳



## سَرِيد و سَا حل در ساحل زندگی

**جَنَد**

سازه جوان سینمای کشور که جندی بیس  
پاشریپ ساحل ایران عاز کار نشده  
کنیزی از دند میوه دهه جان خیریه  
کوئه ایم پیپ که (غیره ده چلریه) ن  
سینما بازی (اما خوبیه) شاهد  
کارهای بیشتر و درمه سینا بوده ایم  
که رعنین اراسر طم جندی به نیام  
(ریسا) ایاریه زده ای دست تاره کار  
ایه رام غایین بخت تاره کار  
در ساحل زندگانی جد ب کام اک از  
با شناگرها بیشتر نان د مرتبه  
های هنری شان باشند

## لَيْنا در الْبَالَسِ سَرِي دَيْوِي



لها هنرمند تازه کارکر  
که درین اواخر زنده همینه  
خوب در شده راهه خود جلسه  
بیشتری راهه خود پیش، رفته  
بعد چند پیش، آن را  
خدالهه نشی از قصه  
سری دیوی را کاریه.  
اویکرید نهد ام تا بهه  
حد تراسته ام که درین من  
اقریزی باش، مانندیم  
میشد که روی کار خود زیاد  
حساب نکند.  
ویکی از علاوه هنرمند  
امروزه میز دیویست.  
وقتی مازارا چکری  
خواست تا در جله چهار  
نامه روای ماعنکن را فرسته  
ستاند ولی در مطلب متنگی  
نوشته بوده از زنده کی بیرون  
این که چرا از زنده  
میز راسته هم نهد ام.

- دراجای برنامه ذو نق  
نطاق و گونه عینه د خول  
است، هرگاه حقاً و شکل  
برنامه باذوق نطاق برابر  
باشد فکر میکنم خوشنودتر  
آن را جراحت کرد که  
برنامه های هنری و ادبی  
باذوق من همیزی میکرد  
لذا خود را در چنین برنامه  
ها موافق احتمالاً  
هاتاکون خود را موفق احتمالاً  
من کنم؟

این معیارهارد آغاز کار  
داشتند؟  
- به نظر من مواد کافی  
صدا و غصق و لاقعه را وان  
معیارهای آغاز کار اند که  
این معیارهای را میگذران  
کارتفعی کرده ام.  
- دراجای کدام برنامه  
هاتاکون خود را موفق احتمالاً  
من کنم؟



## بِرَانْظَرْقَشَدْ مُعيَارَه رَلَابَيرْ دَرَنْظَرْگَرْفَه

رمزه رمز محصل سال  
چارم پوهنی زورنالهسته  
است د ختر صمیع خوش بروخود،  
اویخواهده صورت  
اکادیمیک و مسلکی به کار  
نطاق و گونه اش ادامه  
دهد چند پرسش کوتاهی از  
او نموده ام

- چن مدتی مشود که با  
رادیو و تلویزیون هنکاری  
دارید؟  
- مدت دوسال است که  
باتلویزیون و رادیو افغانستان  
هنکاری دارم و دوسال قبل  
از آن رادیوی افغان فمز  
کارزا آغاز نموده بچاره سال  
است که در افغان فیلمهای  
رامخوانم.

- برای نطاق شدن کدام  
معیارهای را در برادرستان  
من بینید و تاچه حد شما



## خَلَكْ دَسِينَمَا هَنَرَمَنْدَأ زَيَادَه تَوْجَهَ لَرِي

سیما (بیول اخوانه هنرمند)، چی در مکاله  
کیزی تمشیل ته عی مخه کری. بنه هنری  
استعداد لری ارخوا بریالی ده. پنه  
همد غدو و کلوری در دیبا، الماس سیما، پنه  
فلمونواره کونله زی بی سیال کی برخه  
اخیست، او خیل رویی به بنه توکه ترسه  
کری. سیما (بیول) به شناگر کی هم کار کری  
او داد مکھان و ایولریه در امونیکی بنے  
سلیدی.

سیما بیول تراوشه نولس کنه ده اود وید هنر  
کار و شوخه خرگند بیوی جی روشنانه را تلونکی  
به مح کی لری د تحریل سهیمی پکلور سا  
ده. او د هنری بروخه کی غواری تمانگری  
سلک زده کری لاری.

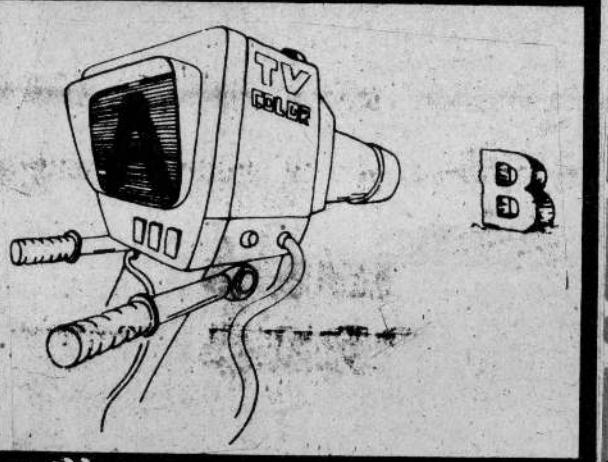
داداون: د سینماد هزار تمشیل سره زیاده  
میه لی عکه خلیعه د سینماد هنرمند اونه  
زیاده توجه لری او احترام درته کری. اما  
کلچیم به شناگر کی د سیتل برسر ظاهری و  
بروز بلندی و مهی بونت د تمشیل به هر  
بروخه کی سینماد د نایوریا بیت پزنه هیلیه  
کرو.

جگونه  
شیر آغاز ماه دارند؟

# شیر آغاز ماه دارند؟

قول خود نش تازه بیکاران های  
ساد مخوبی بازی در شهر  
روز و روز دارد . مغازه ار ارسی  
چون شراغا در زمین ماند  
جالب اینکه شیر فاصله  
الخصوص برمان کرد که چرا  
بعضی قیمت ها را دو هزار و  
نهصد و بیست و نه هفتمان یا  
هزار و هشتاد که انتهای  
الخصوص کدر جال و جالبی  
تجارتی و هیجان زدن های  
مردم تخصص دارد گفت :  
این بیت چنان است تکراره از  
ذکر میکند جنس را بد و هزار و  
نهصد و ده هفتمان خرد ماست  
در حالیکه اصلاً سه هزار پر -  
د اخنده است . شیر اغایی رای  
پیشرفت در کار مغازه داری خود  
متوجه یک کار دیگر شد و  
آن اینکه بعض اجنبان را که  
غازه ای دیگریه قیمت  
از زان میروند هم اخیره داد -  
ری کرده سام لیلام چارچند  
بلند تر بغمروش میساند و از  
این بسباب اویت بعض زیاد  
عوايد خود را صرف اعلانات  
تلوزیونی نمود ماست .  
غیرب به خیر شیر اغای  
که شکر فصل خدا حالا یکی  
از سرمایه داران شهر شده  
است لیلام تازه می را بامختخار  
عید سعید اضحی براماند -  
باقیه در لیلام بکار دیده

شیر آغاز ماه از شری  
ساد با پیشو صممه ظری  
جمله با چاره گرفت است تصمی  
دارد در هلوی کارهای رسی  
بعضی ثباتات بجارتی  
رانجوانجام بد هدایتین سبب  
اویک مغازه زمزمه تجارتی در  
شهر بازی نمود متضمیم از د -  
مانند دو سمعه شنگاه شهور  
شهر بطری دایی د راججا  
لیلام داشته باشد .  
آن آشنا یان فد هم و نه چمن  
مشهور شد و در بار طبقه  
جهنم ممکن است بینه فروشانه  
لیلام اشتباخته صحبت  
بدند و بالاخره بین نججه  
بین نه که یافته اول سال  
رای تمام اجنب اسماز غمیست  
دلخواه تعیین شد و به خطوط  
در رشت ری ای ای نوشته شد .  
تلایه برای بین الهم بیست  
هزار اعماق برای بیک کلان -  
بلاستیک ۱۹ هزار اغایی .  
برای بیک زیکای طفلانه ۲۰ هزار  
اعماق برای وسایل ایامی  
زیانهاز چهار هزار و هشتاد تا -  
بیست هزار و هشتاد و بیست و نه  
اعماق قیمت تعیین شد .  
شیر لاما نعمم گرفت که همین  
اجنبان را که در حقیقت قیمت  
شان سه بار که از این قیمت  
ها بود . بیست فیض تخفیف  
داده به لیلام بکار دیده



د روم سمه عی وظیفه  
گرفت بود که همیشه زمزمه  
جلسه پلاس زنگ گوشها نمیشه  
شناوه را به حد ای آورد و بیچ  
طبق معقول ساعت نمیشه  
هیکاران در هلهی قدم  
زنگ با کتابچه های کوچک  
و زیبا که صرف برای نموده  
دستان شان بود و بک سطحی  
هم به عنوان تقدیم کفر ارش  
به جلسه بروی آن نوشته  
نمیگردند و در پهلوی آن بد  
خاطر آنکه جلسه برایشان میک  
نوخت بود پیکان کارتون رئیس  
موسیکار آن رسامی می -  
کردند گشت و گذاش نمودند  
بکی می کنند والله اسرفه

## تکنیک امنیتی



## مرد عاقل

شخص برای بسیز کرد را وان  
چیزی بود به خواسته ای  
دخلخانه رفت و پدر دختر  
گفت :  
پسر شما هنوز به درجه  
کمال نرسیده است همچنان  
صهر کنم تاکن به امیر زندگی  
اعنای غود و سفر کامل بود .  
آن شخص در جواب گفت :  
آن وقت بعقل امده و شے  
تنهایا دختر عسایل با همیو  
زی حاضر به ازدواج نخواهد  
بدهم .

مستنطی های تعبیب زیاد رمه  
شم کرد و گفت :  
راستی تعبیب موکتم هم  
طور توائی می باشد این مرد  
رادیزدی کن در حالیکه  
آن رایه جهیش دوخته بسوی د  
هیچکس نمیتوانست آن را از  
جا پیش تکان بدهد .  
شیر خندید و گفت :  
آقای مستنطی ! آز جواب به  
این سوال ممام که دچون  
من حاضر نمیم در بورد شغل  
خودم به کس درس مجاز نمیم .

B  
D

# موج و فنک

نوشته: بلقوس بصل



آبست ، قلب ازد است .  
و جون آب را است  
انسجام و پایام ازست  
ای کاش توهم آب میبودی !  
جون که او دیه به بوایه سیلیمی !  
لیت درد آن تواب نبودی  
و به پیت سیلی مادر این جد آشدي

عنعن ! توکه هرمه سیلیمی من  
پاخوش ، همه رایسمیم  
حال توتونه و من شنوده ام  
لیت بدان که آن زیخواه رسید  
که من نطای و تومایزون باشی

به جوئی اول سریز قلب بونست !  
خشنه غیرسیاه سره اسی است .  
عنص از رازه دست آمد وقت :  
من ریق موتووان .  
نارینیم نهد ام چرا ، وقت شسته

میانی و من میام و کارت میایستم  
تویه تقنه دینی خیره نده ، حرکت

نژد و نظر نمیشی .  
شاید میسد اری که در بیوی موتو

نشسته ای و من ملخورد و موسید  
هست که کارت ایستاده ام .

دو رانه به سوی دید .  
آخرین باریم راتیه بیان اری !  
مریبه رسم برآست که بعد از مردم .  
نام را طاق اعلایات فوتی راد بیو  
باده غلض بیان میایرد .  
دست بعتردن آن که کام ایستاده بیم .  
اداحت ... و من خندیدم .



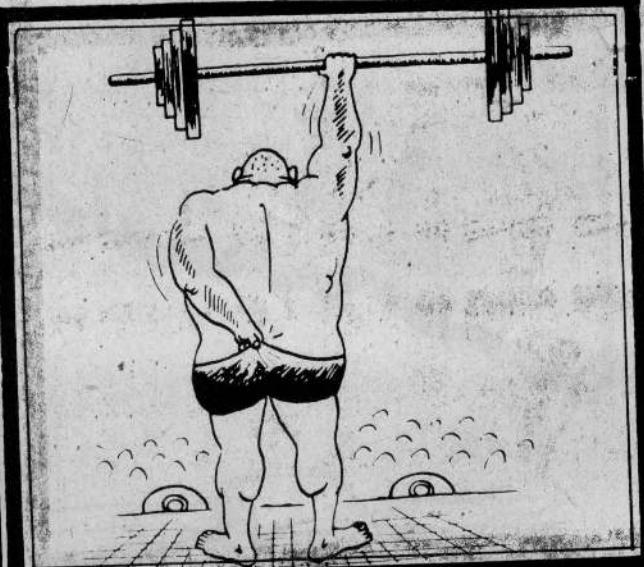
راشمال نمودیم . رئیس  
موسسه اغاز جلسه را چنین  
بدست گرفت البته بعده -  
چندین بار غزدن و شرذدن  
که چن خدمت تان عرض کیم

رئیس مایک آدمیهار چاق -  
اما ( لاغزالانش ) بود در -  
عقب موز جلسه که من شست  
شکش به حدی بلند بود که  
از کوچه های چارنفری استفاده  
میکرد تا میاد اشکش بروی  
مزجلسه نمایان شود خوب  
که از نهادم نه که جلسه  
جنعن اغاز شد .

دوستان و همکاران غریز  
جلسه اموز !

پیغمبر سفده ( ۸۱ )

رئیس مایهار عصبی است دیگر  
من گفت امروز حشنا " بهاب "  
مشوه دیگری میگفت که  
برو با با چقد زیسترسین فقیه  
عزا نیل باشه و نفس تان را می  
کیره دیگری با هزاران هزار  
ترس ولکت زبان میگفت :  
والله نمیشه که ( ۱۰۰۰ )  
خوباز همین که هالیس  
حاضر شدن رئیس صاحب  
موسسه جلسه درده هلمز  
نیازند همه بود آن روز نیز  
طبق معمول رئیس صاحب  
حاضر شد و مکتربشد ستور  
دادتا اشتراک کنند کسان  
جلسه امروزی حاضر شوند  
همه بیت عیت جاهای معین



پدر کلام زبان بازی کرده ام .  
نضیمه و فاکومستانی

## مذاقت

یک مرد انکلوس را به جویه  
بدستور ذرا انتظار میزدم  
محاکمه من کردند .  
اوین دفاع از خود گفت :

آقای قاضی پاور کنید که من -

مسنعت بودم فقط کعن زیادتر از

حد معمول دیگر توهد بودم

قاغون کسی فکر کرده گفت :

بلی ! من حرف شارا کامل -

قبول دارم په همین خاطر من هم

به عوض دو روز زندان قطع چهل

و هشت ساعت شما را بازداشت  
من کنم .

جهانگردی آزاد هی میگند -  
شتنگهان در سایه درخت  
پهر مزد صد ساله عی رادید  
که گریه میگند . جهانگرد  
هتلگاهیکه به پهر مزد پیک  
شد پرسید : پدر جان پسر ا  
گریه میگش ؟ پهر مزد پای -  
داد : پدر مرا زدده ام است .  
جهانگرد که با دیدن چنین  
پهر مزدی که پدر رش هم زنده  
است در تعجب فرو رفته بود .  
پرسید : چرا پدرت قسرا -  
زده است . پهر مزد که گریه  
اش شدید تر شده بسود  
ایمان داد : برای اینکه با -

# دسلوقغانیودوستی



## ترکاری

رشنیتوالی ترلاسه کرد چه —  
کله سری د بیان سعیرکی —  
حای کی به خبله ترکاری د هری  
شیخ لعدولیه حال کی د وخته  
ترکاری ملورونکی لونک ترکاری د بروه  
لعدی چه دنن دنن دی د رونه شی  
انه لزه ترکاری د بی بی —  
ترلاسه کردی .

به لغوی قاموسونو ((تسر))  
لونه والی ته وائی او ((کاری))  
د بیخ ، ندر ، کلک اوه بیه سه  
مانار اغلی دی .  
اوسکه دفعه دری سه به پشت  
دار و د شی . نوترا کاری عمارت  
ده له لور لونه والی خخه  
اود الغت هفه وخت بشهر  
دووی .

شی دفعه لاسلیک اوشو  
لبلک شوی جعلی سی له هدیدی  
کتاب سره بومای خبـل  
د وست ته دالی کری دی .  
له شنله بی جیب ته لام کمـر  
اوله کتاب بلورونکی خخه بیـس  
هدیده کتاب بیـل خیل دیـر  
بیـه واخیست .

له هنـی در وستـه  
د لیکـال خوکـتا بونـه نورـهـمـه  
خبارـهـشـلـهـ . اوـهـرـکـابـهـ  
بـیـجـنـ لـهـ جـایـهـ رـاوـهـ . توـهـ  
دـکـابـ بـهـ لـمـایـ بـعـیـ .  
پـاـکـ کـیـلـ اـنـعـانـ خـبـلـ  
دـوـسـتـهـ لـئـلـلـ اـدـدـرـهـ  
لـیـلـ بـیـ بـیـ دـدـعـهـ سـلـهـ  
کـونـ زـادـهـ . ۰۰۰ـ نـوـسـ کـابـ  
بـهـ لـمـایـ تـاسـ تـهـ بـهـ دـوـهـ بـیـهـ  
دـالـیـ شـوـ .

لـیـکـالـ دـخـلـ کـاتـ دـ .  
بـیـشـتـهـ بـهـ خـتـ بـنـکـ اـنـقـیـ  
خطـ وـلـبـلـ : .  
خـیـلـ کـرـانـ دـوـسـتـ .  
تـهـ بـهـ دـوـهـ مـنـهـ الـ شـوـ .  
اـنـهـیـسـ بـیـ لـاسـلـیـکـ وـکـمـرـ  
دـهـ کـاتـ بـیـ خـیـلـ دـیـرـ  
تـرـدـیـ دـوـسـتـ تـهـ دـیـادـ کـارـ  
بـیـ تـرـکـهـ دـیـانـدـیـ کـرـ .  
حـوـرـیـسـ بـیـ رـوـسـتـ لـیـکـالـ دـبـارـ  
بـهـ مـرـکـیـهـ دـبـاشـ کـنـ دـیـسـوـالـ  
لـهـ بـاـسـ کـاتـ بـهـ کـلـ اـنـدـهـ مـهـیـ  
وـهـجـیـ دـخـلـ دـرـقـ بـرـاـرـکـابـ  
پـکـیـ وـمـوـسـ اـرـوـایـ خـلـ . لـهـ  
حـوـکـاـنـبـزـوـرـوـسـتـیـ دـخـلـ .  
کـاتـ بـیـشـتـیـ سـتـرـیـ وـلـکـهـ بـیـ  
بـیـهـوـهـ بـیـهـ بـیـ رـاـبـرـهـ کـرـ .  
اـولـ بـیـانـ اـرـ وـلـوـسـ بـیـ دـبـشـتـهـ  
بـهـ خـتـاـ خـیـلـ لـاسـلـیـکـ تـهـ پـامـ

# دـوـیـ فـارـمـوـلـ کـشـقـبـدـلـ

بـهـ دـیـ نـیـکـرـیـ دـنـیـاـکـرـدـ اـسـ  
شـیـ نـشـتـهـ چـیـ دـهـ خـفـطـیـلـیـ .  
نـهـ دـیـ خـوـبـوـهـ بـهـ دـیـ  
لـهـ کـیـ دـیـ چـیـ دـهـ نـیـکـرـ  
تـیـارـخـ دـبـاشـ لـهـ مـنـهـ بـوـ.  
سـیـ . لـهـ نـیـکـهـ مـرـفـ دـادـیـ .  
بـهـ دـیـ رـاـرـوـسـ وـخـتـفـوـکـسـ  
اـشـبـیـاـشـ صـبـ پـلـکـنـدـ بـیـ  
بـیـالـیـ شـوـ دـیـ مـجـدـ اـشـهـ  
خـانـ بـهـ لـاـبـرـاـتـوـرـ بـیـهـ .  
نـوـیـ تـجـرـبـهـ تـرـمـهـ کـرـیـ .  
بـیـ تـجـرـبـیـ بـهـ تـرـمـهـ کـمـدـ وـ  
سـرـهـ دـمـدـ لـهـفـ جـدـ دـلـ بـیـهـ .  
دـوـهـ اـسـ نـیـکـرـ تـیـاـبـکـ .  
بـیـهـ شـوـ دـهـ .  
دـمـدـ لـهـفـ بـهـ جـدـ دـلـ کـسـ .  
دـایـ پـوـرـوـلـ (HgO) دـیـ .  
بـیـانـ اـوـهـ لـهـ دـوـهـ هـاـیـدـ رـجـنـ  
اـنـوـکـسـجـنـ خـخـهـ جـمـرـ بـیـشـرـیـ  
دـیـ .  
خـواـشـنـیـاـشـ صـبـ بـهـ

خـبـلـ نـوـیـ تـجـرـبـهـ کـیـ تـابـهـ کـرـیـ  
دـهـ چـهـیـ دـغـرـهـ بـالـ (چـاـبـلـرـ)

د و همه برحله

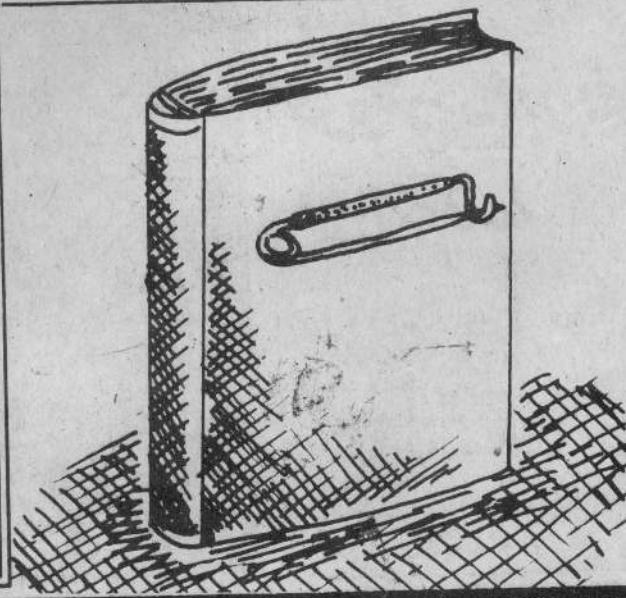
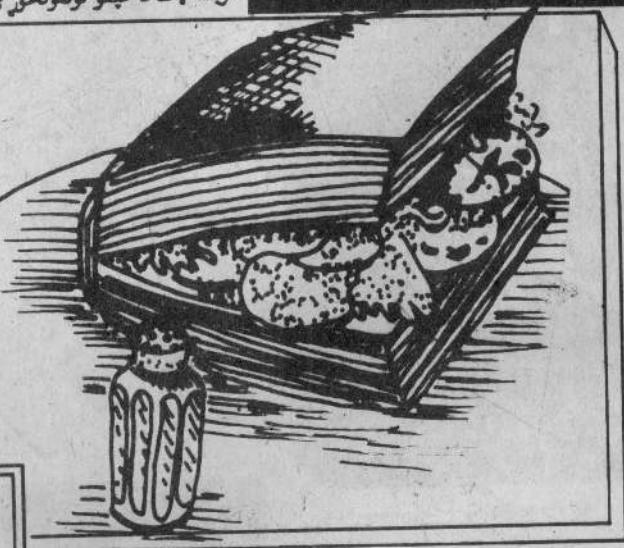
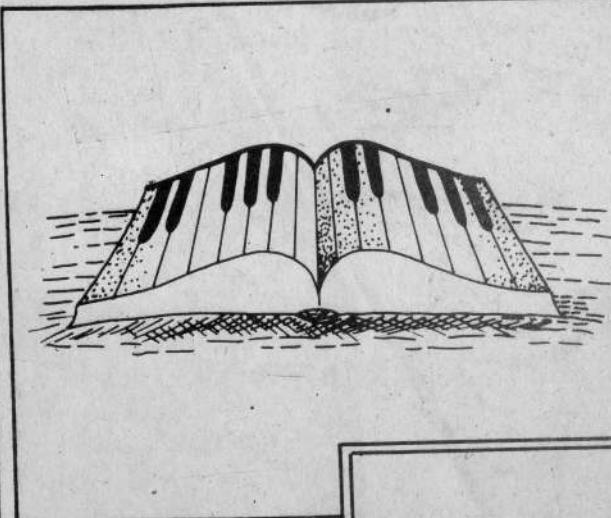
## د مرخ

د کري

مطبوعاتته  
يوه كتنه

گراولوستونکو! خویش پوچسی  
تیورته سرلیک لاندی د مرخ  
د کري د مطعما تریه پاپ خبر.  
زین د وهمه برحله در آندی کرو.  
د غه طلب چن اوسه به پسی  
تسرولویه د مرخ د کري له  
پوچری بولتن خخه چسی  
(هرچ اوشا خواسته ای تو  
منی، انتبار شوی دی)  
ددی بولتن به پوچر  
کن لیکل شوی : ((.....))  
لعنکی بین عجب اونزی  
مخلوقات زوند کوی د دفسو  
زونه یا موجود اتیونه  
جن انسان نومتی د عجا یو  
ميرهم درته و بلای شو د بوي  
سینی او سید و نکی چن به یو  
زیه خیری کوی اریه یونسار  
اریه کوشه کن او سینی د وه  
دوله گیدی یا کولی لری یوه  
وله یه هره دره خویش خوی  
اویله بله د خبلو کولموکتھر یو

له بودول خر و لوبوشخه د کوی  
چن د روی درته به خبله نه  
کی کجالان واعی  
که خه همد دغوره ولتوه  
به باپ یخوان مریج پسی  
تحقیقاتی مرکزونکی ابتدائی  
خیبر شی شویوی، خسندی  
رازروسته وختونکی بوما د ازه  
(کجالان) د چمکن له کري  
خخه مریج ته د خیبر ش له  
پاره را دل شوی دی خرسو  
مالیمشنی چن یوشیرو اسانان  
خنگه یه له غوش اونزی خدا یه  
مواد پرته بواری یه دی خر و لتو  
تو (کجالان) زونه کوی (۱۰)  
در لولوستونکو اتا سو  
ولوستل چن یه کجالانی باندی  
خه پلا رامازله شوی ده هندا  
خرمه ده چن د کابل پسی  
پسارکی یو من کجالو یه د وعزه  
اغماشی، شوی دی پسخوابه



**وایز ریس**

تude و تصمیم (نام)

**ملکه ملکه سیده**

پرای بیکاران  
مدد معاشر پر دلخته

نوده است .

دشمنان از تاریخ اول  
چند سال قبل گفته من شد  
که دران کشور بیکاری وجود  
ند ارد و کس از فقر  
عن مهد باحرانهاي اقتصاد  
دی اخیری که دامنگران کشوا  
مبلغ پنجاه هزاری بیکاران  
کشیده از کارا خانه بست  
مشوند نیز نامدست سه ماه  
بیکاران ان شرافا ز

یک مهندس و یک افسر باز  
نشسته از دیگران این که از -  
ظریفیکی از دنیانه های  
سلطی شهر بلوار پرورش  
دختران جوان را به قیمت  
+ میان الیه فروش که انتقام  
بودند و پوشیده از سوی  
پولیس این کشور بیکاران شدند .

آگاهی فروخته دختران برای  
لیلیک برای اولین بار چند  
عده ته قیمت در مظہر عات  
این کشور منتشر شد و سا -  
حیان این از ایام باشناهده  
فروش که امتحنه بودند دستگیر  
شدند .

نشریه " فیلادلیپیا پالو "  
چاچ برزیل نوشت :

**از ریس**

**تپنی که شو  
بله مرض**

در آغاز قرون حاضر رفع احداث  
شانه راه بین القاره که شهری  
های ماکوتست سایر رای شوروی  
رابا اسنای امریکا از طریق  
ابنای بیرونیک وصل من کرد  
مطروح بحث بود . ایام توسعه  
منابع شوروی روسیکا  
و تبدله بزرگ دی سبقت ،  
امول از امریکا و کانادا بسیار  
کشورهای اروپایی و آفریقا  
به قاره امریکا احداث ها هرا

در دیاریکی : فروشن دستگاران  
متوجه شد

مسولان یک آرائی برانیلی  
که از سیچ آگاهی در مطبوع  
عات ده دختران جوان را به  
ارزش ۲۰۰ دالریه معرض  
فروش که امتحنه بودند دستگیر  
شدند .

نشریه " فیلادلیپیا پالو "  
چاچ برزیل نوشت :

**جای  
بازارهای  
رویار  
رجھصار  
کرد**

کلکت هنرها و هنرها بازیان  
با این هایی که از  
پاسه های این کشور های که  
همچنان که هایی که  
کلکت هایان ب رسایر کشورها  
هزاره بازیں کند .

ایجاد شده نمود از محصولات  
نود و هفت هزار دهی در هزار  
فایله که توسعه دیده بودیان  
های این کشور که ایام را  
با این و نیز با کلکت کننده  
در اینه و نیز با این کلکت کننده  
که مخصوصاً این جایان این انصار  
کوئی ۴۷۳۸ را تعلیم کنند .

از شهرویان جهانی که این  
حدود از است در نظریه از این  
در اینه و نیز با این کلکت کننده  
که مخصوصاً هایی که این  
انتقال فایله هایی که این  
هایان را به اند و نیز با این  
کلکت که مخصوصاً هایی که این  
کشورهای اروپایی و آفریقا  
به قاره امریکا احداث ها هرا

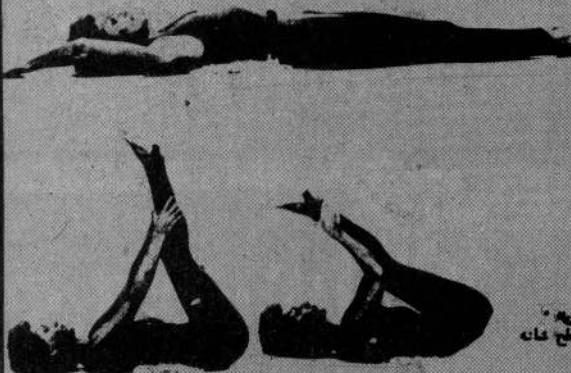
**بر و ورسی**

پیغمه لوبیا جونز دستگیر  
اویید ونکی به داشت  
حال کی لیدل کیری جس  
موکاکوت د ۱۹۱۱ کال دنی  
دبکلا ملکی تاج د دی بیسر  
زدی موکاکوت به ۱۹۱۰  
کال کی دنی دستگارانه و

بنکلا ملکی

پیغمه لوبیا جونز دستگیر  
اویید ونکی به داشت  
حال کی لیدل کیری جس  
موکاکوت د ۱۹۱۱ کال دنی  
دبکلا ملکی تاج د دی بیسر  
زدی موکاکوت به ۱۹۱۰  
کال کی دنی دستگارانه و

ا- نفس بیرون: کشیدن یا هارابه سوی بدند تان نزدیکتر  
سازید تا توپشک  
ب- با زانوها میخانند تا مروید آمد  
حالات را برای این تانه نگذارد.  
ف- خود را از ساخت و بتدیج به آغاز تیون بزرگ دید.  
نوتوی ۲۰۱ شماره



## هدف عده:

از جماعت رادرستون نظرات بی های پوزیشن  
زانوها، ترمه های ساق پا پشت های پارا پیشتر سازد.  
تجربه:  
آمده است تینین را لایزا و از حرکات تند و سریع  
استخبار نموده، کنترول توان را حفظ کرد.

## تینین پیش:

(به شماره های قابل رسید و رفع شود)  
تینین ماهی ساره (ماتیسا)  
(به قدره های قابل رسید و شود)

## عمل هایی:

آنادمکن های قابل برای تحریف کنده رهیابی از ایام

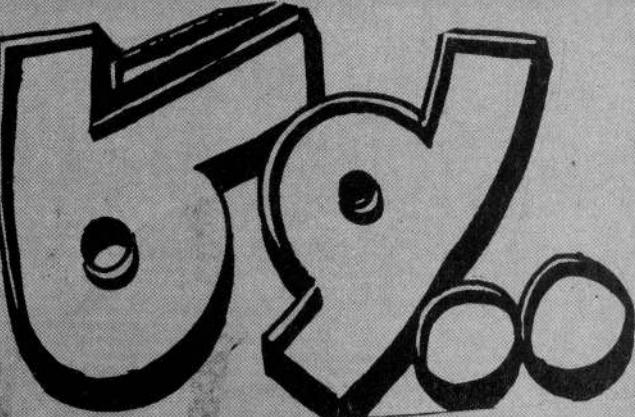
ورزش های موای آزاد سانده بود، آبها، کس ما  
با سکل دلوی و وضع چنان خون را بضریحته طیست  
بدن را بروای گرفتن مدار سرخ اگزیمن مشترک میزد این  
ورزش های را بطلب، به هارا مغلقات نماین خلیفه بود، ولی  
اسراو این گونه مبالغه ای باید ممکن های کامل قابل  
راستایاند. تندیص و گشش آرام مغلات برای کشیدن  
صلاله اند آمانه بدن برای اسرایی که گوشانهای  
لاری شمرد صفت و برای مرد ساختن بدند بعد از اسرایی  
نماینندی و روش درهوای آزاد نیز از همین طور برخور  
دارند. به روش کار مائل قبل و بعد از احتمال نماینندی  
ورزش درهوای آزاد به اجرای یک مسلسل تیونات مروط  
به تنه های و گشش مغلات میوری از تا نهایت نمایندی و روزی  
اش در هوای آزاد به تحویل این اجرای کرد و از دید معمای  
سک جلوگیری شد و پتواند.

تیونات این اصل کهندیا- تندیم میکرد برای گرس  
ساخت و سردد ساختند بدن قبل و بعد از اجرای فعالیت های  
ورزش درهوای آزاد بهد داشته بودند. این تیونات  
را بازی های ملکه مراتب که نگذاشت اجرای کمی  
روزنه اند که تیون به تیون دیگرندون نداشتمانه  
باتیون دیگر و دوازدهم زدن تند و درج اغاز کرد. بعد از  
اجرای تیونات ذمل بیرون آمد.

## تینین گردن با حالت استاد:

## هدایات:

ا- در حالت بوز کوهی خوار گردید.  
ب- چشان تان را بینند و سرتان را به طرف حلقوی کرد.  
ج- تندیم کرد و آمده است تینین را باز استاد.  
و بعد پنهان در بدهد این کار را چنان باز کرد.  
نوتوی ۲۱۱ شماره



## تینین گستر:

## هدایات:

ا- با حالت راحت در پیغمبر آیینه آغاز گردید.  
ب- تندیم کرد و آمده است تینین را باز استاد.  
ج- در تان را با بالا ببرید.

ا- باز از این راسته تیون بزنده سوی پایی چوب تان را می  
گردید. درین حال، بست تان را در یارالی سرتان را می  
نگذارید و سوسن کشید از یارالی گوشش تان بگارید، تینی  
میغیرد کهند این حالت را بروای (۱۰) تانه نگذارد.  
هر چهار ترین بتدیج به آغاز تیون بزرگ دید و بعد تیون را با جنح  
دیگر اسرا کرد.

نوتوی ۱۱۱ شماره

## ا- اد اما تینین هم دندن به جلو

د- تندیم کرد و آمده است تینین بآغاز بزرگ دید. تینیس  
کشید و راحت باشد.

## هدف عده:

ب- چهاری تیون زانو را تقویت نمود و موجب ارجامیت نمیست  
نهن سوت نقرات میگردد.

## تیون:

درینیان این اسانا آمده است حرکت کشید و از حرکت  
تند اجتناب ورزید.

## تینین قوس فتح:

## ا- دهان را اسانا

ب- روح شود به شماره های قابل

حرکت را بزمینه حالت نشسته.

## هدایات:

ا- در حالت سانه های تان از مرد دریناد، باشد، بشنیده  
متوجه یاشید که پشت زانوی های تان بروی نوش هموار باشد.

ب- سوت نقرات را راست نگاه آید و مندوخ میه بسوی  
جلو برآمد، باشد بچلو هم بسوی و پیچه های تان را  
محکم گردید این حالت را شناسار چار نگذارد.

ج- تیون بیرون گشید و تا حاضر میتواند به حلو-

شود. من گرد ارجامیت بدن تان طوری گرد کر  
بنواید زنج تان را بر قرض بجهیاند. این حالت را تا  
نامه نگذارند.

د- آمده است تینین بآغاز بزرگ دید.

ه- تندیم کشید و بعد باز روایت به سوی پای راست  
خرشود. این حالت را برای (۱۰) تانه نگذارد.

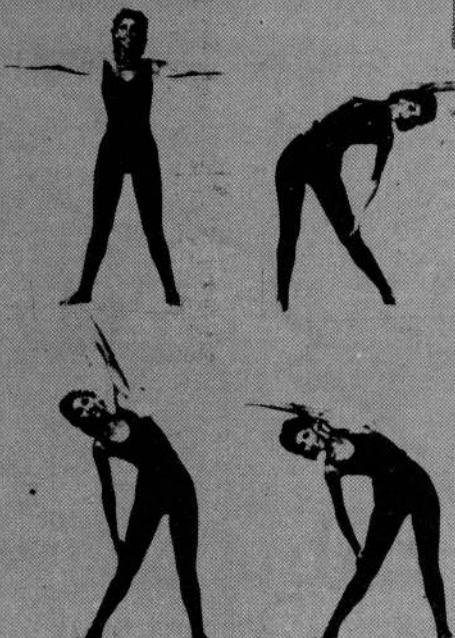
ج- به حالت نشسته و هن درینگ بزرگ دید و بعد به سوی  
پایی چهار خوشید بازهم این حالت را برای (۱۰) تانه  
نگذارد.

د- به آغاز بزرگ دید و راحت باشید.

## هدف عده:

ا- ارجامیت حناخ داخل ران هارا بمشترک میازد و موجب  
از ادی، فحامل ران و اراستکی این حالت را میگردد.

نوتوی (۲۶) و (۲۷) شماره



## هدف عده:

ا- ارجامیت را در کمر، سینه، شانه و گردن افزایش میدهد.

## تیون:

ب- گرد اجرای حرکت پا تنس همینان باشد.

## تینین چانوی چیم:

(اوردها بونکا یا شیونان اسانا)

## هدایات:

ا- هموار بیست بدوازده طوی که در تان تان مطابق  
شکل دراز شده باشد "میما" تندیم کرد.

ب- اسنده بیرون گشید و درینجا "پاها را بشنید کرد".

ج- تیون انتهاي کمر را بجز رشدار دهد. یاهای  
تان را راست چشم بزیمه سعن کشید با هارا راست نگذارد.



## تیون:

ا- تینین را بشکل تند بچوی اجرای کرد. از حرکت انتسد  
و سیم جدا خود داری نماید. به خاطر راشت باشید

که ارجامیت به تدیج افزایش میاید.

**کشن مال****هدایات:**

- ۱- روی دستوار استاد شویست که سیان ثان باشد - همینکه دستوار فرازه هدید.  
آنلیک قدم از دستوار رو شود - پا را راست ثان عطف نکنید و ازی با را خود روی طرف حسنه بخواهید و دشید - راونها بازدست بخواهید - این حالت را بازدست تانه نگهدازید - نکش و این را های قدم را بازدست بخواهید - با احساس کنید -  
۲- پسرچه نهضت برگردید - پاپیت را بازدست بخواهید - این را کنید -

**هدف صدمة:**

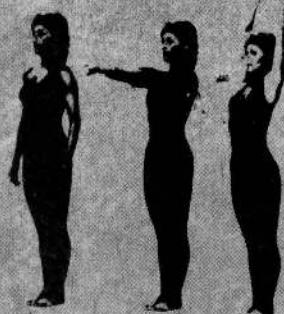
- از تعجب نموده سای داری داشته باشید -  
همکرید -

**بیرون:**

پا را تا حد توانیدن این آنکه درین میان سیان رو بخود - این بینترین نهضت این حالت را بازدست نگاهشای هدید - از دید از آن شرده بخواهید -  
شمن برازی قلب

**هدایات:**

- آن طوری استاد شویست که را بازدست نگاهشای هدید - دستها روی سینه - شویست که را بازدست نگاهشای هدید - دستها روی سینه - نکشید و دست را بازدست نگاهشای هدید - این نیز نکشید به عقب شم بخود - پا را بازدست نگاهشای هدید - دستها روی سینه - نکشید و دست را بازدست نگاهشای هدید - این نیز نکشید به عقب شم بخود - پا را بازدست نگاهشای هدید -  
۳- این آنسته خس نکنید به عقب شم بخود - پا را بازدست نگاهشای هدید -

**نوشی - شماره (۲۱)****کشن کسر ثان****هدایات:**

- ۱- پا راست ثان را بایم کام غراج در ملو بای چسبان فرازه هدید.

- ۲- زانو راست ثان را لات کنید و خود را روی غرفه در حالت کن فرازه هدید - دستان ثان را در هر دو سوی شما پای ثان به خاطر حفظ نهادن روی غرفه فرازه هدید -  
کم تان را بازست نگهدازید - این حالت را برازی (۱۰) ثانیه نگاهدازید -

- ۳- پسرچه از برگردید و پایای دیگر نهضن را بخدا -  
شون کنید -

**هدف صدمة:**

- از تعجب نهضت پای از دیدار بخشنید -

**بیرون:**

- مرکز را اند و سیع این را کنید - شک درست را حفظ کنید -

**نهضن بهمه هما****هدایات:**

- ۱- طوری استاده هدید که پاهاي ثان ازهم دور و را نهاد راست باشد - دستان ثان را بالای نهضت نهاد - من کن فرازه هدید.

- ۲- هنگاهیکه سرثان را بین نیکید آنسته نهضن کنید و نهضت نهادن بدین را تاکه محوانه بعطف بخشد -  
بالای نهضت نهضن کن فدازه هدید -

- ۳- این حالت را برازی (۲۰) ثانیه نگهدازید و نهضن میکنید - بعد نهضن نکنید و در ماره آغاز برگردید -

**نوشی - شماره (۲۱)****هدف صدمة:**  
وجوب کاهش نشنج برگردید - نهضت نهضنی کروشانه همیگردید -**تیغه:**  
شانه هاونک تان درینیان اجرایی این نهضن آزاد باشد -  
مرکز سر زان را باز نهادن آزم این را کنید -**نهضن کامل در حال نهضن****۱ برازیا****هدایات:**

- جنین خون را به سینه نهضن میکنید -  
نهضن:

- اجرازه د هدید سرت بدن ثان نهادن - این را بازدست نهضن کنید -

- نموده و نهضن را بازدست نهادن -

**هدف صدمة:**

- آن نهضن موجب آرامش احساس و رفع میگردد -

**هدایات:**

- بهشین روش کنکن کنید این است که نهضن را چون -

- ماج و همارا چون طوف تصور کنید - آنسته اعتماد را طوف -  
ماج برگردید ناپرسید - بعد نهضن کنید راکشول کنید -

**هدایات:**  
بوز - دو بوز کوهی قرار گیرید -**نهضن:**  
۱- درینیان بالاگردن دسته اندسته آندسته تیغه -

- کنید - هنگاهیکه دسته اندسته و نکم را به داخل ببرید -

- ۲- نهضن اشاره چهار زنگدر آید -

- ۳- نهضن کنید و آنسته آنسته دسته اندسته تیغه را بازدست نهادن -

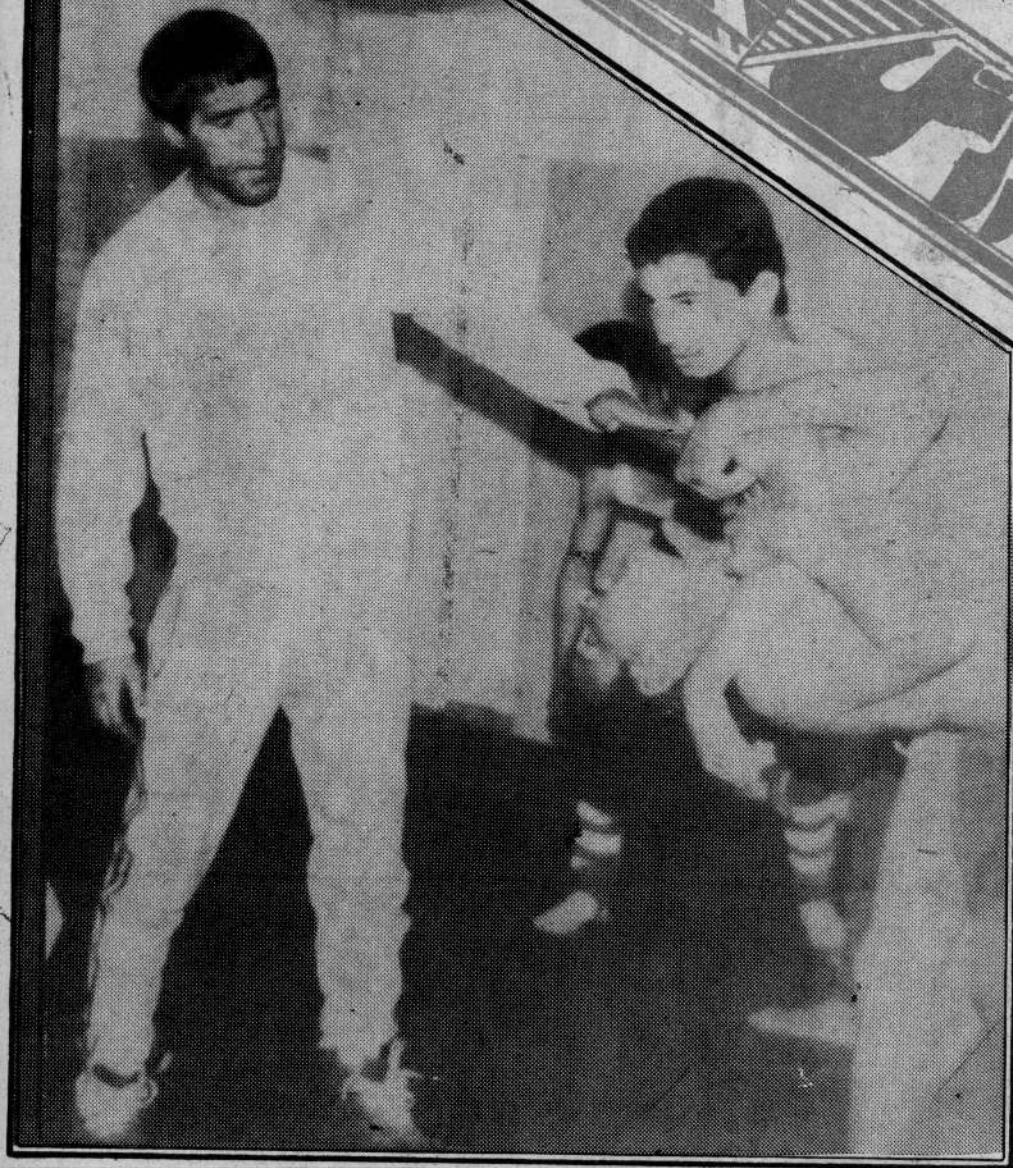
- اولی برگردید آنسته -

- آن نهضن را ۳ تا ۵ بار تکرار کنید -

**هدف صدمة:**

- آن نهضن موجب آرامش احساس و رفع میگردد -

تغییر کننده لطیفه (سیده)



که نبوده هنستند و خواهند  
بود هزارمندان و قهر مانان  
اما آین قلم سال هاست که  
در عرصه زندگی بزرگمودان  
بر سه من زند و راه و سرّ

زندگی پهلوانان را می نگارد  
تاتام پادشاه را هم بدارد  
و تجرب ارزشنه شان را به  
نسل مابعد حکایه کند .

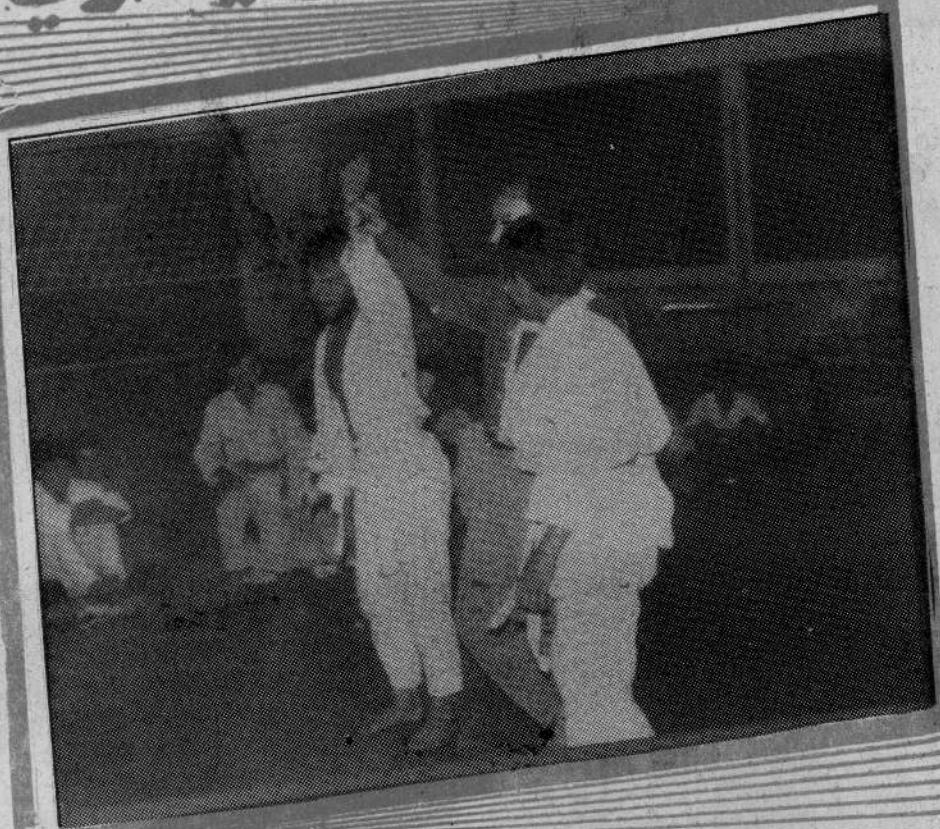
بانک خیل ها جوان  
است، اما جنان سخن  
میگیرد، هانگار پهلوان صد  
ساله باشد، در سخن و صدا -  
پژوهی است مثل همک ورزشکار  
خوب، او همیز الریاق بلال  
نم دارد، قامت و سهای کوشش  
او پاد دوران جوانی پدرش  
عبدالرحم بلال را در پیاد  
جسم خاطر من سازد، و  
سکونت میگیرد که او پهلوان  
زاده است .

نخستین پرسنرا ازوی  
چنین طرح نمودم :  
حکایت کنید از پهلوانی ها  
وقهرمانی های خوبش هر  
آجیهزی که اکنون شما را  
بر سکوی شعرت نشانه ده  
است ؟

چنانی که قبله باد آور شدید  
من پسر هان پهلوانی انتقام  
که نزد هموطنان شرف ما از  
محرومیت زیادی برهه منته  
است، طبعاً که من نخستین

لطفه که میشود در زندگی

# د جود و زده کرده دیری لا رشونی ته ارتیالری



اجراه کنی ۰ د جود و کالسی  
له یعنی چون برو بظلون ای یوه  
کمینه شخه عبارت دی چس  
له لکن توی خخه چیز پنهان  
ترنید نیولوا و کشولی همراه  
کی خوبی نش ۰ هدارنکه  
دابیرت به ازاده فضایکه  
ترسره کنی ۰ اید بعلوانی یه  
خود ریش سالریزونته ار تما  
لسری  
په یای کی باید ویل شی  
جه تراوشه بندی ددفته  
فلذنیمه معرفی کی کارنکه ی  
شوبی اویون کویه مسابقه  
نه ده درکری ۰

د بیوی لا رشونی ته ار ۰ لر ۰ یه.  
زیون بعهیواد کی د جود و دیزشنده  
له ۱۲۶۲ ۰ کال خخه را به  
د چخواراج شوی دی ۰ خویه  
خیل هیواد کی لعدوی خوا  
شخه دغه دیزش البیا یس  
لو بیوته ورکه شوی ده ۰ کسے  
نه هم کارانه ۰ کنگو و دنکوا  
نه و اود اس ندر زمز ۰  
هیواد کی له بخواه موجود ده  
خرجود و چی بوالبیا یس  
دنکش دی ۰ زمز به هیواد  
کی موجود ده ده ۰  
شاغلی تاقی ددفته  
دنکش د کالیواز خیل دنکش  
مردی تونیه هنکه داسی ویل ۰  
(د جود و سیورت د هنی توشکی  
به سرچی (ادیو) نویزی

احمد بشیر (تاقی) د جود و  
د ملی تم یه بالاستعداده  
خیله دخیله ته تن کی د سبا  
دنک خیل ای ته د خبلو دنکش  
فالیتیرو اوه مدارتنه د دیزش  
به هنکه داس ویل ۰  
د جود و زده کرده ده ندو  
دنکشونه پر تله بعنه سی  
توکه پوششل دیزش دی ۰ حکه  
داندیس حانه روا جونه لسری  
جه د تمنی ۰ سا بقاواد جود  
فلذنکارانیه مقابلکی له هنبو  
شخه لته اخیستل کنی ۰ ۰  
ددی لیاره چی د جود و هر ۰  
تخنیک بیل جایان نه لری  
زده کرده ی پو خستونی  
به تیکری اوراتیک کی رامنعته  
کوی ۰ نوله دی کله جود و

روزهای کارخونه را مصادف به  
سال ۱۳۴۶ آغاز که بهتر  
از چهارده سال نداشت تخت  
نظر بد مر در کلمه بلآل آغا و  
نمودم ۰ بعد از هیکال تبریز  
در مسابقات توزنیت های بعا  
ری و خزانی اشتراک نمودم که  
الی سال ۱۳۵۲ در هرسدو  
توزنیت هم ساله مقام اول را  
دافتمند ۰

در سال ۱۳۵۱ که انتخابات  
تم ملی جمعت اشتراک در  
مسابقات المپیک شهریورش  
آلمان در کشور به راه افتاده  
بود ۰ در همه مسابقات از  
آزمون موفق بدرآمدم که  
مهاجمت به این مسابقات  
در روز ۱۲ کلوگرام اشتراک  
نایم ۰ به عضویت در قم ملی  
پذیرفته شدم ۰ در این لحظه  
مکن میباشد و خاموش  
می شود ۰

مهربم ۰ و مدا چیز ده  
مکنید ۰

نظر به خصوصیت های که  
رئیس المپیک وقت با پدره  
داشت مانع شدم به آن کشور  
کردیدند و در عرض پھلو ان  
هم عصرمن احمدجان به آن  
کشور اعزام کردید ۰  
اگر بگویند در طول این مدت  
بند مسابقه داشته اید و چیز  
تنها جس را با خود همراه  
داشت ۰

در این مدت حدود چهار  
س سایه داخلی و خارجی  
داشته ام که در همه یعنی  
بقات با به دست آوردن ۰

امتیازات عالی مو فو کردیده  
ام که جایزه مسابقه  
د اخلی من با پھلوان  
به نام رسیده کشور محمد ناصر  
مشهور به "جوالی" بوده  
حال بودن مسابقه اینست  
که موصوف اولین پھلوان بود  
که از خارج کشور مدارل طلا  
داشت و نیز سما بقیه سی  
که با یک پھلوان کشور ایران  
محمود فشنگ داشتم و همراه  
با یک ضریه بی فن مغلوب  
ساخته که برای تماشاجا ن  
حمرت اور بود ۰ و نیز  
باقیه در صفحه (۱۸۱)

ترجمه  
ستاند

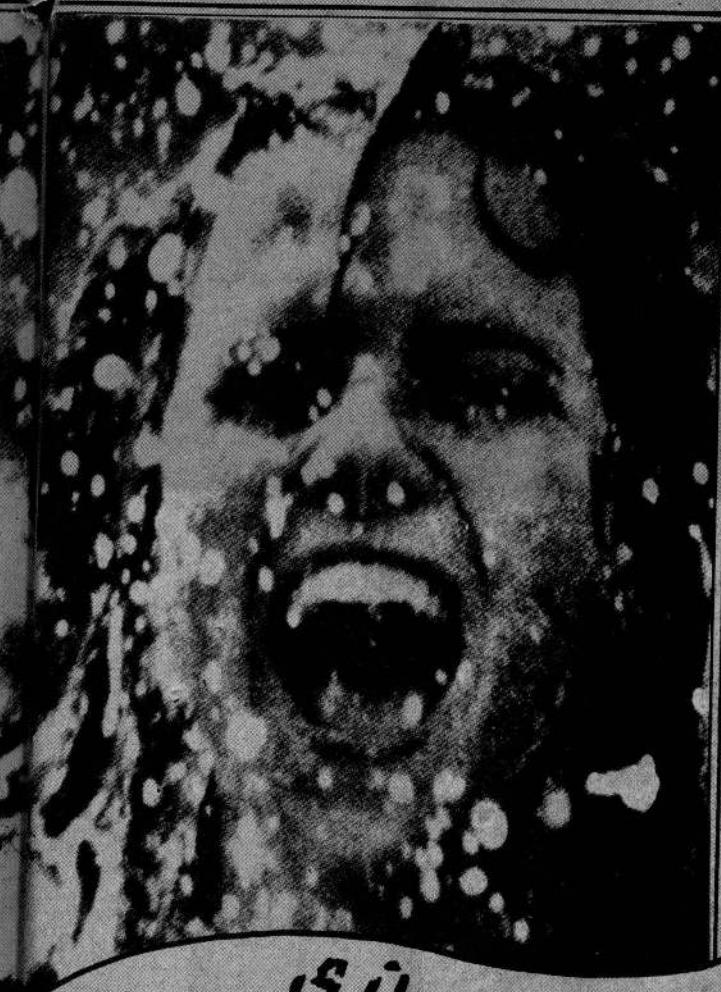
از کمک هسته که پایا پارچه  
های حوله صرف وقتی  
استفاده کنید که مطیعیت  
گردید از آن هاجه کاری  
ساخته است و برای جلد شما  
پنهان کاری را انجام می دهد  
متواند جلد شما باشد  
در خشندگی داشته باشد  
و مدعا برداشتن حجرات  
مرده نهاده احساس خشکی  
نماید . ناحیه های مانند  
گردن و پشت کردن عنایم  
غفیل فارج ها زانوهای  
زیر زانو کوشها و ها را  
که پیشترینه در مرعرض چرک

های طبع مشکوک و قابل  
اطیفان نهست برای بست  
سودمند تلقی نموده میشون  
در بعضی موارد موجب اکثرها  
میگردد .  
از اصابین های معطر  
احتیاب و زنده . این مابین  
ها به خاطر داشتن مقدار  
زیاد التول موجب خشکی  
میگردد . همچنان این نوع  
مایه های میتواند واکنش  
میگردد . کاهنگی میگیرد  
های سی نوری را بجز آن  
کرده و تغییرات را در زنگ  
جلد به وجود بخورد مابین  
های معطر برای کسانی که

بسته های مناسب است .  
هستایکه اندازه (PH)  
سابون با (PH) بست  
موافق نباشد موجب واکنش  
میگردد .  
برخواز از شخص مخصوص جلدی  
نشستن روی چوب حمام را به  
عنوان بختی موقفيت برای  
استفاده تلقی نمیکند . در  
چنین یک موقفيت میتوانند  
به تمام قسمت های بد ن تان  
رسیده کن شاید درین موقفيت  
مایه های میتواند واکنش  
میگردد . کاهنگی میگیرد  
های سی نوری را بجز آن  
کرده و تغییرات را در زنگ  
جلد به وجود بخورد مابین  
های معطر برای کسانی که

موقفيت ایده ال رسای  
استفاده

برخواز از شخص مخصوص جلدی  
نشستن روی چوب حمام را به  
عنوان بختی موقفيت برای  
استفاده تلقی نمیکند . در  
چنین یک موقفيت میتوانند  
به تمام قسمت های بد ن تان  
رسیده کن شاید درین موقفيت  
مایه های میتواند واکنش  
میگردد . کاهنگی میگیرد  
های سی نوری را بجز آن  
کرده و تغییرات را در زنگ  
جلد به وجود بخورد مابین  
های معطر برای کسانی که



## مواد اصلی - استفاده

موقفيت خواسته باشید  
استفاده کنید . میتوانید  
بالاعده کردن چند قطره  
روغن استفاده (که در راخانه  
موجود است ) در آب استفاده  
تان را خشکتر سازید . این  
کار برای بسته خشک  
میگیرد . غیر مطبوعی  
از خود به جا خواهد گذاشت  
همچنان میتوان در آنکه  
آخری از بند قطره آن استفاده  
نماید . اضافه کردن چند  
خلال نارنج به آب کرم  
استفاده نمیتواند روغن  
طبیعی از خود بعجاگندارد .  
اضافه کردن چند قطره سرمه  
به آب حمام میتواند تاثیرات  
تخیر کننده بعضی ازما -  
بون هارا کاهش دهد .

برای این تراحتها استفاده نمیشود .  
رت زاد سی میتواند به صورت  
داین اوجه های شعری  
راسته تراسته را باعث میشوند .  
تران یک ارمنی شاعر ایرانی  
پس تعمیم حرارت بدن گردد .  
استفاده با آب هم که بختی  
میشوند است .  
گرامی اسما که میگردید  
استفاده آب سرد به شماست  
حواله کرد . هر راه اسما  
حستی میدید و درست جمی  
آراس را راحت آشید . آب کمی  
که میگردد رسم حرارت بدن  
تان برای شما سودمند است  
است . استفاده با آب گرم  
قبل از استفاده به مفعوم  
خواب آرام در شب است چون  
این کار درجه حرارت بدن  
را بالا میبرد و باعث تعبرات  
بوشی میگردد که موجب  
خواب میشود .  
استفاده درست بعد از دار  
دعا جلوگیری میکند زیرا  
زمایه خود را در شب  
لایست به سطح بسته  
مشغل میگردد .  
این کار باعث های پرتبه های  
زیزه میگردد پس شام  
بعد از استفاده هتل برخاستن  
اسما میگردید این این  
عمل همچنان موجب تعالیت  
پیش ریض و ایوس (کاهنگیان  
قلب رهیان اصیل بطنی  
میگردد ) گردیده که  
در ریشه فعال شدن زاده این  
عقب میگشست صیان قلب  
کاهنگیان هد

استفاده خوب میگردد اسما  
این را باعث تهدید قسا  
دسان زنده نگهدازد .  
مالکه خود را در زیر  
دعا میگردید و دنیا  
لایسته نظر میگشاند .  
رای ایمه مادره است .  
استفاده خوب میگردد که موجب  
خواب میشود .  
استفاده زنده نگهدازد .  
دعا جلوگیری میگردید زیرا  
زمایه خود را در شب  
لایست به سطح بسته  
مشغل میگردد .  
این کار باعث های پرتبه های  
زیزه میگردد پس شام  
بعد از استفاده هتل برخاستن  
اسما میگردید این این  
عمل همچنان موجب تعالیت  
پیش ریض و ایوس (کاهنگیان  
قلب رهیان اصیل بطنی  
میگردد ) گردیده که  
در ریشه فعال شدن زاده این  
عقب میگشست صیان قلب  
کاهنگیان هد

## از استفاده حاصل صابون نموده باشید

مایه حمام  
مایه کله های القلاغلها  
روی بسته صورت گشود ن  
و لکه های پشم ، پیشانی و  
پند آشته نموده . ترا  
موجب عده میگردد . استفاده  
از اصابین های دفعه برو را  
باشد از اصابین چرب و  
کلسین دار استفاده کنید .  
اصابون های گلسین دار -  
میگردد .  
اصابون نرم محصولیه علت  
روط طبیعی بد لد را خطف  
کرده و از خشک بسته  
جل و گمری میشاند . اصابون  
موافق بوده برای اکثر است

یا آب خیلی لام یا خیلی سرد استفاده  
نمایید

قفار میگردد . فنجان های پر  
در راخانه های تاریک و مهربان  
نشو و نوش میگردند به این  
ناحیه های باید توجه شود  
و یقایی اصابون خوب آبکش  
گردد .  
ماشیز داخل حمام

هرگاه طرز زندگی تان  
اندوه بار و دق اوراست و  
(تفصیل در صفحه ۸۵)

## طریق استفاده

# ترک سیگرت

۹

## اُفْرالِشِنْ زِنْ

مطالعات جدید  
تفان داده است که  
ترک سکرت باعث افزایش  
وزن می‌شود. نتیجه اخیرین  
مطا لعه‌ای که در این  
زمنه صورت گرفته در شهره  
"تهرانکلند زورنال آف" مذکور  
بین به چاپ رسیده است. مهد  
بروس شان مهد هد که  
عوامل بسیاری از جمله نیع  
جنبت و تراوی من تواند  
تا شریزی دارد و بالا رفتن وزن  
پس از ترک سکرت داشته  
باشد.

اعن بررسی که (۱۰) سال  
پیش انجامده شان مهد  
که افزایش وزن پس از ترک سکرت  
اهیت دارد.

آسیهین در تواند از بروز  
حمله قلبی در افراد سالم  
جلوگیری کند در سال ۱۹۸۲  
بهتر از ۲۲ هزار دوctor سالم  
و تقدیرست داطلب شدند  
تا هر روز آسیهین باداروی  
مسکن صرف کنند برای اعلایی  
که آسیهین مخصوص خطر  
تصلب شرائی به تصف کاهش  
هاست تمداد ۱۰۰ مورد حمله  
قلی در میان این افراد  
و ۱۸۱ مورد میان گروه که  
داروی مسکن صرف میکردند  
گزارش شده طبق بروز  
سرپرست مسکن خطرناک  
طبی های را در تواند  
به لحاظ امراض چنان موثر  
بود که دوکوران مجری این  
آزمایش تصمیم گرفتند این طرح  
شده و در اطلب موارد موجوب  
مرکز کودک می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۸۱

## تولید واکسن ملنژیت

کروهی از محققان فرانسوی  
از انتیوت پاستور اعلام داشتند  
که واکسن برای کودکان علمه  
نوع خطرناک از منتهی تهمه  
گردد ایند. این واکسن مورد  
تایید قرار گرفته به زودی وارد  
بازار خواهد شد به کودکان  
۱۸ ماهه تا ۶ ساله نمی‌زد  
تزریق می‌شود.

در کودکان کفسراز می‌شود  
اغلب این نوع منتهی باکتریال  
که از نوع ب است بروز می‌کند  
وازیع خطر ناک این بسیاری  
که آسیهین مخصوص خطر  
تصلب شرائی به تصف کاهش  
هاست تمداد ۱۰۰ مورد حمله  
قلی در میان این افراد  
و ۱۸۱ مورد میان گروه که  
داروی مسکن صرف میکردند  
گزارش شده طبق بروز  
سرپرست مسکن خطرناک  
طبی های را در تواند  
منتهی غفت به تاخوی  
با استفاده از همراهی سلو-

تفسی و رهای کودک  
 منتقل می‌شود و تولید خنک می‌کند  
پاگاه تهدیل به ذات الیه  
شده و در اطلب موارد موجوب  
مرکز کودک می‌شود.

## پروتین سرطان

دانشمندان در سالهای  
اخیر اثواب مختلف از هرچون  
های طبیعی را درین  
پاگه اند که به جلوگیری از  
ایجاد سرطان کمک می‌کند.  
بنابراین تحقیقات  
هورمون که تولید و رشد  
کلولهای سفید را تنظیم  
می‌کند میتواند عامل موثر  
در کنترل سرطان خون  
و همین تغایر بدن باشد  
یک ازد وکتوران محققی  
در این باره میکوید آزمایشها  
انجام شده بروزی سلول  
های موثر و نسان نسان  
را می‌هد. این ماده در میان  
صد موارد عوارض خطر ناک  
دارد وین ۱۵ تا ۳۰ آدرصد  
مبتلایان نیز می‌میرند.

در این نوع خطرناک  
منتهی غفت به تاخوی  
با استفاده از همراهی سلو-

تفسی و رهای کودک  
 منتقل می‌شود و تولید خنک می‌کند  
پاگاه تهدیل به ذات الیه  
شده و در اطلب موارد موجوب  
مرکز کودک می‌شود.

## کودکان کم وزن

### هوش و ذکاء بالاتر دارند.

فرمیان و ضمیر جمامی  
مادر زن شان به هنگام  
تولد نظریز می‌زد  
عمول است در صورت تنفس یه  
مناسب در آینده از این  
رشد خود را تاسه سالگی  
جیران کند.  
پژوهشکران در بروز  
نتیجه کلی این تحقیقات  
میکویند بشربا استفاده از  
اطلاعات و سویم که در زمینه  
تفذیه و نحوه رشد انسان  
در سالهای اولیه به دست  
اورده امروز متواند بسیاری  
از کامن ها و اینجا برایها  
دوره حاملک راکه بروز شد  
جسم و روح کودک تا شور  
من کذاره پس از تولد جیران  
کنالته این در صورتی  
که علم به متأثث کرد این  
است که اینکات مالی و علمی  
لازم فراهم باشد.

کودکان در بیرون مادر را کند  
به عنوان یک صدای ویژه  
من شناسد و می‌توانند چند  
قطعه کتار متفاوت را از هم  
تشخیص دهند.  
کودکان قبل از تولد زبان  
پادگیری نیان مادری خود  
میکنند. این تحقیق تاره  
توسطیک است در این شناسی  
به نام "انتوش دکا سهور" صور  
رث گرفته است وی میکوید:  
راشخیس می‌هدند  
بطایلیات شان می‌هدند

روم باستان از ارزش زیادی برخور دارد بوده  
است و در مناطق که نمک نایاب بود، آنرا  
مانند طلا اونس او نس می‌ماله می‌کردند و در  
یونان باستان حتی مردم بود که نمک را با  
متخصص دیگری است که در این زمینه دچار  
شک و تردید است وی یافته های این امادر سالهای  
ماه لعاتی بین المللی را در مورد نمک کروه  
شده است: "نمک برای شما مضر است"  
هر فردی باقطعی با کاهش مصرف نمک سود و  
منفعت زیادی می‌برد. در زمانهای  
مختلف سازمان صحن جهانی، انجمن  
های طبیعی سات قلب و مرکز مطالعات  
طبیس هم که یکضدا کاهش مصرف نمک  
را توصیه کرده اند بعضی از منحصصان به  
ارتباط بین مصرف نمک و بیماریهای قلبی  
اختلالات گردش خون، مکته قلبی و حتی  
مرکز زود ران اشاره کنند بسیاری از دکتران  
لینهای، گشت و من امداده می‌شود نمک  
یک از بهترین مواد محافظ غذایی است که  
از آن در تمام محصولات شیرینی فروشیده  
قداها آماده، خرد و کسری هم  
چنین در انواع ادویه جات، حبوبات،  
مرکز زود ران اشاره کنند بسیاری از دکتران  
لینهای، گشت و من امداده می‌شود نمک  
این مسأله هم استند یک کارش جدید از  
بروفیسور سوانیر بر اساس مدارک و شواهد  
انجمن ملطفش طبی انگلستان حاکم است  
که شواهد کافی برای توجیه می‌است منع  
به مردم جهت خود دارای از مصرف نمک  
استفاده از نمک وجود ندارد. بروفیسور  
جان هامیتون از انشاکه تائهنکام که در  
وزیان مار طعم و مزه بخندیده است در

## آیا نمک موجب

بالا بودن فشارخون ناک مانده است  
از آن مسأله له هستند یک کارش جدید از  
بروفیسور سوانیر بر اساس مدارک و شواهد  
که شواهد کافی برای توجیه می‌است منع  
به مردم جهت خود دارای از مصرف نمک  
استفاده از نمک وجود ندارد. بروفیسور  
جان هامیتون از انشاکه تائهنکام که در  
وزیان مار طعم و مزه بخندیده است در

## تلریکی را شناس

### کودکان قبل از تولد زبان مادری آموزند

کودکان قبل از تولد شریعه  
پادگیری نیان مادری خود  
میکنند. این تحقیق تاره  
توسطیک است در این شناسی  
به نام "انتوش دکا سهور" صور  
رث گرفته است وی میکوید:  
راشخیس می‌هدند  
بطایلیات شان می‌هدند

در حالیکه کاهش نمک می‌ست پیغمی  
افراد کمک کند ولی می‌می‌کنند  
در حقیقت برای آنها مضر باشد.  
دکتر دیوید مک کان تخصص امیکام  
فارمکون می‌گوید:  
"ما اطلاعات فم انتز زیادی در بیماری  
سودم، کلسیم و هیاتم و نیز راجع به  
دیگر مواد شنیده ام، خطرناک است که به  
مردم یکنون سودم را که مک ماده مفتی  
است با ماده دیگر عرض کنند؛ در حالیکه  
نیز دانم چه ضریب و فشار بر دیگر مواد  
مفتی وارد خواهد ام، تحقیق کاران  
نیان من دهد که کیوید کلسیم میکنند است  
عاملی در بالا رفتن فشارخون باشد می‌وی  
میکوید: "اگر مردم سعی کنند ناکلسیم را  
با کاهش بقطع لینیات محدود کنند میکنند  
است بیانه افزایش فشارخون شوند.  
با این توصیه ها اخرين کلام در باره این  
چیز؟ مو سه قلب انگلستان می‌گوید:  
"لک یک ماده ضروری در زیم قدایی  
انسان است ولی مانند هر چیز دیگر یا می‌گرد  
در معرفت این چنین افتادل را خواسته ام.

در اخیزیش دشارخون دخول اند در حوال  
تکمیل هستند، مثل کیوید کلسیم و احتیا  
مکنیم و چاقی که از سودم خطر ناکراست  
وراثت و فشار عصبی.  
از آن مسوده بسیار دچار شوک شرودد.  
بسیج مقدار نمک برای بدن خوبی  
زیاد و بیش از حد محبوب می‌شود.  
برای یک فرد میدار غابل قبول ۴ تا ۱۰-  
گرام در روز است و با به عبارت یک سرم تایک

# کمپین ارجله فلبرداز اکادمیک است

وحید رمق آر صورت کرم بیمه

از گار فلبرداز ری گریم -  
ایمسد دو قام زایده ام . که  
به نظر من به تناسب کار  
فلبردازان دیگر میتوان او را  
بیشکام ترا دانست . وختن تفوق  
بیست ساله باکارها پیش  
داشت . گریم از جمله فلبر -  
داران . اکادمیک است . (یک  
فلبردازان ریبا یست واقعیت های  
عیینی زادر فلم های مستند  
سینما یعنی انکاس دهد ) که  
کریم بیمه کم و پیش چنین  
فلبرداز است .

وقی فلم مستند (برق)

کرده است و بیش از فلم های  
اخباری و مستند تهیه و به  
نمایش گذاشته است . تا  
حدودی که کار کرد های ا  
فلبردازی محترم رمق دا  
مشاهده گردیده ام و بخوبی

نواییم تا زوایای بیسیا د

منطقی

زاده

به ویره در فلم هنری حما سه

عشق ولی خبرم و حید رمق

زیلک خصوصیت بسیار عیده

درین فلم طرفه رفته کمسا له

لایت میباشد . کمودی

دیگری که در گار فلبردازی

اش به جسم میخورد . دو ر

بود نش از دینامیک از ارامت

جه باید کمره من با دینامیک

فلم بیونه نا گستاخی داشه

باشد . برای محترم و حید

رمق توانا بی پیشتر و کمبو

زیشنها ی خوب فلبردازی

در گار فلبردازی آیند ۱۰

آزو و میکم .

فلم های وحید رمق زوایای  
منطق را رخود دارد

محترم وحید رمق از شمار  
فلبردازان . فلم های خوب  
سینما بی و فلم های مستند  
سینما بی است که یستان  
عمر دره سسه افقان فلم کار

# تو بگو من هم میگویم لر علوته اسے

## غیاثی هنرمند مورب و پیکار است

کرم جاوید رمود فیلان

غیاثی از شمار هنرمندان  
ب تجربه و خوب تیاتر افغانی  
بوده هنر پیشه ایست مود ب  
و پیکار و متواضع طوری که  
من دیده ام از دو سال بدینسو  
یادسوزی پیشتر در تیاتر  
مشقول استندزهای دو سال  
او نتوانست دو نهایشنا مه  
خوب را به نامهای وطن یا  
کهن بر ق بیز بسته و یسه  
ایله میبرم که مجید غیاثی از  
این پیشتر در پیشتر فت کار  
ها تیاتر تلاش نماید .



کرم جاوید را میتوان از  
جمع صیغه نزین و برق کار  
برین همینه ن ساخته به شمار  
آورده همینه که بسیار  
خوب میتواند شخصیت را با  
رزش و حرکت جوش ایسه  
و کمی هم میباشد اجرای  
نماید . سال بار نهایشنا مه  
به عنوان انساطر نوشت که  
قابل بود جه بود آرزوی میکنم  
ت در آینه نو شنیدهای خوب  
و بیه ذوق مرد از این هنر پیشه  
خود داشته باشیم .

# لطفاً ...

# مشکلات

از

شعلاء حصه دم خیرخانه  
برایم عده اهالی خیر  
خانه سینه بعویزه حمه درم آن  
ایست کند رقب مازن رها  
پس آنجا کوچه های بوجود دارد  
نهام برس کوچه ها که  
موارد فعله چندین مازن دارد  
آن جاتجمع میماید که این  
نکه در ذات خود مشکلات  
فراوانی را به اهالی به بار  
آورده است زیرا امراض سیار  
خطران و بد هنر به سهولت  
میتواند اسکنگی کند که  
واعفان آن هاشود . تقاضا  
میمیم تاریاست تنظیف و سر  
سبزی شاروالی کاپل درجهت  
دفع واژین بردن این کوچه  
های کم عرصه کیف اقداماتی  
جدی را بعمل آورند .

بیانیه از سفحه (۲۴)

که مجموعاً سه مدار طلا  
شانزده کپ فهرمانی «جندین  
مدار نقره و پیشوار دیبلوم  
حای ورزش از جانب  
فرد راسون های پهلوانی به  
دست آورده ام .  
اگر بتوانید که دراین مدت  
شاکرگذانی را ندر زمینه ورزش،  
پهلوانی تعلم داده ایست  
با خیر ؟

مسئله که دراین مدت  
نه تنها برای خودم و برای  
مو فقط خود فکر نموده ام  
بل حدود چهل جهان  
پهلوان را تقدم جامعه نمود  
ام که اکنون همه آنان در  
مان سایر پهلوانان بروزنه  
وشایسته تر هستند که کار  
هر کدام ان ها برایم قابل  
حساب نباشد .

عبدالرؤوف بلال «همیشه  
در وزنهای ۶۸-۵۲ و ۶۸  
کیلوگرام سایه اجرات سوده  
است فعلاً به حیث ترتیبی  
مل جوانان را آموزش میدهد  
و نه معاون فرد راسون پهلوانی  
میباشد او به این نکه میشه سفر های  
ورزشی ورزشکاران به خارج

از کشور لغوه من شود .  
چنانچه فرایود به تاریخ  
۲۵ تور سال جاری عازم کشور  
ایران جهت اشتراك در  
هشتمین دور بازی های  
اسهای وارد تهران شوندگی  
بنابر ملحوظات مختلف مفتر  
ورزشکاران به کشور ایران  
فصح گردید .  
 فقط ارزو دارم دراین  
فضای بزرخور نسبت بسته  
ورزشکاران تجدید نظر شود .

## اگر توجه فرمائید

نحوه شاداب شاگردی  
نیما افشاری

نحوه از خیرخانه  
شاید یک ایسوولیت  
ترافیک شعری گاهی متوجه  
ایستاده برازد حام سرمه  
های پوهنتون - علی آسود  
شده باشد . اما همچنان  
نهند شنیده اند که دراین  
ایستاده نیازی به سایه بان  
است یا به . دیگر چون در سرمه  
بل باع عمومی آلت پوهنتون  
عده بیشتر را کمین رامحصلان  
میبازند و وقت وامند نیا  
نیز همه روزه است بسی  
گرسنگی دارند درین صورت  
تجھی بفرمایند کارنیکس  
از آن خواهی شد و از این

## بینویسید

### نذر آشیان

نیمه شاداب شاگردی

در در رای ده سال  
بسیم . تمام شاگرد ام مکاتب  
شعرهای دیروز پیش  
خوا ام ختند ام اسال بک باره  
مقام درزات تعلم و تربیه تصمیم  
گرفت تایاره پیشیست سایق  
را عطی نماید . نمایم در راین  
جامسرویت مانگردان که  
در جریان این تظام فرار  
دانم چی خواهد شد ؟ آبا  
ما به طور اساسی تازیست  
سابق استفاده خواهیم کرد  
پا سیستم تو . درین صورت  
با چنین برآمده های نیوان  
از آن خواهی شد و از این

میم الدین از بزرگه از این قیمت  
از زمان اجداد بزرگه از این قیمت  
به ایسو . همه اهالی آن  
جا . از اش و خان زمین های  
ساحه دولت اشغال میکند  
که این کاربپ به وجود آمد  
خدق هاو چفری های زیاد  
گردیده و طبعاً دراین  
مشکلاتی را بابت خواهید  
گردید . امید مقامات مرسوط  
و سریع دیزمه تدبیری  
انتخاب کرده نگارنده تا بین  
از این زمین های هموار  
خدق هاتبدیل شوند .

## مکرر هر کار

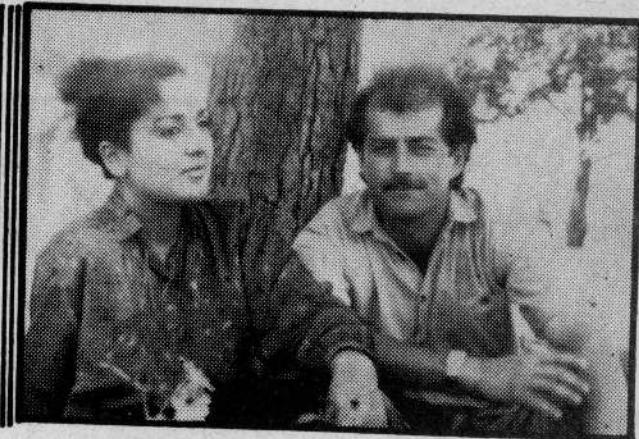
زحل فضل طفل ۱ ماهه  
خیلی خوش خلق است  
اوکدی و کلها پیش را بسیار  
دست دارد .



فرید رستگار بد ریخت  
مردم مانشوار است که میتوینه:  
که در رفت خود میاید اتفاقه  
امریز نیست و چنان جزوست  
که باد وارد همین سالروز  
وقات این هرمند والامعا  
بست دارد .  
احمد ظاهریت بد بد .  
بود . بیت شبتاب بود .  
آند . درختید و رفت اما  
هرس زمانه گارهاران است  
هنوز مید رخشد و پوشت  
شده میود . ابراحمد ظاهر  
امروز بیت نقطه موضعی  
تبديل شده است . فردابه  
بیت بیک ریخت خواهد شد  
بیایید او را بیدونه مسلملق  
به نسل گذشته بخوانم . او  
هرمند بیوتب نسل حاضر  
بود و است .  
وچمه : تهاکنیست  
از میان همه قابلیت های او  
صرف از منجره این باد کنم  
خنجره ای اتفاقات بود . مثا  
و عربی حقیق احمد ظاهر  
فردا که ذوق مردم از من  
هم بلند بود و افع ترا  
خواهد شد .  
این درست است که  
احمد ظاهر برای شنوندگان  
کوئن خود پله خاطره است  
اما همین خاطره موافقی  
ترزاوتنیت وجود خودش  
میباشد .  
گاهی متوجه شد ماید  
که در تهاکی چه چیزی را  
زمزمه میکند ؟  
فرید رستگار : گاهی  
نه ، همه ، آواهای را که  
دارای بیتم های معتقد لملام

گذاشت و توانست گریه کردم  
احوال نمیدانم چه کنم من  
خودم را از نده کی ام را و  
آینده ام را کم کرده ام .  
و حق صحتش به اینجا  
رسید خاموش ماند . لبیز از  
انتصار بود چ شمان اشک  
آلود شرابه دهانم دوخته بود  
مخواست راهن پیش باش  
بکارم ولن من راهی رانید .  
بیدم که فرجا شر و شناعی باشد .  
اگرچه اویاک به دنها آمد  
بود ایوک تکه مو بود موس  
که آماده بود به هر شکلی در  
بیاید .  
با خود اندیشیدم هاگر بحیط

بیکوم که در چنین موقعیتی  
از شخص سخن گفتن گام است  
اما باد ریزد اشت پک نکته :  
اول میعن سیر هرجیز بد .  
- هرمند پای در روحه و قلبام  
در خدمت مردم پاشد .  
لقطه . به عقیده من لایز  
بیست کس در روح شخص  
خود را (بی انداره بایسا  
آن داره ) سلیقه و تعلیمات  
شخص خود را (اصلی یا  
نفس ) بالای مردم تحمیل  
کرد .  
برخی هاهم به خود دید  
به مردم تهمت میمند .  
میخواهد با چند زست و ادای  
درین حال مقصویه و قابل  
ترجم ثابت بسازید که فرم  
فردو ی من غم ملت من است .  
خوب هر کس در زندگی  
خود بارز هاوشناد بیاپس  
مواجه میشود . لیکن این دیگر  
حاجت به داد و دین داد .  
مردم ندارد .  
توسط هر زیبا پروری رزم  
های مردم نمک پاشیم .  
با پهلوکشید ریختن فضای  
حالت که میعن مانداره ،  
برای هدیه شعاع است .  
عواطف خالصانه ، سروی  
بید اری و آنزو های انسانی .  
هدف مند و احساسات  
باک افمایی مانعه را  
زیزمه کنم نه گزمه های خوابید  
اویواه لاهایی تصریح  
و تشنیلی را .  
+ تمد ادی از خواسته .  
کان سیارون میپرسند که  
وچمه و فرد رستگار ریسarde  
احمد ظاهر چی نظر دارند ؟



پیغام از صفحه (۱۷)

پیغام تین و نایاب تین اشعار  
قابل باد کرد و توصیف است .  
- کس که میخواهد بسراي  
مردم بخواهد ، باید هدف  
و روازن احترام قابل شدن  
به تقدیم هنر برای مردم .  
باشد . نه اینکه برای من و  
سال خاص و قشرین جئت  
کسب شهرت و طرفدار اراده اف  
خود را به پیش ببرو . براي  
هرمند نایشه نیست که  
باهازی کردن و سو استفاده .  
از در قیات و طرفداری صرفما  
قرش جوان به هنر لحظه ها  
بچشم و صرف همین امروزش  
را بینند و همان دایمیه .  
گن راک تن چند به هدیگر  
تحسین والقالب میخشنند .  
هرمند اگر تواند باید براي  
همه گان بخواند و نه تها  
برای امروز بلکه برای فرداها .  
در درس زمین بر انتشار مان  
سگ و حاک و لیگ باعث  
بیوند دارد . هیچکس نیتراند  
این را تکاریک نمیخواهم  
میکند ؟  
وچمه : با ظاهر سیاسی و  
شکران زیاد از لطف دستان  
بنزیگوار که چنین عقیده دارند .  
این یعنی نظر است .  
در باره آوار چنین گفته  
نیتوام . اما در مردم بخش  
د همیخواهم به چند نکته .  
خان اشاره کم :  
- اگرمن در انتخاب  
شعر حسائی و کجا و ایست ،  
در راین با هنر امیر جان  
صهوری ، با پیشکش نمودن شا -

# امروزه که بر فلیش ...

پیغام از صفحه (۲۷)

حساست چ بیزد . پک رو حقیقت  
زنده گی چ بیزد گراست .  
اگرچه فراموش کردن من  
برایت دشوار است ولی باور کن  
من اخ - اساتم را و قلم را

روزی بعد فقط پیک کاک شسته  
شده ورنکه الوده نزد مانده .  
بود . مردم های میگویند زن هزار  
چهره دارد ولی من با راول مرد  
باد و هزاریک صد چهره .  
دیدم .  
شانمیدانید و حق نایم .  
اورا خواندم چه گونه آتش  
کردم . چگونه سوختم هیوانه  
شدم . طاقم تمام شد . برای  
اولین بار بادل انباعه از  
غم و سری ملواز جنون باش  
خسته در حالیکه در انشتی  
میخوتم به یک از دوستانم  
که از دوست من و محمد آکاهی  
داشت پنهان بدم سرد گاکنم  
هم آن راشتم زیراکه دو

رضیبهد و زندگی تو قیانی  
میدهم . آخر توانیک خانیاده .  
سرشناس و بن ایلک خانیاده .  
 يجعل العوت بوده ام .  
اصل اتفاق این که پدرم چه  
کس بوده است . مادرم نیز  
معدوم نبوده است . نمیدانم  
در کدام بدنام خانه عی .  
دنها آدم و در کج کدام .  
کوچه یا مسجد آنکه شدم  
وکد ام زن بی فرزندی بیزدگم  
کرده . این بود حقیقا  
نایه ایکه من بارها آن را .  
خواند . میباشد که دیدگانم  
هم آن راشتم زیراکه دو

# پیش‌نیازی

پاپی د ۱۹۷۴

قاطعه بیت بندو د دغه رازد  
و سلموال عموکونه سل لانگا  
نه ولنل تر خود سینه های  
بیو کیوار اتمال لزه کیوت رترخو  
شخنی پایی ته ورسی هندی  
خواکنه تول دوه نم کاله  
به دغه جنک ک راکیور وترخو  
جن به ۱۱۰ کال کی میس  
خبل قوتونه راکبل .  
راجید خیلی جون رسا ی  
ددی لهاره کهیات چن  
دی دکانگر کونه رهبره د  
دمیراث کوهه خبره به من کس  
نوعه داهی میون کانه به  
خنکه قدرت به لار کن نیولی  
قد به دی بزری ی اره در  
لوده چن یویه بویه کله پنهه  
وه اوله بل خوابلار خسرا  
شهرسری ده باهی دویه دوایه  
چن جواهrlal هن کله داس  
خیال ته دل دلود تر خود قدرت  
پاره به خبله کیشی یویه  
سلسله رامن کری ؟ خسرو  
دوسته کله چن دلندی لمه  
نم غشنه به هندک سلسله  
ججه شوه د بیوهند وستانها  
بونه داپوسته را پیدا شو چن  
خنکه یوانی بیو کری کولا ی  
شی به هیوار داسی شتر  
بولویو یه هر حال  
راجید خیلی میون راکاندی  
او خبل نیکه جواهrlal هنرو  
ترظن لاندی لوی شو دده  
هیله داره چن به بین المللی  
سطحه کی هندوستان ستراو  
قیوی ده فویتل چسی  
د جواهrlal عمل بخواهی ایه را  
کلاندی به لیاره ولار شسی  
اویه دی خاطری هلی  
فلن هم وکری پیدی هنکه  
کیدای شی چن د هسته میس  
و سلوخنه باکه نمی اعلامه  
به افراقا ک د آزادی پیونکی  
نهفت وچن صدق پرانستل  
اور فلسطین دخلکله آزاد ی  
او حقوق خنکه کول پیاد  
کرو .  
به داس حمال کی چسی  
راجید نیویانشاخا تولیاره  
کیان کا ووت خود قدرت د رسید  
وارد خبل کونه برا الیتو پ  
لیاره دخلکواری راتولی کری  
د ترورستانله خواهی نامهوانی  
سره دلبل شو دده پیه  
مرک ته بیانی شند وستا ن  
به زر اشو بلک د نزی توی  
خلکی خواشی کرل ا ود  
تزویستارونه نامهوانه عصل  
ی د موکراسی ته بیل کیا خن  
ن باله .

مرگ دیوسته به خلوبست کانی  
کی د خبلی کونه نی ددمه  
نسل د استاری به توک دهنه  
دحد راضیه بی خیت و تاک شو .  
به ۱۹۸۱ کال کی راجهسو  
خبل کونه ته می ساری  
ماله توب به برهه کر ده  
دهندوستان قاوند بیهوده و  
سره فویتل چن د مکاری نیزه  
دی ای بکی ولری ؟ خسوده  
د اهله ترسه نه شو او بیهوده  
شیجی د چون ایا کستان به  
مقابل کی د خبل غمان دد فاع  
تد اهورونی . هدغه رازدده  
د حکومت به خت کی لمه  
شیوه اتحاد سره دهنه  
حنه ی تر دعا یار یکی لفته نی  
شیوه اله سکونخه بی اقصا .  
دی اونظانی کونه ترلاسه  
کرل . راجهوله امیری سره  
همار یکی توندی کری . بخوا  
له امیری سره دغه ار یکی  
پاکستان ته د سلو و سپاریلو  
به خاطر سری شوی دی .  
راجهوله سیاستند ار ایز  
سرمناست ولاری ته د وسیره  
مل نه دل دلود خود خلکسو  
به منع کی به دی خوشحاله  
و د دده ملکو شمازار نوکری  
لیه کری اوله خبله گمانه حوسا  
ونیچی . راجهوله دی .  
د عواب و کولویه خاطر دزرو  
سیاستند ار ایزه لوبید ایل .  
ده د خبل کاریه موده کس  
ستراکونه سره و رسول چسی  
د هنوله جعلی غممه له خسرو  
سیاس مخالقویون بونو سره  
به بیه میز کیانی است ای خبری  
ی ورسه وکری . دفه  
کری بونه دده د موریه وخت  
کی سیاس د بیان بلک کیدل .  
ده دینچاگ ، اسام ، میزو .  
رام او جعواو کشمیر لی یاقسی  
رهبرانو سره سوله وکری ؟ خو  
دده د کونه د بیه و د رفه  
بول تیریدن اواتسی زیر کولو خونه  
شکایتنه وکرل او دیوسته  
کله چن به تیوانشاخاباتکی می  
منع بیه ترلاسه نکر نو د هنونی  
تیونیلاست وونه .  
راجیو بی خبله کاپیه  
کی خواره بد لون راوه است  
اوحت له بیهوریز زایل  
سنگ سرمی هم جاروجنجالونه  
د کل ایه کارونیکی یه له مانه

صورت میگرد و اتحاد پی  
نه شعا درای مورد بلکه در  
تم گشته های حیاتی ها  
جوانان و در کار آنها به  
بشنیان دایی می ایشند .  
اما ماکه در عمل چیزی احساس  
نکرد ، بروکر برخی از شوار  
پیای ماهه شعا به همان  
شیوه ۳۷ شسته خود به اصطلاح  
شده شد . بلکه در ساره می  
از موارد جنجالی تر .  
گشت هوزم هم کمود بود جمهه  
هنوزم همان وسائل کعنی .  
غالباً درخانه ترین میکنیم  
ویت نکه دیگراینکه ...  
وچیه : بجا چاره فرید .  
جان ... من خواهیم چیزی  
را که درباره موسیقی یا میله  
قیله میگذم ، د راخین شوی .  
زید از رام امروز کردی بود .  
بعقیده من آوازخوان  
واسماه هرمند به جای  
اینکه به متوجه شعرت و  
تعداد حاضرین و تماشاهان  
موجود شده بشهد . باشد  
در رنگ ساحه نفوذ هنرخود .  
یاشد . شاید برای بارچه  
اهنگ امروز آنرا تاد وردست ها  
با خود زمزمه کند .  
تجاه رهنی لکه در هنرچیز  
کمی تعمیم انداده نیست .  
هر ارجحیت نهایی شما  
یک جهان شکر .  
فرید رستکار : تنکر  
از خوانده گان و علاقمندان  
گرانایه که عنوان سیاوه ن ،  
نامه فرستاده اند و سیاس از  
دست اند رکاران سیاوهون .  
اما حرف های من ناتمام باید  
وچیه : و تشكرا زنما .

د ازام باشد .  
وچیه . بیشتر آهنگی  
احمد ظاهر د ایشوردا .  
۴ به که الات موسیقی  
دسترسی دارد ؟  
فرید رستکار : به هارونیها  
آرگن . اکور یون ، گیتار  
و چند تای دیگر .  
وچیه : تحت نظرت محترم  
احسان نوشن و هارونیها آشون .  
۴ درختان ن آیند سوسن  
مساخر کشیده اند رسیاپی چیزه  
کس میبینید ؟  
فرید رستکار و چیه لی .  
پیاناوارا ) . وحید قاسمی .  
۴ کام گفت دیگر  
که بتانید کبدن پریس آسرا  
ط کید . دارید ؟  
فرید رستکار : کابی خوانی  
های بیزه بمعکنه گاه مدل شد .  
استدعا کم این مود نکمی .  
گاهی از میان برد اشته شود .  
وچیه : دعا کم مریمیں  
ایجاد شود که جوابگوی نیست  
نیادی از خواسته های مدل شد .  
مندان باند (الگیا خوشگویی  
هم نیازها یعنان شده بیتواند )  
پیخوا پد مصاحبہ نماید .  
با جس جلاش بایان باید .  
فرید رستکار : حرب های  
دان در مورد وحده های که  
در رکن اتحاده های جوانان  
افغانستان . گفتند شده بود که ...  
وچیه : فرید جان ا ازان حرف  
ها صرف نظرکن . معنی  
نیست چاپ نشون .  
فرید رستکار : چرا چاپ نشود  
هم ماست .  
هان ایقتضه شده بسود  
که در عرصه هنر توجه بیشتر

رس فهیش دادند . فرمایی  
که چون گلبرگ کلاپ لطمی  
و محطر بود .  
اودیک حداده ترافیکی  
کشته شد وی من مهد انتقام فقط  
خدمام مدادنکه فرمایی  
خاطر فرار از آینده نامحلیم  
و تانکش با پای خود به آمیخت  
مرک شناخته است .  
اکنون که این مطهورا  
میتوسیم پاد دختری که روزی  
از من کل میخواست به سختی  
قلیم رام آزادی همراه  
چشمها به پرده میکند . و فرم  
سنه ام را تا سرحد ترکید ن  
پر کرده است .

تریوت اوینی دست که او را  
در مشت داشت توانا و پاک  
میبود هر کثر حنایت زنده کس  
اش چنین بدندر فرام رقص  
نمیشد و روزگار از نهن تیره  
نمیکردید آزادی بهتر از حد  
ادرا با پاها خود خودش بسته  
منجلاب سقط کشاند و خود  
باعث بر بادی و تابودی خود  
گردید .  
واکنون براهم مکنند فرمایی  
مرده فرمایی کما هل فرمایی  
نبود . فرمایی که همچه  
راست میگفت و هی خاطر راست  
گوی خود سوگند نمیخورد .  
فرمایی که خود لی خوب بسود

# کلینیک

د (۲۱) من پاتی

تائب مستقیم پول ویر را -  
رعاایت کند و دستین و تیبل  
ترین فروشنده ممتازه برجمن  
فروشی کسی است که نتواند  
از صاره برجمن فروشی مار  
بکشد .  
س - شخص رادیدم ارز و  
مکرک کاش کوش نموداشت  
حد سیزند چرا ؟  
ج - بلی :  
به خاطر یکه صدای نز  
های مرسم اور را بگوشت  
نشنود و با اینکه خشون خوش  
اخلاق دغفل داشته باشد  
س - اگر چو لنس بودخا -  
نواده دختر از داماد چس  
میخواست .  
ج - از داماد بر علاوه  
(۰۰۰) پیاز هکجالو شلفم  
زد که کارتون گشت ، مربای  
رواش واچار زرد الو میخواست ،  
س - اگر مکرتیت از شکل  
بعضی ادارات کم شود  
رئیس هاچه خواهند کرد ؟  
ج - به مدیر کرد روپرسون  
هدایت میدهد ، تا شعبه  
جدیدی بنا تزئینات ریاست  
پیشنهاد و مظفری بکند .  
س - اگر رئیس من بودید  
خوشنیدنیتی رئیس ملی بس  
باشید یا میتوین بس ؟  
ج - هیچکدام آن به خان  
پا رئیس ترانسپورت مکتوب  
خصوص نخورد .

زی اولم خبرنگاری  
زم تل به نه اتریهار .  
که واخی خبرای نکاره  
دل من از غصت پاره یا ره  
محبت چی بلاشده به جام  
همینه به شمس این بتانم  
نزوه من نه نالارم بی له بیاره  
که واخی خبر .  
اوداخته سید کل دواستک  
جیب دموتر د سیار (تیری  
ترپ ۰۰۰) راوه اونا خواجه ای  
د (بیز بیز) غر کار ، ترخو  
سید کل ته خبرنگاری چس  
گوته روزه شوی ده .

## محلات طبایت

بچه از صفحه (۳۵)

و دانه داردیده موشد .  
۱۰ - ۰۰۰ و بالآخره  
کودک که دارای یت چشم  
بود و بشم آن در قسمت  
متوسط پیشانی بالای بینی اثر  
فرا داشت .

## ماعاش و خک

بچه از صفحه (۵۵)

مادر رامنځیم که اهسته  
اهسته میگرد و میگوید :  
" به خدا خودمه میکشم ده که  
حواله برم نمانه " و من  
از شنیدن سخنان مادرم -  
و حشتنده موشوم شاید به  
راستی هم یک روز به کلی  
خسته شود . شایدیک روز  
نتواند تحمل کند زیرا زندگی  
مثل یک د و زیارتی باستیال  
است که به بردنه وجنه  
بازنده باشی درختم بازی  
خسته ای " و این دو را که  
من من بضم هرد و خسته اند .  
یکی از هر خصب زیاد و غیریاد  
زد نهاده بگردی از خامو نز  
ماندن وس فریاد بسون  
خود شر .

نود و خته به بی خان چمتو و  
کر پی د دکل و کر پی د  
به غاره داسی هسته تیبه  
که الله دن جانود او بیه  
شکی ترول نوی چرکه داریم ؟  
شانه هسته تیبه کوی سید کل  
به هم د سر ت لوره زرده کسی  
هداس نواهیا به بیه  
کیهانست . نه و بیه ل خوبی  
در بیک و هلی موتر لالم ولله  
مخام نری بار بیز بیا دده له  
غور و تیغه د له بسته خخه  
د ماشیانوازی مخولی ل غر بوره  
راته . سید کل هداسی به  
خونه سیل کاوا و نیاست و دموتر  
بعه که ند یتوب لاخ روبیه :  
- سام خدا ، زیبدی لوی اشنه  
... ل خیره ترمازیکه رسیم  
... بیشه کر و کله د  
- ... که کم انسانی بی بی  
بعانی جان بیهای بیعی  
نه چی باز ریشی  
نی صی ولی در نوی .  
اوچی شمله بی باد بیله دی به  
به تیت شو همه بی له شاری  
را تارکه لر بی غم نواهی سیده ره  
خونه و زیری بی نری باد د موهره  
سره ره خواهی راهه :  
- نین خالی ماته رالی لی  
چون رسیار دی بخت من بیدار  
دی لدم (۱۴۰)  
د واستک به جیب کسی  
می قیمتی سوغات ای بیں لکه  
نیمه د بیابین جی جیب که -  
وی :  
- دل من از غصت پاره باره  
که واخی خبرای نکاره ،  
چی قدرول ، بی رحموده اری

نود و خته به بی خان چمتو و  
کر پی د دکل و کر پی د  
به غاره داسی هسته تیبه  
که الله دن جانود او بیه  
شکی ترول نوی چرکه داریم ؟  
شانه هسته تیبه کوی سید کل  
به هم د سر ت لوره زرده کسی  
هداس نواهیا به بیه  
کیهانست . نه و بیه ل خوبی  
در بیک و هلی موتر لالم ولله  
مخام نری بار بیز بیا دده له  
غور و تیغه د له بسته خخه  
د ماشیانوازی مخولی ل غر بوره  
راته . سید کل هداسی به  
خونه سیل کاوا و نیاست و دموتر  
بعه که ند یتوب لاخ روبیه :  
- سام خدا ، زیبدی لوی اشنه  
... ل خیره ترمازیکه رسیم  
... بیشه کر و کله د  
- ... که کم انسانی بی بی  
بعانی جان بیهای بیعی  
نه چی باز ریشی  
نی صی ولی در نوی .  
اوچی شمله بی باد بیله دی به  
به تیت شو همه بی له شاری  
را تارکه لر بی غم نواهی سیده ره  
خونه و زیری بی نری باد د موهره  
سره ره خواهی راهه :  
- نین خالی ماته رالی لی  
چون رسیار دی بخت من بیدار  
دی لدم (۱۴۰)  
د واستک به جیب کسی  
می قیمتی سوغات ای بیں لکه  
نیمه د بیابین جی جیب که -  
وی :  
- دل من از غصت پاره باره  
که واخی خبرای نکاره ،  
چی قدرول ، بی رحموده اری

محل در کت  
بعده از صفحه (۲۲)  
موسوزد آخر اعلاوه بر انکه  
باید به کارهای خانه برسد .  
بیرون از منزل نیز وظیفه دارد  
تا من اقتصاد خانواده مکن  
از حرکت نایستند و این دو  
و سیمه بذات خود بیرون شانه  
های مادرم سنگین میکند .  
با مشاهده ظلم بی خد پدرم  
بی یاد نوستیم من رفت که در  
یک از شریه های خارجی  
خوانکه بودم در نوستیم مادر  
بود که همانساز هم زاده میکند  
خوان ایستاد اشخاص شورنا  
سلطه جو هستند و علاقه  
دارند که درست شیوه هزار

با تبخل نیز باشید و استحمام روزانه با صابون عادی و آب همچ نیازی برای شما نیز ساند و می دارم را تب شدید افسف سرد ضرور است. آنانکه دچار پراپل های قلبی، فشار خون بلند و هایپر تنسیون استند ترجیحاً باید از آب شور کم استفاده کنند ( درجه حرارت آب باید مقامن درجه حرارت بدن نان باشد ) استعمال آب خلوک گرم باعث افزایش عرق شده که باعث کاهش مایعات بدن میگردد و این عمل باعث کاهش حجم خون شودیده هفتارخون سقوط میکند و جریان خون به عضلات تنفسی رود کاهش میگردد و دران خون مختلل میگردد و در توجه مقدار اکسیژن کاهش میماید. سرگوش همچو دیگر نش و ناتوانی از جمله اعراض معمول است.

بزرگسالان به ویژه آنانکه به بهاری شکر دچاراند و از تابعه دوران ضمیر خون رونمودند باعث است از استحمام گلولانی و آب سرد اجتناب ورزند نیز ماجرا ری خون در پاها منقبض میگردند و در توجه پاها کمود شده موجب اتفاقات عضلی باز خم میگردد.

پس از مردم برای بروز کردن درد کمر بدهان - استحمام آب سرد میگردند ولی اگر آب سرد توانست بیند واقع شود، روزی چارسا ر نه زیاد در تاب آب گرم قرار گیرد و آزمایش کمود تکه دفعات زیاد نشود در غهران مکتسب درد شدیدتر گردد.

برای کاهش دردهای زمان قاعده کی استحمام با آب گرم را فراموش نکنید. گرچه جریان خون نان را سریع و عضلات نان را راحت و ازاد میسازد و درفع اتفاقات عضلی کمک میکند.

کودکان شان بهد ازند، زیرا ناس مادر به کودک کمک میکند تاماد رثرا خوسته بشناسد. افزون بران مادر متواند غرفت ها و عوارض پوستی کودک را به خوبی درک نکند. گرچه از رون ناریمال وغیره معمولاً به خاطر ماساژ استفاده میشود ولی رون آفتابگردان ترجیح داده. مشود زیرا این رون لینولیک امید دارد که قادر بر کسانی هم مستقیماً از یوسوت گذشته و داخل چربیان خون میگردد. افزون بران، این رون و سله بسیار کوچک تخدیه برای کودکان نایاب نکام و آنانکه هملاً به سو تهدی اند شمرده میشوند از رون خردل ( بادام ) بجهشید زیرا موجب حساسیت پوست شده متواند باعث غرفت حجرات میگردد. همچنان از آنداختن رون در گوشها رون کودک خودداری کمود.

### زنان حامله

زنان حامله باید از استحمام با این که درجه حرارت آن از درجه حرارت بدن انسان خیلی کمتر باشد اجتناب ورزند. زیرا آب گرم متواتد موجب افزایش جریان خون به تایه لکن خاصه شده و در توجه میگردد. زنان حامله هنگامیکه خیلی باسرعت از پر کرم بلند شود به زودی دچار سرگوشی میشوند و در ماهها نخست املاک صفت نویز موجود است. هر پند در ماههای آخر، اگر زن حامله به خاطر رفع تشنج علatis خود در جوان و سله استحمام که صرف لکن خاصه و ران های پس از این آب شیر گرم گردد بنشیند. برا پس از خیلی میگردند واقع خواهد شد.

### در صورت بیماری

برخلاف عهده عمومی، حتی اگر دچار بیماری عومنی مانند سرخکان چچک

بعد از استحمام جلد تن را مانند هیدوآن را باید از خشک شدن نوازش دهید. هرگاه جلد تن طوریست که بعداز استحمام احسان خشک میگردید هر طریق بنگهد اید.

موقع برآمدن از حمام خود را باحوله کلان تر که بیجانهند موقعیه که از حمام برآمدهد، از فوار گرفتن در هوای خشک و سرد و هیجان از نشست نیز بادیکه ( به ویژه اگر سرتان را شسته باشد ) جلو گیری کنمد. به سرماخوردگی کم شده است دچار خواهد شد.

### حفظ و مراقبت از ازمام

همشه ترجیح دهید که حolle شخص داشته باشد زیرا باکتری های که باید نمیکشند معاشرها بفت دارد شاید برای خصوصیت دیگر ایجاد غفو نشود. زیرا هر شخص همچنین معافیت جد اگانه دارد. حolle تا راهنمایی بکار باید شستشو کند. بعد از شسته و آن را خوب آبکر نموده زیرا بقایای از صابون خاصیت القیلو آن میتواند واکتری های برای بود - است ایجاد کند. بهترین طریق ضد عفونی ساختن آن خشت کردن در زیر نور افتاب است.

بررس حمام: همچشم دندانه های برس را بعد از استفاده بشود و آن را به حالت آویزان نگهدازد تا خشک گردد. زیرا رطوبت میتواند زمینه مساعدی را برای عفونت بوجود آورد. برس را برای مدت زیادی نگهدازد بلکه در موقع لزم به تعبیه آن بروز ازید.

احفظ هکمه و برس ها باید خوب قشیده شده و آیکنتر شوند. صابون دانی ها باید همیشه خشک باشد.

### استحمام کودک

نان آن جاکه مکتبت همادن باید خود ننان به استحمام

س- از اواز خوان های راد بتویزیون ای خوش تان میاید؟ چهره اش زیبا باشد و یا اواز خوش و گمراحت باشد؟ چ- جواب این سوال راما نصرالدین مکوید.

شخص از ملا نصرالدین پرسید ملا صاحب شور مخوش تان من آید یا پلو؟

ملا بعداز آنکه لبهاش را - لمیگفت بین دود و دست قضاوت کردن مشکل است.

س- چون شما سایق دا رتین طنزیویں کشور -

استنه به نظر شما درین من جوانان کدام انتخاب در طنز خوبی استعداد خوبی دارند.

ج- گرچه روانشناسان برای معلوم کرد ن استعداد خوبی و طنزیوی ده سوال جد اگانه

از خوارهای مجله های خود نشود. همانهم بعینده من درین جوانان زورنا -

لوقت عصر ما این سه نفر - استعداد طنزیوی خوبی دارند.

( نامه اسوسورش ) .

س: تلویزیون را تعریف کید.

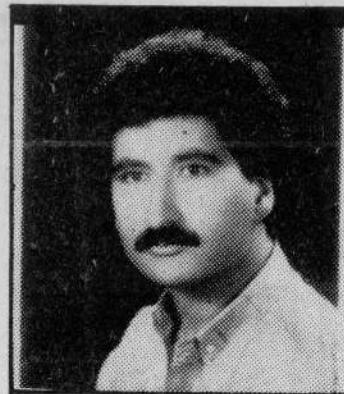
ج: اسان ترین و سیله انتقال امر از غرب زده تی و خارجی برستی بشمار می اید.

# استحمام کودک

بغیه اصفهان ( ۲۷ )

احساس میگردید که تشنج در پایان روزاچ میگیرد خود تان خودکار نمود اوی شنید. میتوان بولایین بسته رازما بیا ز داشت ان جام استفاده کرد، یعنی خود را ماساژ دهید.

### بعد از استحمام



## صبوری

(۱۱۱) بقیه از صفحه

امیر جان صبوری هنرمند با شخصیتی است که هرگز خودش را هنرمند راه رکس نمیکند، به همین دلیل است که نفوذ هنرمند میز همارا پیموده است. اندکارهای هنرمند یک سیای آشنا را بی هواخواهانش در شورهای اتحاد شوروی، چکوسلواکیا، آلمان، ایالیا، ترکیه، کورسا، متولیان و بلغاری میانشد.

صبوری افزون برآجده که گفته شده است برای شماری از هنرمندان به نام کشور مان از جمله شرف غزل، جیب رستکار، هم آهنگ، سحرور، جمال، وحید قاسمی، روح الله زین، میرزا رخشانه، منی و هنرمندان بین المللی (بیکد من) در شعر سوچی و کگره، مرتاضی کیوزنیتووان، جهان در اتحاد شوروی بود.

صبوری همواره از دوستان و همکاران با فرج راه اش بگذری و حرمت خالصانه پاد میکند و تلاش‌های مبتکرانه نزد رستکار ووجیهه را در رهمه جایمیستاید.

او میخواهد به کم رباری فعنون هنکاران، آهنگهای شرقی را کاملانه با موسیقی ستار آرا پیش برواند هد سیارون آینده این هنرمند محظی را فروزانه رو رختند و تراکون میخواهد.

(سازوون)

## بهترین اطمینان شسته باشید

لرزه از صفحه ش پس و معلو مایع طرفشویی راستفاده کنید، بیشتر آن را خلاهید بعث ش با خرید دو کاترین مولاد مایع طرفشویی مرتضی تجایف جداگانه نیز بسته کنید. زین مولاد مایع لکه های خوب را بخوبی میزینم مربو.

**آرکس، کچی بازیست** . جاوده است تیغون ۲۰۵۰۹، نماینده دکان پوشاک کوچه منتهی تیغون ۱۳۶۲۹ طور پر خوش بود که نخواز شهروستایی

## دفتر معلم

نه برای نخستین بار پیامبه مکتب گذاشت هما روز نیز یک نخستین دیگر در زندگانی کس من است.

سر انجام من هم معلم شدم. همین امروز برای اولین بار به یک صنف موروم هنوز آن تو دارم مثل معلم صاحب ممان

باشم از دور است ترین خاطره هایم کمک میخواهم. به صفت داخل میشون هنبا شهر میکنم و با سهندی روی سیاهی خط میکشم و مینویسم: "آب"

من نیمکتا رم آنها سالها مانندمن در کاریک سوالمه زنده کی کنند، میکنم بخوانند "آب" و سپس به آهستگی میکنم از آب شروع میکنم به خاطر اینکه برای دانستن "آبرو" نیز باید اول آب را دانست.

دیارلمان غریب نامه دتلیور یون داطلاعات داداری لخوا خبر بدله، بیانیه خبرنوبیل رک دفعه خبر روز دانشگاهستان جمهوریت دملس شورا کارا فعالیت ته اعکا من روکی اود کارد تیجور بـ هنله وطنیان دل تلویزیون دیر. دی له لاری به مفصله توکه

## معلم

بقیه از صفحه ۱۴۰ و ماهیجان آرزو داشتم

مثل معلم صاحب باشم: میشه ایستاد و استوار، همواره مهر بان. چ شکوهی دارد، این واژه مقدس! چه والای نهفت است در این راه پر افتخار! از آن روز سالها میگذرد

د ۶۴) بخ پاشی

لومرن بروکرام جیر شو.

به ده بروکرام کـ

دینسته مـ سـ دـ رـ ضـ اـ

بنـ اـ سـ مـ سـ دـ رـ بـ بـ اـ مـ

پـ بـ اـ لـ اـ سـ دـ دـ غـ فـ هـ

تـ لـ لـ لـ لـ لـ هـ نـ هـ دـ لـ بـ

رسـ نـ توـ هـ خـ خـ شـ وـ نـ کـ

تـ عـ رـ سـ نـ لـ دـ دـ غـ هـ سـ رـ

بـ لـ لـ يـ تـ رـ كـ کـ دـ بـ بـ

خـ زـ زـ زـ زـ زـ هـ زـ

اـ يـ شـ مـ مـ دـ اـ شـ اـ حـ مـ

دـ سـ سـ رـ غـ رـ وـ تـ وـ تـ وـ

تـ بـ بـ بـ بـ بـ بـ بـ بـ

دـ سـ اـ زـ اـ زـ اـ زـ اـ زـ

هـ زـ زـ زـ زـ زـ زـ زـ زـ

دـ دـ لـ لـ لـ لـ لـ لـ لـ

اـ وـ دـ دـ دـ دـ دـ دـ دـ دـ

دـ دـ دـ دـ دـ دـ دـ دـ دـ

دـ سـ اـ فـ خـ خـ خـ خـ خـ خـ خـ

اگر قصہ سفر دارید  
دیپٹھائی خیسے آرام  
ڈسترنچ ۳۰۳ سفر  
کنیہ۔

بازار کی پنجشیر بس تھا را  
از کابل: پنجشیر، سمنگان  
و مزار شریف سعیز مر ساند  
آدرس:  
کابل - سادہ افغانستان پلٹ ۲۱

تیون ۲۱۷۸۴



## رس تورانت محبت



و فخر و فخر و شیری خود بغیر می فخر عشق، زندگی سوتھت محبت پر کند  
خوبی و سوتھت محبت محبت خوبی و سوتھت سعیز می فخر عذر خوب  
و سوتھت لذتیں رہ جائیں، سوتھت میں میں میں میں میں میں میں میں میں  
محبت سوتھت محبت ہے مدد و نعمت ۲۱۱۲ نمبر  
محب و مادر نامہ پخت و مفت محبت پر شیری سوتھت  
لکھنؤ: حروف عجائب یکمہ غافرین سوتھت نعمت پر چشم فرشتی: ۲۵۷۶۶

# لیهادا

بچه از سده (۴۳)

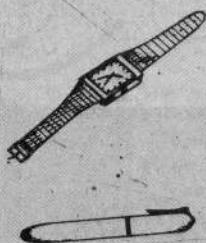
لیوی این رسم را دارا راه زنده  
ساختند ول دیگر از نیماد  
گذاران ان همچ فردی  
پادی به خاطرند اشت، این  
دیوار را لیهادا را با موزیک  
مدرن امروزی مطابقت دادند  
و بعده نخستین دیسک  
راشیت و پخش کردند با استقبال  
بی نظیر مواجه گردیده گوشه  
شال وقتی آنها دیگر هارا  
با خود به بوهیه بودند  
دقیقتاً همه گانش شد.  
بعد این تاریخ همچ  
ویژتر رقص لیهادا کاملاً  
 واضح است. لارسک گروپ  
(کارما) را دریا رس می‌سلا  
قات من کند و بعد زمینه  
انتشار لیهادا به تمام سالونهای  
رقص و دیسکوتیک های جهان  
فراهمه کرد.

بازهم محمد امین نزد ماتشریف  
آورد و من بازهم به همراهی  
یک ازدواجستان عالم خانه  
ایشان گردیدم.  
بنایمکت محمد امین و دو  
دخترش فهمه و مک، پسری  
خواهاران، به همه کودکانش  
که من شان از هفت و هشت  
بمشترکهای چهره خود را در  
پیکرهای گونه گون ظاهر  
می‌سازند.  
ما خواستم تا این بار فقط  
در مورد این گفته نیاز نداشیم  
راجحه دهیم و قصه را در منزل  
محمد امین گردیدم. دختر  
بزرگش فهمه موجود نبود و  
چون دختر دویش مک نیز  
با پری خواهله مصحت  
بود، خواستم او ویله صحت  
ما گردد.  
مک دخترک آرام به نظر  
درسته، چندان تیزکو و تیز  
هوش نیست، همان گونه  
که از خواهر بزرگش من کمتر  
دارد، گفت و گوش نیاز نداشت.

## صحیت نانه

- شستن موومها و سبزیجات  
در محلول نمک و پیاس حمد  
اقل نباشد دفعه.  
- تاحد دزی بادجلوگری  
از استفاده غذاهای شب  
مانده و باس و مخصوصاً اگر  
در هوای ازاد بوده باشد  
نمایند.  
- اخذ مشوره صحیح از  
کلینیک‌ها و مراکز صحیح  
نمذیک محلات زیست شان.  
- مراجعه فوری به  
دستور یا کلینیک‌های صحیح  
در صورت بروز نشانه علاوه بر  
مرسک‌های مانند اسید‌الات  
و دلپذی‌ها.  
- تعییه ادویه ضد افات  
برای اینها بدن مک‌ها  
پشه‌ها و مکروب‌های اب  
های استفاده وجهای  
نمایند.  
- ارزویکم خانواده های  
ضخت خود و کودکان شان  
توجه خاص داشته باشند.  
-

بهدهیه ازصفحه (۲۱)  
رئیس طب و فارمی نیزد رائین  
مورد اشاره نموده و اینرا یست  
امرجدی تلقی کرد و دیگر  
را باید به سبزیجات فصلی  
که نهاده انجاییکه در زراعت  
شهر کابل به جای کسدار  
پاروی انسانی استفاده  
صورت می‌گیرد و استفاده  
سبزیجات بدین شرط  
با محلول پیاس محلول نمک  
که حداقل باید بیست دقیقه  
در آن محلول گذاشته شود.  
به طور قطع مجاز نیست  
خانواده های باید در محلات  
زیست شان با کارهای دسته  
جمعی کتابات را از محل  
زیست دورساخته و ابهای  
ایستاده را به شکل که ممکن  
است ازین بینند و هر  
خانواده به طور اساس در  
چند ماهه به خاطر  
نجات حیات خود و کود.  
کان شان توجه داشته باشند  
برای صحیح ساختن اب  
اشاییدن عاب را باید جو شر  
بدهد.



دست نریند!  
لاید ماین بالش



یافته فهمه گفت:  
میگرید که کبابچه ها و  
دختر ها عکس های یادگاری  
میگویند. ماکه ناچار بود، هم  
بعرضخان از زبان پمام آورشان  
کوش فراداده و به آن عمل.  
کتم، تیزه راعیار ساخته شده  
کار بود آن را به فهمه واکار  
گردیدم. فهمه طرز استادن  
و باشستن و وزت گرفتن  
کودکان را بنایه دستور آنها  
که ما جازه غاش نمودن آنرا  
نداشیم. پیکار دیگر اصرار  
نمودیم تا براوی ما اثری نشان  
دهند که به موجود پشان  
باور نکنیم. محمد امین بازدخت  
را بخاطر نموده گفت:  
"برایشان بگو که کد ام  
توته سنک و پاچوب پرتا بکند  
تا ایشان باور نکند." فهمه  
اصرار داشت که بعدها این کار  
را خواهند کردهان وقت که شما  
متوجه نباشید در روازه و  
یکانه کلکن روحی صحن حوالی  
بسته بود و ماکان آن راندا.  
ششم که در چمن حالت  
واکنش دست دهد.  
وقتی پرسش‌های ما پایان

و حق نلم شسته شد جای آن  
دوستان در میان دوستان  
خالی بود. چند روز بعد

به دفعه بیروند "از خهالات بیرون آمدم"  
بازهم فهمه را مخاطب  
ساخته برمدم: "ممکن است که آن فروشان  
و آن شخص را به ماموریت  
کند؟"  
گفتند این از اصرار پیست  
که ما جازه غاش نمودن آنرا  
نداشیم. پیکار دیگر اصرار  
نمودیم تا براوی ما اثری نشان  
دهند که به موجود پشان  
باور نکنیم. محمد امین بازدخت  
را بخاطر نموده گفت:  
"برایشان بگو که کد ام  
توته سنک و پاچوب پرتا بکند  
تا ایشان باور نکند." فهمه  
اصرار داشت که بعدها این کار  
را خواهند کردهان وقت که شما  
متوجه نباشید در روازه و  
یکانه کلکن روحی صحن حوالی  
بسته بود و ماکان آن راندا.  
ششم که در چمن حالت  
واکنش دست دهد.  
وقتی پرسش‌های ما پایان

## اسراری های فنر

بهدهیه ازصفحه (۴۷)  
بی دیگر وارد خانه شدند.  
و قصه جربان را پرسیده  
کفتند، همارا نظیفه خالی  
ولهی خاله هدایت فرمودند  
تاد رشہر کتاره رواز پرورشگاهی  
قرار گیریم. پس از چند لحظه  
که ما آرام و ساكت برجاهای  
خود ایستاده بودیم، یعنی وقت  
متوجه شدیم که صاحب فروشگاه  
ما را صد اینجمند و قصه نزدیک  
رفتند گفت پکیرید، لواصها یعنی  
را، لواصها را گرفته برگشته.  
من ترا حلالم کتابتعجب  
به سخنهاي محمد امین گوش  
مداد ام در دل باخود گفتم  
جه قدر خوب است دوستی  
با این ها، اگر روزی باشیم  
دوستی کردند از آنها میخواهیم  
اهم تا پنجم باروت را از زمین

# رِعایت

## احیاط

نسبت به روز قبل نیز کمک  
نی تواند بکنده که متخصص  
بهماری های قلب داشتمانها  
روارد و عضو تم تحقیقات  
من گوید "صرف دوزه شتر  
دردی را در این کنبلکه  
خطه عوارض جنبی را غایب  
میدهد" در حقیقت استفاده  
بیش از حد از اسرئین مکن است  
تاثیرات - و دلند آن عله حمله  
قلیل راضی کند - متخصصان  
هشدار مود هندک اسرئین  
دارویی جهت تخفیرات سهی  
ورش زنده که بتواند خطر  
تصاب شرایین را کم کند  
زرسه - این متخصص من گوید:  
"جای نامه ف است اگر همک  
فرم مکرر به جای ترک  
سکرت شروع به صرف اسرئین  
کند". متخصصین هاروا را به  
هر آراء دکتر لفاقت مدیر  
مو"س" ملی قلب ره  
و خون به خاطر ابتلای ایجاد  
عواض جانبی تاکید من کنند  
که تصصم به صرف اسرئین  
پاید با مشورت د وکتور  
اتخاذ شود .

شت نیز ما "موس" گردیده  
در حالکه دانه های تسبیح  
قهوچی و نشک را پکی پس  
دیگر فرو من انداخته که ها  
موجودات نایوجود را مخاطب  
ساخته کفت:

"خداشا راغرق کند که ارا  
نzed همکن شرند مو خجالت  
میانند" .

پکی از خبر تاران همکار مکه .  
د وکی طب بیرون "ایجه .  
رالان مشاهده نمودند  
در حدود صعای اسرا راهیز  
و انسانی خلاصه میشود که .  
کدام زمانه واقعی برای آن -  
 وجود ندارد و مادام آید  
زی که گویا خرشد وها لشک  
ها کمیابند و هرچه میود من  
بردنند همینکه چن عامل  
چنین بازار را کم میازد .  
ستلزم یک تحقیق روانشناسی  
- و جامعه شناختیست .  
کسی اگرداشمندان محترم  
مادر زینه کاری انجام مود هند  
آنرا چاپ مینمایم .

بعده از سفحه (۲۸)  
موقتاً برای مطلع ساختن  
مردم و موسسات تحقیقات از  
ازرات آن متوقف شود . ولی  
هنوز وضع خوبی بزی مغزی  
که به علت تخریب لخته خون  
ایجاد می شود رگره که  
آسرئین صرف من کنده بشهتر  
است د وکتوران به عایت  
احتیاط د رصرف آسپرین  
نزو کسانی که استند آد -  
خوبی بزی دارند و سابقه زخم  
معده دارندتا کید دارند .  
همچنین عده ای از سردم  
نیست به آسرئین حساسیت  
دارند و با بعد از صرف آن  
دچار شوک من شوند برای  
آن افرادی که من توانند از این  
داراستفاده کنند حقی صرف  
بیش از نیک قرص ۲۵ میلی گرام  
بعدی آس خداحافظ .

به این مطابق عننه ای جلسه  
یک رای که هر میتم کسانی که  
رای مخالف دارند همچو  
اکت، کسانی که رای متفق  
دارند باز هم خاموش زمانه  
کفت رای ثبت هم دستا  
وابلند گردید .

رئیس صاحب موسمه با -  
بلند نمودن یعنی هایش رویه  
هزاراک کرد که خوب برای  
هزاراک در این راه موتفق  
مخواهم همه کارمندان  
دعا میکردند تا جلسه بعدی  
ک نباشد زیرا .

به این مطابق عننه ای جلسه  
یک رای که هر میتم کسانی که  
از شمارنگان استند . زیرا ر  
اثر باران های بهم اثنا های  
منزل اینجانب به شدت اسهب  
دیده است ، عذری ریشه  
درین ان کاملاً آزمیش  
رفته . لطفاً شخوص را که  
در این رشتمد متوجه دارد به  
هیئت رئیسه جلسه معرفی  
نموده و بعداً در مورد ش -  
تصمیم اتخاذ مکتم .

چون همه سرانا به حرف  
هایش گوش داده بودیم  
دیگر که (از زیر پلو تو ش  
پیاز برآمد؟) یک از همکار -  
ران که باجرات بود صادرد ،  
سایب هزاراک متواتد خوش  
رنگالی کد بیه مجرد خارج  
شدن این حرف از دهن همکار  
مارئیس موسمه کفت خوب .

## چکوشه شر آغا

بعده از سفحه (۶۶)  
خته است که ران شمامیتو -  
اچد برای تربیت اتاق های  
تانه ک کلدان گل بلستیک  
را لازمتر از یکصد هزار امامی  
ولباس های اطفال رامخصوصاً  
کارمندان دولت پامعان یک  
ربع خوش به ماده گی -  
خریداری نمایند . تا کارهای  
بعدی آس خداحافظ .

خیلی ها کوتاهی میگیرد .  
بنای خواهش و پذیرش و  
هدایت نظیفه و لعلی هیک از  
کودکان حاضر که نسبت خواهش -  
زاد مک محمد امین رادارد و -  
پسیست پنج ساله بنام نصیره  
روی روی میز فرار گرفت .  
پیش از آن که ماز نصیر  
سوال کرده باشند که روی میز  
چ چیزی باچی دیگر رام -  
بینند ، مک گفت: آنم -  
میکویند که ماز را در هیکل  
پدر روماد رنzsord رمی ورم .  
وقتی از نصیر پرسیدم که  
چ کس راروی میز میزیند ؟  
گفت: پدر روماد رم استند .  
بار دوم برای آن که نفے  
کرد میاشم به نصیر گفتم نا از  
خانه بیرون رود . آن کاه از  
مک پرسیدم کما یا پری خالی  
هایت در شکل هرجیزی -  
ظاهر شده میتوانند ؟ گفت:  
مکویند هان و ماکتیم .  
برایشان بکوک خود را به شکل

را صد ایزندن کوک معموم  
وقت داخل اتاق گردید  
طبق لحظه پیش خود به خود  
مقابل هزارچوچ فرا رکفت .  
ما باز هم سوال قبل را تکرار  
نموده برسیدم:

"نصره جان: روی هزارچی را  
چیزی رامیمی ؟  
کجا ماره نصیر جان یک لشک  
داشت . بن همچ تام ملیس  
دع هی دقت تسبید روماد رم  
و با این آزمایش هم که ها  
شانشد . مک دخترک کسره  
که انکا رنگوسته بود نقش را  
خوب بیازی کند ، ما سوچا جواب -  
به سوی پدرش و داشت نهیمه  
سوی ما و زمانه هم به سوی  
هزارچوچ خیر مخیره نگاه میکرد .  
کوک دکان خوش باور کفان وقت  
انتظار صحنهاي جالیں را -  
میزند همه به سکوتی  
غور رفت ساده لوحانه به سوی  
هدیه کر میتد . دند . محمد -  
امن نیزه که تا آن لحظات توقع  
عمل خارق العاده عی رادا -

پیهی از صفحه (۲۱)

به آب من زنید که آنهم به علت شوامت وجرات  
برآوانی است که در وجود نان نهاده است  
مهدنا بہتر است که همه امور احتماس  
نهوده و کمن هم از عقل و منطق کم گرفت  
نیز روزگویی برای همه خردمنداندارد.

دوستی من دهد  
احسات اغلب بر وجود نان غله من کند  
و شما قدرت مقابله را ندارید و خلیس زود  
دلخواخت مشوید . از مسائل و مشکلات مهم  
که در زندگی برای نان پیش از آینه را حالت  
شده و فوراً از میدان مهاره خارج میگردید  
شخص باهوشی هستید و از غریزه مردمداری  
و نیک خواهی بپرسید من باشد که پیوسته  
موجب نزدیک شایه سایرین من باشد . از  
انجام دادن کارهای که میدان عمل و سمعن  
داشت و اجازه فعالیت‌های اجتماعی را بشما  
مید هند بی نهایت خوشنان از آید و دست  
دا رید رکمال صداقت و صمیمت تا آخر من  
 نقطه از مخفقیت پیش‌بازیزد انسون که موقع  
شناش نمی‌شود در غیر اینصورت همچ شکل‌گرد  
پارای مقاومت در مقابل شمارانداشت توجه  
من کنم که کسی مال اندیش باشد و به سو  
رفتاری میگران من احتنا براند که صبور و ظفر  
دوستان قدیمیست .

در سایه حساست و احتماس بین الیش  
خود نان همراه سعی من کند که مشکلات -  
دیگران را بی نهایت خواهند خود دارند همه  
هیمن علت مورد احترام و توجه میکان فرار  
میگردید . فردی هستید بی نهایت خود دار  
و بخوبی از طرقه پیروزی بر مشکلات خود -  
نان آنکه هستید سرشار از فوه تحمل و تغفار  
مفیدی هستید که بپرسید آن سایرین هم‌مرسد  
در زندگی اجتماعی فردی مدد بر سازمان  
د هنده و با اراده ای بی‌باشد و ابتکار تسان  
پیوسته مورد تعجب و تائید همه فرازی کسرد  
دوست دارد از آنچه برخوردار و هستید  
دیگران هم داشته باشند و بطور کل آموختار  
خوبی هستید برای اجتماع بخصوص در مسورد  
جوانان من توان اذ عان داشت که صداقت  
شادر و دوست و رفاقت بی‌نظیر من باشد زیرا  
که از هرگونه ضعف پیروزی نمی‌گردید . قدرت عجیبو  
دارید و برای اینکه دوست را بهمن  
سایرین اشاعه بدید همیشه کوشش من کنم  
که فردی مو شر در زندگی دیگران باشد در  
مقابل افراد نایاب با خویشندی اینستاد کسی  
میشانید زیرا عقیده دارید که اخفاک کرای  
را میتوان بضروری صبور حوصله به راه راست  
هدایت کرد، هرگز از مو قمیش که در اجتماع  
دارید مغزور نمی‌شود، ولی زیاده روی در ملاع  
بیت و مهر بانی اغلب تولید در در سر هایی  
نهز من کند در انجام کارهایش که تتابع خوبی  
خواهند داشت نه منجده عجله نکند.

شماره ۱۰  
روح خلاقه شامامجب پیشرفت در امور زندگی  
مشترک شده و مخفقیت‌های اجتماعی را برایتان  
فرام می‌سازد، شخص وظیفه شناس هستید  
نهاد پاک و بین الیش شما اجازه من دهد که

پک نیروی باطنی همراه جلو دار روح سر -  
کش شاست که کاهکه کنترول آن ازد مستان  
خایز مشود و موجب زی نهایت فراوانی میگردد  
و به همین دلیل همراه مورد سرزنش وانته د  
قرار میگیرد . وقت تصمیم رای کمربد همچ  
مانع نش تواند شمارا از انجام آن بازدا رد  
قدرت طلبی و تاخت و تازت‌باختی است  
در وجود شمارای همیشه به ویدمه کذاشته  
شده است ولی توجهی من شود که قبل از  
انجام هر کاری قبلاً نفقة آنرا طرح و برسی  
نمایند زیرا من هدفی اغلب باعث گراهی  
مشود . بعاصول مردم داری و آئین دوست  
یا بین اتفاقی کامل دارید و در دست با  
مردم راه صداقت و پیونگی را در پیش گرفتاید .  
نجابت و ظاهر آرایه شامورد پسند همه  
اطرافیانست و به همین دلیل پیش از دیگران  
بین سرو همسر ورقا محبوبت پیدا کرده اند  
به قوانین اجتماعی احترام من کذارید فردی  
مرتب یا انصباط هستید و رمز محبوبیت شما  
نهزد را بینست که در انجام کارها زیاد  
سختگی بر نمی‌شود .

شک و تردید در وجود نان راه ندا ردد  
اجرای تصمیمات خود ایستاده کی عجیب دارد  
عقل و منطق همیشه موجب کسب موفقیت پسرای  
شما بوده اند به طوریکه بیشتر کارهای مشکل  
را تاکون یه کم آنها با همروزی انجام داد و  
اید . در وهله اول برخورد با مشکلات مایوس  
من شوید ولی اراده به سراخان من آید عفنه  
دا رید که خواستن توانستن است و به همین  
علت از نیمه راه برسی کردید . بن عدالت  
و ظلم شارا رنج من دهد و هرگز تحمل ندا -  
رد که آنها را در زندگی اجتماعی مشاهده  
نمایند . طرز دفاع شما از جانب افراد یکی  
ظلمه واقع شده اند قابل تعجب من است .

شما از انتقاد و ایجادهای بین مورد دیگران  
بن نهایت رنج من بزید و حاضر نمی‌شود که  
مردم در زندگی خصوص شاد اخلاق شده  
و در مورد خصوصیات اخلاقی شما قاچا و ت  
نمایند . خیلی زود وارد بیخت و مجادله  
می‌شود و بعد هم هچون آن که بروی اتش  
بریزند خاموش می‌شود و با وجود اینهمه راه و  
روش به دست اوردن دل دستان را به خوبی  
من دانند و خیلی زود تراز آنکه بتوان فکر  
کرد به همه کن اعتماد من کند و دست

# شما کی هستید

# شما یه هستید

پک نیروی خارق العاده پیوسته موجب  
آنست که میتوانید موانع را همراه بایهیونی همای  
در خشانی از پیش بای خود نان بردارید و به  
همین دلیل است که اکثراً آنچه را که من خواه  
هند بدست من آورید .

در زندگی خصوص رسک کردن و تسلیم  
حوادت و سر نوشت شدن را بهش از هرجیز  
دیگری دست دارید و انجام دادن کارهای  
که برای دیگران ناممکن می‌باشد در شایعه  
شفع و خوشحالی فراوانی من کند . مسافت  
و گردش را دوست دارید مخصوصاً اگر مسافت  
اتفاق و بد و ن تمیین قصد از قتل باشد  
و گاه به بدید پیش بخورد و به موضع برخورد من  
کند . همیشه در انتظار عکس العملها ایشید  
زنده ایکن هستید و خیلی جیوانه ترین من  
که بزرگ اینه که می‌باشد متعاقب ناساندهی عاید شان  
می‌شود که از تحمل آنها بی اندازه رنج من  
بزید . جانهایزی و فدایکاری در راه دوستان  
شمار زندگ شماست و همیشه در صداقت  
و رفاقت محکم و پا بر جا هستید . اثناه به نفس  
به محسن شماست باشد ولی اگر چنانچه  
سعی نکند اثرا به صورت خود خواهی و فضور  
جلوه کر سازید . در مورد عشق و احتماس  
شان موقوفت چندانی ندا رید . گرچه از اینها

# چگونه مادران در شیوه...

پنه از صفحه (۵۸)

میخود . امال‌الحظا نتیجه بود که باره میربیکو آغاز گردید و سرمهدا اج کرفت و مددگر به لتوکوب کند . و پدر باره میربیکر در همان تغیر کی غب‌اسدی را مجبر بسته خانه کرد این بار بوسه پرخورد مادران در بر اسحق نهایت کران تمام هد خدمیدند . همچنان را چون گفته مهربی کرد صحیح وقت که مفهومی های ساعت بیرونی عده بخیج رخید دن باره به خانه آمد . پدر اسحق که دوکانه از بود صحیح وقت خانه و از ترک گفته بود . اسحق به داخل خانه آمد . خواهر کوچک او در حصن خوبی بود وقت اسحق توسط خواهر اطاعتیان را فتح کرد که پدر وقت که پدر و فرزند رخانه نیست را اماده سوی آشیخ‌خان عزت مادران در قیام تازه میخواست برای نان پختن در تیغ آسادو گی بکرد که اسحق تبر از کشکه آشیخ‌خانه برد افت و قادر نداشت هر چه تاثیر بر فرق مادران در کوچه زن نهضت زمین گردید . ولی دست اسدیکه باره بیکر نیز بالا رفت و بر فرق مادران در فرود آمد . زن فریاد زد و بعد خاموش گردید . خسون چهره زن رانکه زد و در مراه با هر قطر آن عده‌های دل اسحق نیز خالی شد . و در راههای زندان بازگردید به این ترتیب رنج و صورت بزرگ زاده شد .

**TABESH VIDEO**  
**تابش ویدیو**

ADD:  
MOH-JANKHAN WAT  
KABUL-AFG.  
TEL-23222

آدرس:  
محمد جان خان وات تابش شارع  
کابل افغانستان  
تلفنون: ۲۲۲۲۲

برای دوستان پیش‌مایه دو به همین جهت اغلب اتفاق می‌افتد که بعضی‌ها تصور می‌کنند که للاحدة می‌توان هستهد و رصوتش که همه مساعدت‌های شما بدین نظر و کوچکترین چشم داشت انجام می‌خود .

واز همه اینها که بگذرم این دوستی بس آلا پیش‌گاهی برای خودتان ایجاد دردسر و مکانات منکدو به عبارت دیگر اغلب فدائی همچ می‌شود آنهم در راه دوستان بدین‌باشه روح خودتان از موضوع اطلاعی داشته باشد . توجه می‌شود که اینقدر هاهم ساده‌لئے نیاشید و گول ظاهری فریبند اطرافیان را نخوبید نیز آنها به هنگام ناملاحتات در هر فرست نهایت از کارهای فراخواهند کرد و شماره ریدان نیزه تنها خواهند گذاشت سعی کنید که یک کسیار ثابت برای خودتان پیدا نشاید نیزه پرسه زدن در اجتماع و از این‌هاخ به آن شاخ پیدن نتایج درخشنده نخواهند داشت په جلد وقت کنید و از همه که دسته برای فداکاری در راه دوستیان که قدردان را نیش نهادند چندان همچجله نداشت باشید و پیدا نشید که هرچیز به جای خوبی نمیکنست .

بهتر نهادت می‌بیند ولی زنگنه‌ان در اجتماع راهنم نیز نیست کنید . آنچه مسلم است شخص با اراده مای هستید و مقاومت در مقابل سختیها اشتباه نمی‌بیند و همین منکرد .

۱۰ - همه

حرکت به خاطر برکت فیلم شاست ولی خودتان بهتر از هر کس به عذر ایمن شماری برده اید و نتایج حاصله از بکار بست آن در وجود نان چشم کم است اما باطن شما با ظاهر تان فرق دارد زیرا که در اصل شخص آرام و سلکیش می‌باشد و به کلکنیروی عقل و دراکه و همچنین یک نیروی فیزی مسائل و مشکلات زنگنه را به نسبو دلخشنده‌ی حل می‌کند . آزادی و استقلال را دوست دارید و به همین جهت اطلب شخص سرکش جلوه می‌کنید در حالی که اطاعت آنهم از بزرگترها جزو خواسته‌های واقعی شما می‌باشد . از دوستی پادیگران لذتیم نیزه ولی سعی دارید دوستیها - قدرتان را نیش نهادند چندان همچجله نداشت دوستان هر چه کفتر پاشد میزان علاقه و - صمیمیت به همان نسبت پالا می‌ورود و به همین دلیل اغلب قصومن کنند که شما شخص گوشه گهی هستید و ما از دوستی با دیگران خوب شتان نیز آید .

هیچ وقت خودتان را یک فرد خوشبخت احتمال نمی‌کنید . و همین تلقین به نفس اثر سوس در وجود شما بر جای گذاشته کشیده سراغ خوشبخت خیلی کم می‌ورود در صورتی که در ایمه کوشش بقول خودتان بهمه چیزی حق خوشبخت واقعی هم می‌توان رسیده حادثه جویی و ما سلسله به سرزنشت شدن چندان عقده نمی‌نمی‌شند هستید و بطور کلی میتوان گفت که خیل خوشورد و می‌اعتنای به زنگنه‌کی می‌باشد . اگر به این‌عیاق قلب‌تان رجوع کنند دلتان می‌خواهد که شخص فعالیت پاشهید ولی بدینهاین به اجتماع اجازه فعالیت به شما نیست . دیگران نظر می‌کنند که فردی خود خواه و کوشش کم هستید . البته در دوست خود همیشه با بر جای بوده و از آنچه که پیغام‌نگویانی نداشید با آخر صحبط خانه‌واده کی رایزنی دوست دارید .

۱۱ - سوش

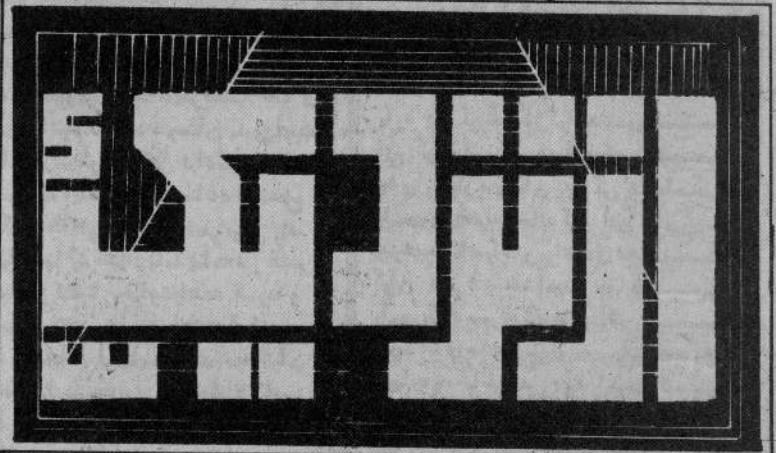
حساسیت شدید به شما اجازه می‌دهد که بهتر مشکلات را قبلاً پیش‌بینی نموده و از برخورد با موانع خود داد ری نایابید و میتوان ادعای نمود که کمتر حسناشته ای که من شود آنرا حس شمش نامگذاشت کلمه مسابیل را قبلاً پیش‌آید حد من می‌زند و راههای مقابلی با آنها را طراحی می‌نماید . فردی هستید مردم دارو با هرچهار شکلات زنگنه بوده است . رویه رفت شخص منصف و درست کرد از هستید و نصاج بزرگ هارا از دل و جان می‌پندید .

حس ایستادن کی در مقابل مشکل هستید که

## تہیه از ملقطین سمل



مکار خوب حشمت اللعنتم  
نامه تان براي ماريسيد  
ازين که به مناسب ياد بود  
از هنرمند محظوظ، مرحوم  
احمد ظاهر در مجموع شخصيت  
و هنر احمد ظاهر نوشته بود  
این از نوشته هاي تان  
خاطر تان در آنچه ميگذرد  
دو سال پيش از غفات احمد  
ظاهر، زندگي در راه  
از کسرت هايش که هنوز  
برآورده میدارد.



زهای تان براي ماريسيد  
ولی صد افسوس که از شخصی  
خود تان  
پس از توک قلم شخصی تان  
بود . به اميد نوشته هاي  
از خود تان ! جونا شنیده  
مکار خوب بعد الصبور !  
زند يك بین هارم عرض میدارد  
ازوند برفتن طرح جدول دست  
به سمه مادرت میخواهیم  
حل کنده باشد .  
دوست عزیز ماریاری است  
تامین اختیارات عامه  
براي آن که احتیاج شعر ی  
صفحه رامرفع ساخته باشيم  
اینک، از تابع بر لطف تان  
چند صراغ از اشعار ارسالی  
تان را میجايم :

(خشنه ختم) را با غرور و لبخند  
و با عزاداري، جشن گرفته ام .  
محترم فلورانس زلی متصل  
لیه قصبه کارگری ۱  
سلامهای تو که از (اما) -  
قلب تان مریشم ترینه بود  
برای زند يك بین رسید  
و همچنان پیشنهاد تان در بود  
حکایات از (ناهانه)  
فردوس ) و از نظر خواهیم  
گرفت . ولی خدا که که مقدم  
تان (ناهانه فردوس ) با -  
شد از شما شکر . شمارا در  
از اکثر طبیعت مافرستاده  
خواهانم .  
محترم حمید الله ابراهیم !  
شما هم سلامهای زند يك بین  
و از دیر اشیده د و طرح ادبس

ناهید کسروی، عاطفه کسروی  
و فریبا کسروی ( زند يك -  
همین لحظه لبهاي ( زند يك -  
بن ) از خنده پيش نماید  
چون که دیگران میتوانند  
که ( مجله زیبایت ) ولی شما  
نوشته اید که آدرس مجله  
زیبایت بصریت ما میکویم که  
این مطلب شما هم زیبایت .  
و توزیعی ( من زیبایی  
راد و ستدار . من و تو -  
دست به دست در درکار گلخانی  
که براي زیبایی مافرستاده  
اند ) لخته میزیم . تو  
در لیاس سفید آغاز  
( خوشبختی ) راجش  
گرفته اید و من بالای اس سیاه خانه

هنکاران صمیمی مجله رحایه  
حبیب صافی در ابده حکیم  
محصلین بوهنجی زبان و  
ادبیات نامه راک در صحن  
میدان هوا می بوهنجی  
زبان و ادبیات نوشته وارسا -  
لیده بود بد " براي مارسید  
ازین که طلب جالی را  
نمیتوانسته بود بد " بزرگی  
برای تان شوره مید همیم  
که متعدد در تبلیغ بوهنجی  
زبان و ادبیات نشسته نامه  
پیون میم تا با حواس آند کس  
جمع مطالب جالب را به سوی  
مجله در روز از اول ( ارشاد  
پیک طهاره " بار باری " شکر )  
محترم دیانا محصل سال اول  
بوهنجی حقوق بوهنتون کاپل!  
زند يك بین میگردید : من  
ساله حل است . نیما  
که علاقه سرخست به آوار

هنرمند مذکور دارد، آوار  
ایشان را بشنید و دل تان را  
خدای نخواسته دل تان را  
که از اکام ملت است .  
هنکاران عزیز نظمه وفا کو -  
ستای وسوده ( ۰۰۰ )  
زند يك بین همین لحظه  
احساس شرمند وکی مکدان عن  
که از تخلص کان غیر از ( افزا )  
جهیز د یکی ساخته نمیتواند  
به هر حال براي آن که د ر  
آینده این احساس " باز هم  
وی را دست نه دهد ، لطفاً "  
د روشن نام از حوصله کار  
مکتبه " تا عجله ! و در بود  
طلب تان پایه گفت که  
زند شریا هم کول خواهد  
همکاران دایی مجله

دین بین زند يك بین رسید  
پاک و کدی از تمرید دید در دی  
زند يك هردوی تان ک  
شند . زیرا نهایت  
بسیار احترام دارند و همینه  
نامه های خوب تازه ایجاد گویند  
به هر صرف از خواندن مطلب  
( چرا خیلی میکنم ) هردوی  
شان به فازه کشیدن شریع  
کردند . و مانندیکم " اگر  
این مطلب را جاییم " تام -  
خواهند ها به فازه کشیدن  
شدن خواهند کرد و حقیقت می  
بند از نام همین لحظه شاید  
شما د پیش خواهند کان د ر  
حال خیلی مکیدن باشید  
همدار دستی گویی جلسه

کاوسخونه . خواب تان جطور اس ؟ هناری اپیچه مجله حکت الله  
نهاده بینین باشند حرفهای - بد نیم مثل پلک خرس مخواهی باطنی حکت جو !  
پلک قدم التقریماشید - پسر دن صورت پیش از لقاء هدی سرختنی  
پلک (وترا) مراجمه کنیں . تان نسبت به ساون و زار - هناری عزیز روزان هایی  
هناری عزیز روزان هایی اسال فتوی مبارک تان از ابد اثیه مر و حتفونه ایشانه ترانیک عالم شکر !  
آنکه نیزگان سایرین (گفت) شعرواست . سایرین که نیزگاره کند .  
که نیزگر ، نیزگر تاکه نویز نیزگر . امدادن اکبریں .  
هزاران آغاز میکند و خود ان ادامه میدهند .  
محترم شیخ الله سنت راد . ارشده بیشتر کرد زهر  
گفت " بالا در دوره شاهام شنکن بخت است .  
صدق میکند . شیوه همچنان سیاه  
هناری عزیز شها (منز) محل و دهن که هیچ چاله وست  
بزمی خوشیک کابل . ای کاش (عادات) از خود تان - گوشنده که از زیره ماند  
سیور . مقص ماطرح ادیس زدنی گزگ است .  
ارسالی تان است به هر حال ارسالی محمد شاماشا

به دنیا بجاورد . علاقه مند مجله فیلم الدین  
روزی بینین باشند حرفهای - پلک (خس) پلک انسان که ناش ماسه  
باشند رتبه باشد . میتواند باخرين درجه بلند بودن  
در آینده نام واد رمز مکمل نرخه ، زنده بداند راهان  
تازه میباشد : مقاویت یک انسان کامل ، هناری اپیچه مجله فیلم الدین  
بالغ و سالم . مدت ۲۲ روزی غذاآزند میماند . غوش !  
مدت ۲۵ روزی بازگشته میزند . ماستظر اختراعات دیگر  
تازه هستم . مدت ۲۶ دقیقه و ناییه نه  
هناری اپیچه مجله فرخنده . نمیکند .  
وارسته ! مدت ۲۷ دقیقه و ۲۹ ثانیه  
نکاهن مفاہم مانند تانرا یا سیوانه  
اره و شره نزدیک بین دهنون .  
بسیاری از چشم تازه نمایند .  
لطف بخوانید ! میتواند ۲۴ هزارتری از زین بالا میمود  
ای اشتعاد ارید ؟ بلی داکر طاحب ، مثل  
بلی زن میتواند تا ۴۴ فرزند

زهره سوره ازیسه بیند .  
دور معدن شاه میه !  
دقق های درین اولدان  
برای مارسید . ارتسل  
دربیت هایان ، سر  
صرع اول پلک ازد ویتی  
هایان که در چشم خمار  
ذاری فلاش ازند اشت آشنا  
شکر و نش شارا متماد میم .  
خواهم محترم (که) ها !  
نام و نامه شما نزدیک بین  
راد رش اند اخذت که جواب  
توی نامه های مبارز است  
با آن در تراویح کنیز زنده .  
امید که در آینده نام ، تخلص  
و آن رس تازرا واضح بزیمید  
از شما شکر ای اتفاق تان  
(پل شنید) به جاست  
میکوشم آنرا در آینده  
در نظر گیرم . دست کیم  
بر ازیسب و دستکل تان  
کوتاه !

زنانه خوانده کان صد نیم  
مجله ظاهره قلندر بیرون اهیم  
قلندری ازلخیری باروی برای  
پلک از زن کارش در دل  
میکرد . ضن صحت آهن  
کشید و گفت : پلک دوست  
عزیز من در تمام زنده گیم  
در هشت، چانه، نداشته ام  
زیغا فقط پلک زن راد وست  
داشتم ولی افسوس که او هم  
ازد و از کرد .  
دوستی رسید : او هم  
پاریب .  
اولی سری تکان داده گفت:  
نخیر با خود .  
هناری پالیفه . مجله نادره  
اجع از دلایت بروان !  
لطفالی پالایی دینین بیچاره  
خرده نگیره . اخداوند متمال  
میداند که نامه های قیلس  
تان در کدام منطقه که خاک  
زین ، چک میزند . صرف  
این نامه تان پایاک مطلب  
پلک کی زیار طوبی برای مان  
رسید . از شما شکر . تقاضا  
مینمایم در آینده مطالع  
پلک کی زیار کوتاه بفرستید  
بدون گیو و سخن میباشم  
شکر شاد پانیه .  
هناری باریق مجله عبد المقصود  
هستا کارمند موسمه عالیم  
تریمه معلم ولایت بروان !  
زعن که از راه دنود رانی لطف  
موده . نامه مرستاده اید  
ما منظر طرحهای ادیس  
خود شما هستم .

محترم ملکه مستمنه سردمی معلم از شما یک گیتی شکر !  
در لیسه کوکجه ۱ سخته عد الغیر شرقی ۱ ز  
بینه هاد تازرا به پیشنهاد ولایت سلطان ۱ ای  
خوان مجله ، تحریری لفظ ایمک ماکانات نشر اشعار  
از شما تعریفی شکر میکنم . دوستان و هناری عزیزاند .  
هناری اپیچه که نهاده باشد .  
مجله ای اجاتن سعادت از مانیخواهم کس راشنون .  
برهتمن بلخ ! کرچه در تعداد کم و یا آشنا قابل جاپ  
نامه های ارسالی تان درین نیست . خیرا بسایر از همان  
اواخر کاهنی به محل آشده ران ماناعران ستدند چون شما  
ولی بیامد آنکه افزایش سنت ، که تو فقیه بینشتر  
بعمل اید ، اینک طرس در عرصه شعر و شاعری برای  
ادیس را کارنوند خود کاریگه همه تان تنا مینهایم و وده  
خود تان است . میباشم . میده هم که اگر امثال موسر شد  
برای نامه های که دار اشعار شما خانه زینت بخشن  
مینهان کافیست . صفات مجله خواهد بود  
باق استند ادود ایشان .  
حال خاطره های راهه سرکم روشن باد !  
محترم جلیله سعادت (لیلی)  
ساختن ایچع رحیم !  
ناگز لیسه مخفی ولایت  
فرموده اید : در مطلع مطالع  
بد خشان ایمه تان رسیده (علی) بیشتر نخشنود .  
مامتنظر نامه هایان هستم

محترم لوری مسجد صابر شاه  
له شکر هار عزمه !  
ستاس دزمه ، بو بینکلی  
شعره دد ریعن لاس ته  
راورسیدل ددی له باره بیم  
شکسته نسی تان شکر . شا  
راد و را شکسته بند خواهیم  
هناری خوب سیم جان بجهیه !  
برای کسانی که نهایت سلبت  
گفت اید . انجاع از اسن  
دنیارخت سفرسته اند از  
احسارت نیک اتسانی تان شکر  
ای کاند رطام موجودات زند  
که انسان نام دارند احسارت  
وجود میداشت .  
محترم عادله نظری از عقب  
سفارت شودی !  
طنز تان ، طنز بود از شما  
میظليم تم تاد پیر طرزه های  
تازرا بیز بفرستید تازه میان  
انها بعترین هار برای صفعا  
ت اختصاص طرز ایضا به  
کم استعداد تان قابل  
آفرین گشتن و حضر تان قابل  
چابیدن است . از شما شکر !  
دوستدار مجله جاریه

احمد (۱۰۰) ازیسه  
عبد الصبور شید . نسبت  
شکر دست ک عاید حال سواد  
نزد پلک بین شده بود تواتست  
تخلص تازرا بخواه به هر صورت  
در آینده لطفنا . نزد کرد همیش  
که طرحهای ارسالی تان مال  
کیست ؟ از نساد وجهان  
سباس .

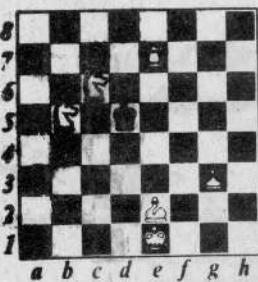
نامه هایی از دولایات



# شطرنج

ساعدر  
دمرکه

جواب اندیشه اینده نشر  
مینود

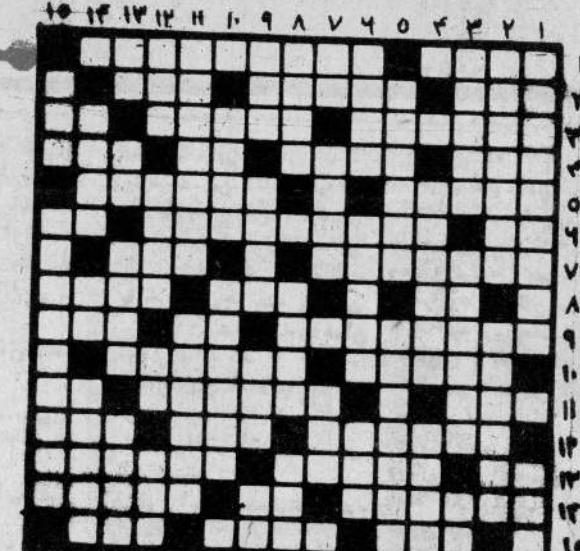


- خواهی نشوی . . . . .
- هم زنک - جماعت باش .
- آب از روی . . . . . خسورد
- مشود .
- کمک . . . . . نیکوکرد
- کمک . . . . . میگویند .
- برای به خاک سهردن مرده هر خاکی . . . . .
- لام نیست . . . . . میک
- من غنام اثرا بخورید .
- مرد و گان خیل خوشبخت . . . . . هستند .
- هر چه . . . . . بضم این
- بمشتری برمیخورد .
- . . . . . علف شبین است .
- زاغان در . . . . . سیاهند .
- در ریای . . . . . ساحل ندارد
- هنگامیکه برادران با هم . . . . . نو به طلا مبدل
- مشود .
- غمام کالاها . . . . . دارند .
- هرچه بیک گیلان . . . . . زد تر میزند .

- ٤- پایتخت ایراند - خرس
- به عربی - امر و حکم .
- ۱۵- گروههای سوسیالیست و جمع امت ملی و رهنی اثرا دارم از سایل موسیقی ضربی .

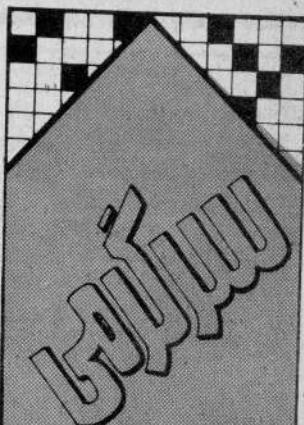
- و همچنان نام گلست .
- ۶- سرتاج اعداد از آنطرف سپاه و ستایش است - نام سروکوهی است ، همچنان و صدای الاغ .
- ۷- کسی که بیش از یکمیار دارای دارد - از ویتامین ها - چویدست .
- ۸- در چه و گلکین بے لسان بیکانه - امانت راجع بکند .
- ۹- دختر خسرو است و نوعی کهواره - از فاره ها مکان .
- ۱۰- عضو مجلس سنای در آن

- نام می پزند - بت .
- ۱۲- زن است و هر یک از دو قسم استخوان بالا و پائین دهان - از مسماهای سال - اولی در خسته انکور و دومی جرس " دو - کله " .



- ۱- کتاب معرفی از نسو - پسندیده امیر نایار " بچرا سنتو " که قهرمان آن میک شاهپرست است - نام محل و زمین که حضرت محمد بدخترش بخشیده بود .
- ۲- بیماری در مفاصل بوش بزندگان - میکوئند زیاد شر استیقان مرک است آسیب و گفتگی ،
- ۳- محل سعادت حمین عصت - از روحداران نظامی .
- ۴- کوزه " سفالی - منطقه در جنوب شهر کابل که قصر زیاد را آنجا وجود دارد .
- ۵- افقی :

- ۱- زرق دهنده - نیماز عصت - از روحداران نظامی .
- ۲- محل سعادت حمین عصت - از روحداران نظامی .
- ۳- محل سعادت حمین عصت - از روحداران نظامی .
- ۴- دیگران .
- ۵- درستون افقی دریاف دوازدهم بجاید - اتاق جلسه و کفرانس در لسان پیکانه .
- ۶- مونت صاف امادرهم دهلیز و کریدور - میمن است و زاد بوم .
- ۷- بلی بیروس - بیزاری و کازهای کو ناگون سرگرم شدن - جمع رای .
- ۸- سمت چپ - نوع نمایش آواز کردن است و کارنامی .
- ۹- قتل بن پا - اکڑان نام کم گویندش همچگاه قولش را نمی شکند از پایتخت های اروپایی .
- ۱۰- کس که بیش دارد - قصه ها و نقل کرده شده ها .
- ۱۱- ارزانی را بهار میاره آنکارا شدن و برهنه شدن .
- ۱۲- اول بودم در پیشواد و نیز زنده " دو و کله " شنیده ای احتساب میشد .



# دندانپیش

ها

## حل کنید جایزه بگیرید

**حل کننده گان**

محترم محمد طاهر غنیفری  
محترم مشهود مسعود  
محترم انسه افندی  
محترم منصور نورستانی  
محترم شهراحمد امیری  
محترم حسننا غزال  
محترم سهنا جاله  
محترم محمد ناصر جاله  
محترم حسوب سودی  
محترم فروزان سعدی  
محترم ادريس  
محترم جمال ناصر

چگونه میتوشید؟

چارغور ازد و سستان گردیم میزنشنیده بعده اینکه گهلاں هر از جای را روی میز بکنار بگذاریم که دوستان خود بیشتر که بدون شناس به کلاهای دیده ای را از زیر کلاه صرف کنند بعد از خود تان دزیر میز خود را خم نموده اوازن شنیدن چه ای راتوس ط دهان بیرون بجا و بید و بعده بد و سستان خود بگذاری که چای را صرف نموده اید یا خیر؟ درینهن لحظه انعامشکوک هستند که ای بازی را تو شنیده اید یا خیر؟ این عمل را اجرانموده بهمند ایا بچه طرف قصیتا نمید چای را از زیر کلاه بدون شناس صرف کنند محل اسرا برای نایبرستند .

امداد را حصل میکنم

## جوایز این شماره

• دولت‌آپه پس انداز  
• افغانستان بانک

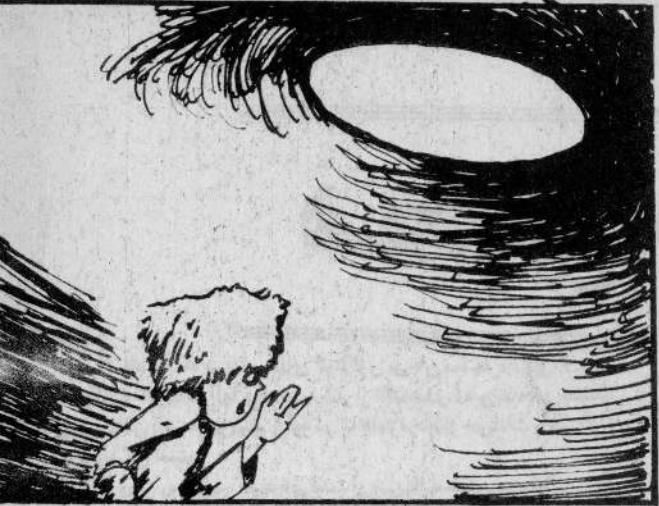
• دولت‌آپه پس انداز

• بانک ملی افغان

• صرف آش ایهار تقد

• در فروشگاه بزرگ افغان

- ۱- قصه ها و نقل کرده شده ها .
- ۲- ارزانی را بهار میاره آنکارا شدن و برهنه شدن .
- ۳- اول بودم در پیشواد و نیز زنده " دو و کله " شنیده ای احتساب میشد .



تاجر ناد ماده که از میان کوزه صدای بالا می‌شود.  
از حدود نزدیک بودن کوزه را در کوزه پنهان کرده است.  
کدام عن خود را در کوزه پنهان کرده است.  
امروز کوزه را به درعا بیند از دنای سادا  
پلاس به سوچ بیند.



۱- مرد تاجر که برای تجارت پیشواست  
پول زیاد می‌بردند و نیزه نمودند. من سکه  
و نیزه می‌گردید از این فرش می‌گردید و چن می‌گرسد  
پول زیاد به او خواهد داد. نیزه لب گفت:  
دیگر غصه نمی‌کنم. کال می‌گیرم  
ام. پسرک وقتی این حرفها را شنید بسیار  
تشجیب کرد و با خود گفت:  
کاش بیشتر می‌کنم از کوزه هزار براخ خود  
بگشم.

مالک ما آدم زیاد خیس است. پیشواست  
فرموده ای  
طلایساش را پنهان کرد. کوزه دوس گفت  
این چه می‌گشتن شنیده طلا پیش از گرفتن  
ام. پسرک وقتی این حرفها را شنید بسیار  
تشجیب کرد و با خود گفت:  
کاش بیشتر می‌کنم از کوزه هزار براخ خود  
بگشم.



از میان یک از کوزه ها پسرک بیرون شد.  
تاجر از دین آن صدنه ساخت به تجسس  
افتید این که قرآنی نداشت به دین ایمان  
دید صاحب کوزه ای شده است از آن زیره  
بعد پسرک نزد تاجر زندگی می‌گرد و کار  
می‌می‌دند. پول آن بدر و مادر را کشید و کار  
و این خوش بانس در زندگی های خوبی  
فانسان بود.



۲- همینکه نیکارش کوزه را برد افتاده بیار  
دیگر صدای اسرار آمیزی از میان کوزه  
کرد و به زدن زد.

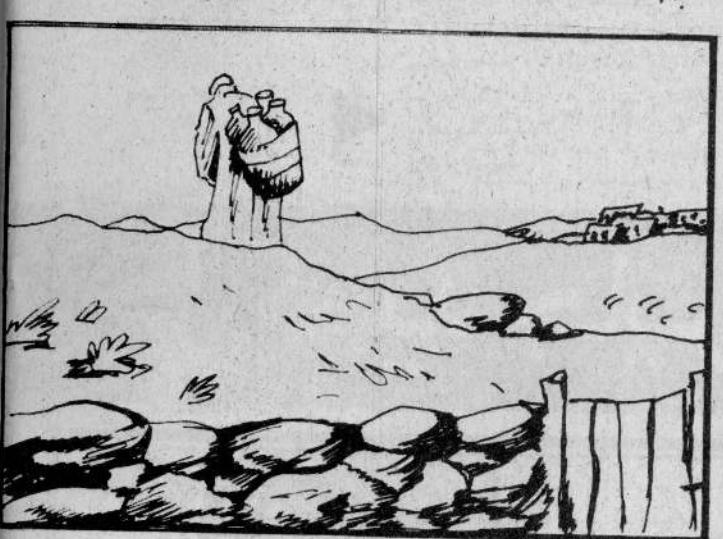
چند بعد ای از میان یکه کوزه را به سکه های کوزه  
های طلا روختیدند. این چیز  
آجی همین ۰۰۰۰۰ خوب است  
با بیسدار ۰۰۰۰۰  
تاجر یک پشت دیگر کوزه های عکس نداشت.



۳- روزی کال به شاگرد خیلی گفت:  
پسر جوان، امیر خان دیگه ما دیگه  
های مادر پسر را شنیده نزد کال رفت گفت:  
کاش این کال چندان  
کوزه کوزه را بیرون آمد. هنوز کال چندان  
کوزه کوزه را بیرون آمد. یکم چون آن من متوجه  
می‌شد.

از همین حالا کار یاد گیرید. شاد را یافته بیندازد  
هر زنگی خود شود. پسر کات آین حرف.  
های مادر پسر را شنیده نزد کال رفت گفت:  
کاش این کال چندان  
کوزه کوزه را بیرون آمد. هنوز کال چندان  
کوزه کوزه را بیرون آمد. یکم چون آن من متوجه  
می‌شد.

اسد هاشم پاپ سرداست. سیمینه ری  
جسم کوهله داشت که مادر او را "چندان"  
می‌داند. روزی مادر پسر گفت:  
ماده مادر، روزی مادر پسر گفت:  
پسر خوش ایام ایا یکان همچشی ایست که  
هم کار و پیشه عی را می‌نیست. او باید



۴- نیکار تاجر غیل از همه طرف گلمس  
کلان کلان کلان را که در آنها بیاری خیل  
قیدن کاشند پوکه گرفته با خود بودند.  
در طول راه که های سخن زدن شون  
کردند. یک از آن ها گفت:

- دیواره را باز کنید. من تاجر است. بر  
از خود و ترس میان یکی از کوزه های داخل  
شده تاجر را در یکان شد و خطاب به تو -  
پول را طاله میگرد و اما کال تیغ است بد  
بولها پیش را بر ساند. از نیز تاجر با خشم  
میاند باز کنید بیرون. این کال فرد وست  
پریدند. زد. وی از نیزها شنید.



# همخوانی مثلهای ترابط فرهنگها

۹) ادب از که آموختی، از بی ادبان (بوستان سعدی)

عربی: العاقل من اتعظ بغير عاقل کسی است که از دیگران پند بگیرد  
انگلیسی: Wise man learns by others fault  
مرد عاقل از خطاهای دیگران پند می گیرد

۱۰) از چاله در آمدن، بهجه افتادن

عربی: من الدفعه لحت المزارب: دوری از سکنار دیوار و افتادن در حوى  
انگلیسی: Out of the frying pan into the fire  
در آمدن از ماهیتایه و افتادن در آتش

۱۱) از حرف گووه کوره باران نمی آید.

عربی: لا يضر السحاب نبع الكلاب = عووی سگها به ابرها زیان نمودساند  
انگلیسی: The moon does not heed the barking of dogs  
ماه به عووی سگها اهتمیت نمی دهد

مضمون این ضرب المثل به این بیت از شعر مولوی بسیار نزدیک است:  
ماه بزر سطح فلک شد شب روان

سیل را نگذار از بانگ سگدار  
۱۲) از دل بروود هر آنکه از دیده برفت: کنایه از اینکه دوری دوستی را  
کمرنگ می کند

عربی: بعيد عن العين، بعيد عن القلب: دور از نظر، دور از محبت  
انگلیسی: Out of sight, out of mind

مشابه مثل عربی

۱۳) از کوزه همان برون تراود که در اوست

عربی: کل انام بینجع بمالیفی: از هر ظرفی همان برون می آید که در آن  
است

انگلیسی: Vessels leak of what they hold  
فارسی مشابه مثل عربی و

۱۴) از هر دست که بدھی از همان دست می گیری

عربی: الجزاء من جنس العمل: پاداش از نوع عمل خود انسان است  
انگلیسی: Like fault, like punishment  
مشابه مثل عربی

۱۵) انسان به امنید زنده است  
عربی: ما أضيق البيش لولا فسحه الامل: اگر وسعت آرزوها نبود زندگانی

چقدر تنگ می شد  
انگلیسی: If it were not for hope, the heart would break  
اگر بخاطر امنید ببود قلب انسان می شکست

۱۶) این دغل دوستان که می بینی مگسانند گزد شیرینی  
عربی: الكيس املان لا يفتقد الخلان بک جیب پر هرگز بسی دوست  
نمی ماند

انگلیسی: A full purse never lacks friends  
دفعیقاً مشابه مثل عربی

۱۷) با یمنه سر می برد  
عربی: فم یسیع و بد بذبح دهیانی که می ستاید و دستی که سر می برد

انگلیسی: An iron fist in a velvet glove  
مخلی

۱۸) باد اوردده را باد می برد  
عربی: مال تجلیه الریاح تبتهز الزوابع: مالی را که باد می اورد طوفان

می براکند  
انگلیسی: Easy come easy go (چیزی که) آسان می آید آسان هم  
می بود

ضرب المثلهای که در مناسبتها گوناگون بزرگان ملتها جاری گشته است چنینه تعبیریات آنها بوده و سرشار از تکنیک‌های آموزنده می باشد همچنین نشان دهنده تیزبینی و قوه در گ عامه مردم از جریانات و مسائل روزمره زندگی است.

آنچه در پیش رو دارد، گزیدهای است از ضرب المثلهای متدالوی درسه زبان که بصورت معادل گردآوری شده است:

(۱) آب در خانه گندیده است: کنایه از بی ارزشی چیزهای نزدیک و سهل الوصول

عربی: لا كرامه لتبني في وعنه. پیامبر رسوزمین خودش احترام ندارد.  
ایضاً: بنی‌الدار عوراء (از ضرب المثلهای عامیانه)

انگلیسی: A prophet is not without honour, save in his own country

ک پیامبر بی احترامی نمی بیند، مگر در سرزمین خودش.

(۲) آخر الدواء الکنی: سوزاندن آخرین راه درمان است

توضیح اینکه در قبیم زخمهای را که معالجه نمی شد می سوزانند  
عربی: این عبارت عربی است و در هر دو زبان فارسی و عربی رایج است  
حافظت می گوید:

بصوت بلبل و قمری اگر سوسی سوسی علاج کی گشت، آخر الدواء الکنی

انگلیسی: The last resort is the hot iron

آخرین چاره آهن داغ (سوزنده) است

(۳) آدم گرسنه ایمان ندارد

عربی: کاد الفقران یکون گفرا: فقر به کفر نزدیک است (حدیث)  
انگلیسی: When poverty comes in at the door, love flies out  
زمانیکه فقر از در وارد می شود، عشق از پنجه می گریزد.

(۴) آشیز که دوتا شد، آش یا شور می شود یا بی نعم  
عربی: من کثرة الملاه حين غرق السفينة: از زیادی ملوانان کشته غرق شد

انگلیسی: Too many cooks spoil the broth

آشیزی از دیگران آشکوبش را خراب می کند

(۵) آش غفورده و دهن سوخته

ایضاً: گنه کرد در بالخ آهنگری  
بسیه شوستر زدن دگردن مسکوی

عربی: اکلت الفلفل و تفلفل حلقی: فلفل را تو خوردی و گلوی من سوخت

انگلیسی: One does the blame, another bears the shame

گناه را کس دیگری انجام می دهد و شرم‌سراش از آن دیگر است  
آفتابه لگن گفت دست، شام و نهار هیچ چیزی. (کنایه از تشریفات بیهوده و زائد)

عربی: اسمع جمجمة ولا رأي طحنا سرو صدا می شنوم ولی آردی نمی بینم  
(در آسیاب)

انگلیسی: Much ado about nothing

هیاهوی بسیار برای هیچ ایضاً

(۸) آنچه برخود مهندسی، بدیگران مهندسند

عربی: کماتدین، تدان = همانطور که دیگران را خوار کنی خوار خواهی شد

انگلیسی: Do as you would be done by  
همانطور با دیگران رفتار کن که باید با تو رفتار شود.

بانک ملی افغانستان

از شما در خدمت شماست  
اماكن و پس اندازهای شما را با اطمینان تکمیل کنید ارد

## تايرتیوب ليس

شماکه بخاطر تایرهای جدید انتظار می‌شیوهید، **مطمئن ترین تایر استجوی نمودید** حلامتی تو اینه  
مطمئن شویه این تایرها که از شهر و ترین کجنه تمازه وارد گردیده در خدمت شما قرار دارد.  
این تایرهای تیوپس ضمیمه پنخه دفع کشنده فشاره ضربه میباشه. تایرهای تمازه وارد از سایر تایرهای ارزشتر  
بوده و به اقتصاد شما کمک میکند. این تایرها چندین برابر تایرهای بادی عمر دارد مطابق سنتند رو بین المللی  
ساخته شده. ازین تایرها برای کارچی های خاکرده و کارچی های معدن نقل موال و ماتین های سیار استفاده میشود.  
این تایرها برای شهرها و قصبات کشور یک محصول مطمئن است  
ازین تایراستفاده غایید و برای همیشه از پنچر شدن و هولکری راحت باشید.

و در سر فروش ۴ - کابل حصه اول جاده نادریستون محمدی مارکیت دوکان غلام رضا  
سالنگ وات چهارراهی قوای مرکز سرای حاجی محمد عطا دوکان محمد رضا، ریا

تلفن ۳۴۹۸۱

# رستوران ذائقه طلایی

فضای آرام با موسیقی شاد و هترین موقعیت رستوران ذائقه طلایی بهیشه در خرا  
باقی خواهد بود. غذاهای لذیذ از گوشت گوسفند مرغ را در لون زیبای  
این رستوران که از ساعت صبح ۸ شب آماده خدمت امرف نمایید. رستوران ذائقه طلایی  
فوجال عروسی شیرخواری دعویت گاه طناب سدان اهل هنود را با شرایط سهل و اقتصادی پذیرد  
که بتوشید وقت را قبل از زرف نمایید.

آدرس: رستوران ذائقه طلایی اکادمی علوم مکون فیزیک و ریاضی دیر و مسغار (دیگ).

**روح‌الله فقیری**  
**رستوران ذائقه طلایی**  
**و فروش خانم**  
**زملین آپارتمان و موزه**  
**آدرس:**

شماره چهارراهی حاجی یعقوب متصل مسجد  
 تلفون ۳۲۰۲۹





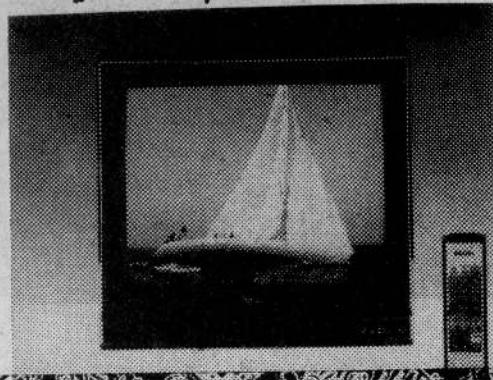
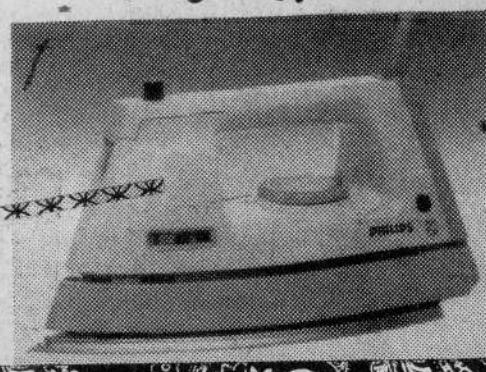
کفر دشی سنبل  
میهن تازه راهیه مصون شده نیز  
میهن عذش بخواسته، سخن پیش  
میهن بر دست میخواسته مرغ  
که میهن: نیزه میبدان شهد نو که چه کفر دشی



## فروشگاه فلپس دیلات

فروشگاه دیلات شیک ترین اجتیابر  
دلاز شهروزین گنجی، ارجمند تازه دله  
نموده و برازشته از عرضه میدارد.

تلویزیون ارزانه فلپس لامائیک ریموت کنترول دارد، سایز هار مختلف باشد  
کنترل، دیرویکت شارپ مدل M730E، ارقام را دیگر نداشت، (تو، قریب لقا، مدنتر، بادکش، مریزه)، تلویزیون های سفید و سیاه  
۲۰ و ۲۲ اینچ سیاه و سفید رخت اتحاد میسر. آدمی، معالج بیانی کمال محمد جان خان داشت



OPERATION  
ACKU S 803  
DIREKTOR

## عقرب

میگویند کس له خوب گرمه میزند خوب  
گرمه را باز هم میکند . اما گاهی اگر شما  
زندگی تانرا خیلی محکم گرمه میزند  
برای حل مشکلات تان بیشتر از هر کس  
خود تان دچار جنجال میشود ، بهتر  
است سخت گیر نباشد و تانند از مهرچیز  
را آسان بگیرید .  
دنباله به آمید خورده شد .

## قوس

در گذشته ها کس گفته بود که مرد  
ها زن ها را جسم دوست دارند اما  
زنها قلبها و روحها . بهتر است اعتماد  
او را خراب نسازید و آرزوی هایش را نیز  
پا نکنید . مصیبت هرگز دا یعنی نیز ماند  
خود را با مقاومت سازید . در برای  
حوالات سهی نباشد تا بتواند از خود  
دفع نکند .

## حدای

بجزی که کران است رایگان است آنچه  
راک بعدها بدست میاورید برایتان هم  
ارزشدار و هم خوشحالی .  
دق تکنید که با تاریک اندیشی دو -  
ستان خوب تانرا ازدست ندهید .  
چو زی راک انتظار دارید بدست  
میاورید اما همی خود تانرا میتواند بهتر  
شما را کنکند . نامه عی در یافت خواهی  
هود کرد که خیلی برایتان خیرهای خوبی  
ارد .

## ولو

همه چیز خوب است اما باشد جوانس  
را باجریه های بهتر سهی کنند تادر .  
پیشی جوان باشند . کس را که بیاد داشت  
رید شمارا به خاطر دارد و ممکن است به  
زودی او را بینید . گشته تانرا میتواند  
اما همه چیزی مرحون رحمت شما است اما  
توانیغی آنرا دارید که بزرگوارتر از پیش  
باشد .

## حومت

هر وقت شمادر را به خود آن دیشیده  
اید در حقیقت دوست ان تانرا هم از نظر  
دارید همیشه امید قوی شما مشکلات شمارا  
آسان ساخته و شمارا بخاطر زندگی کسی  
خوب یاری من رساند .  
با دوستی که در هفتاه اینده ملاقات  
میکنید برایتان خیلی دلچسپ و آمو -  
زندگی خواهد بود . حرف های او را همیشه  
بخاطر بسیارید .

برای شما  
فال

## حمل

همیشگی سر راه تان واقع نمیشود  
شما میتوانید بالاراده و تصمیم قاطع بسر  
دشوا ریها غله کنید . در عشق چانس  
بیشتر دارید ، اما مهم اینست که میتوانید  
نهضت از چانس خود استفاده کنید حسوس  
نهایت شیرا بیوهوده خود را سرد چار بیندا -  
روی های روانی من سازند .

## شور

میگویند اگر قهرمانیور را نکنید قدر  
عمل را نمیدانی ، گاهی اجازه بد همیشید  
که حواس هم وجود داشته باشد چرا  
که بدن تلخ نمیتوان مژه خوبی های  
زندگی کی را چشید .  
به استقبال یک خوش بزرگ باشید و  
بدون آنکه خود را ناراحت سازید بسیاری  
از کارها سر بر راه میگردند مواظب خواهی  
نموده خود باشید .

## جوزا

در روح پایی کوتاه دارد ، شما مشوجه  
باشید کسی که شما را می فریبد همیشید  
 قادر نیست فریبید را ادامه بدهد . شصتم  
تان برای انکه بعیت دوست خود کمال  
نمایید ، خیلی بجاست اما کوشش نکنید  
این مساعی دست خود را همیشه به رخ او  
بکنید . دل فرخان داشته باشید .  
بسیزی خبر خوشی به هم میرسد  
که میتواند برای شما خیلی با ارزش باشد  
بکی از دوستان تانرا ملاقات می کنید که  
خطا نه اش برای شما بسیار غریب خواهد  
ماند .

## ستر طار

عادت نکنید همیشه منقی یاف باشید  
زندگی کی بانه گفتن - اخته نمیشود ، بلکن  
بگویید و اما منجیده . بادقت زیاد -  
کاری راک زیر نظر دارید اینجا بد همیشید  
اما موسوس شوید و هرگز نخواهید همیشید  
چیزی به مراد دل شما پایان یابد . از کسی  
که توقع نیکی ندارید در مقابل بیدی اش  
آزدگان شوید . دعوت یکی از اعضا خواهد  
نموده تانرا برای حل مشکل بپنید .

## زماء

گرم جوش شما خوب است اما دقت کنید  
مکن است بعضی ها آنرا نشانه ساده  
باوری شما نه پندارند . برای زندگی کسی  
کردن هنر نیست را بیاموزید .  
یعنی تحمل و شکیبایی . نامیمی به شما  
میرسد که میتواند در موقعیت شما و در  
تصمیم شما نسبت به آینده خیلی موثر  
باشد .

## ستبله

باشانی که جدی میباشند برخورد خود  
را جدی نگهدازید زیرا ممکن است شوش  
های کوپیت موجب شود تا متابعت بسیار  
قدیمی و دیرینه شما خراب شود . کسی  
را که دوست دارد رید اینجا بد همیشید  
سازید درین راه شهامت شما را کمال  
منند . نامه یک دوست تانرا پاسخ بگویید  
بیدو اورا انتظار ندازید .

## حیثیت راست

مهر بانتراز پیش باشید تا دوست تان  
احساس کنده شمادر محبت خود براو  
منست نکنده اید ، زمانیکه کار خوبی  
انجام میدهید خوشحال میشود و نوعی  
راحتی وجدان شما را مسروق میسازد .  
بدون آنکه اسیا زحمت اضافی دوستی ن  
تان را فراهم اورید گاهی احوال اینها  
را بگویید . نکران گرمای هوا نباشد  
 فقط خود را نگهدازید .

# موزه و روزی انصاری وات

آلهه شرکت خط فنیه، تحویل یکم در موئز فنیه.

ریما فضو آلهه شرکت الکام ماسکوچ بعل ۱۹۹۰ راحر که را به:

موئز ماشین الکام ماسکوچ ۹۰ موزه و روز انصاری تازه و اون خود است



شما از بایستاه این موئزهاد رجهاراهی انصاری شهر بودیدن کید  
و موئزد لخواه تارا باریک موئز پسند انتخاب کید. همچنان موئز فروشی  
انصاری موئزهای مودل جدید ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بنز توبوتا ویک همای  
مختلف انس را بد ستوره دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانید با شرایط  
سعی موئزهاد ضرورت خویس را دستیاب شوید

تصویر:

یادگاری این موئزهاد این خود تهسا  
دانه درسته اول ماه حمله دار مفعه  
۲۱ از پیش داشت این داری داشتند داری  
از پیش ۲۸ به بعد ۱۷ سه راهه میوان  
ست اخیره این داشت مطالعه میباشد  
نشتر

که شرکت باره دکر بجا طرد کشته باشید

تلفون ۳۰۵۲۰۵۰ پچهار انصاری شرکت

ملل  
05  
350  
220  
04/03

# فروشگاه بزرگ افغان

## پاک شنیزک در داشتگان بزرگ

محافل حوشی تانرا در سوهوت

فروشگاه بزرگ افغان بغلزار

شما میتوانید در منزل خود فروشگاه بزرگ افغان از روییکار خود محصولات ناید تا با این همیشگی شمار  
بماند زیرا کسی نمیتواند از شرکت خود را پرداخت کند وقت را بیزیغی کند

## فروشگاه بزرگ

## افغان

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**